

آموزشی ابتدایی

ISSN :1606-9102

ماهنامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره ی بیست و سوم - از دیهشت ماه ۱۳۹۹ - شماری بی دربی ۱۸۹ - صفحه ۲۶۰۰۰ - ۲۶۰۰۰ سال

www.roshdmag.ir

پ
وزارت آموزش و پرورش
پایه های ابتدایی و متوسطه اول
فصلنامه علمی و تخصصی

رشد

عزیزم

معلم

مبکر

روزت



مسابقه‌ی شماره‌ی

همیشه با شما

خوانندگان و مخاطبان عزیز مجله، سالی را با شما آغاز و با این شماره به اتمام رساندیم. همراهی صمیمانه‌ی شما فرهیختگان باعث دلگرمی دست‌اندرکاران مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی بوده و خواهد بود. همان‌طور که در شماره‌های قبل سؤالاتی به عنوان مسابقه و شرکت در فعالیتی فرهنگی طرح می‌شد، اکنون نیز دو پرسش یا درخواست نوشته شده است که با پاسخ به آن‌ها باعث پربار شدن این نشریه می‌شوید.

* خاطره یا تجربه‌های خود را در زمینه‌ی معرفی فعالیت‌های آموزگار یا مربی یا همکار تلاشگری را بنویسید که با روش و منش خود، شما یا فردی را که می‌شناسید متحول کرده است.
* پیشنهاد شما برای ایجاد سرفصل‌های جدید در مجله کدام است؟ لطفاً توضیح دهید.

مهلت ارسال پاسخ‌ها: تابستان ۱۳۹۹

آموزشی ابتدایی

رشد



ماهانامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای
آموزگاران، دانشجویان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
دوره‌ی بیست و سوم - اردیبهشت ماه ۱۳۹۶ - شماره‌ی پیدری ۱۸۹ - صفحه ۲۶۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir



اللهم صل علی محمد و آل محمد



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

یادداشت سردبیر - ما چند نفریم؟/۲

تقویم ماه - /۴

گفت‌وگو - مدیون خانم آقایی هستم! / معصومه حبیب‌پور / ۶

● گذر از پیرمحل / زهرا ذکریا پور / ۲۲

● قصه، سرآغاز حرکت من در دل طبیعت است / محمدحسین دیزجی / ۲۴

دیدگاه - آموزگار / راضیه سادات شجاعی / ۹

● دور زدن ممنوع! / یاسین حیات ابدی / ۱۰

نوشتار - تلفیق‌های کارآفرین / مرضیه کهن‌دل / ۲۶

● عتیقه‌های فضای مخفی / دکتر کیقباد یزدانی / ۲۸

● والد سوم / ترجمه: الهام فراستی / ۳۶

● تدبیر مدرسه و اولیا در توسعه‌ی سواد خواندن / نرگس رجایی / ۳۸

● موتوری که می‌خواهد روشن بماند / مسلم امیری، ماکوان بهرام‌زاده / ۴۰

گزارش - مطالعه، دغدغه‌ی آموزش و پرورش / محمد دشتی / ۱۲

نوشتن - انشانویسی - روز آخر بود که ... / حسین حسینی‌نژاد / ۱۶

ادبیات - بهار شعر فارسی / جعفر ربانی / ۱۸

مدرسه‌شناسی - سپاسگزارم آموزگار من / کبری محمودی / ۲۰

هشت نما - یه روز خوب / روح ا... مال میر / ۳۰

برنامه‌ی درسی - علوم - فرایندهای پیرامون ما و آموزگار / احمد رضا اعرابی / ۳۲

● **تجربه‌ی کلاسی** - کلاس بدون مرز / ۴۳

● پنجره و شکارچی / ۴۷

تربیت بدنی - کارکرد وسایل و تجهیزات کلاس تربیت بدنی دوره‌ی اول / دکتر محسن وحدانی / ۴۴

● **یادداشت** - ارتقای منزلت معلم؛ وظیفه‌ای همگانی / غلامحسین ظفری / ۴۷

● نمایش مرام و منش / زهره پیرهادی / ۴۸

قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

● مقاله‌هایی که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی - تربیتی و فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشند و متن اصلی نیز همراه آن‌ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله‌هایی می‌توانند با نرم‌افزار «ورد» و روی «لوح فشرده» و یا از طریق پیام‌نگار مجله ارسال شوند. ● نشر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول‌ها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف‌ها و پیام‌نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نماییه (کلیدواژه‌ها) از متن استخراج و روی صفحه‌ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی‌نامه‌ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم، عناوین و آثار وی پیوست شود.

● لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله‌های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی‌شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان مجله نیست. ● علاوه بر این نکات، ضروری است به نکات مهم‌تری که در صفحه‌ی ۴۶ درج شده، توجه فرمایید.



عکس: مهران مافی بردبار



ما چند نفریم!

دختر این مادر می گوید: «خانم معلم ما می گوید شما ماشاءالله چقدر بزرگ شده اید؛ قدری که کلاستان کوچک به نظرم می آید. اما من می گویم: «کلاس کوچک است و این روح بزرگ معلم است که توانسته بچه ها را در این محیط کوچک و فشرده، به آینده ای روشن هدایت کند.»

مادر می گفت، وقتی اولین بار از دخترم پرسیدم کلاستان چند نفره است. او پاسخ شیرینی داد: «مامان! ما با خانم معلممان ۳۶ نفریم!»

تکرار کردم: «یعنی شما ۳۵ نفر هستید؟»
و دخترم باز هم با سادگی و صفای کودکانه اش گفت: «نه. گفتم که ۳۶ نفریم.»

و این یعنی دانش آموز هیچ گاه آموزگارش را نادیده نمی گیرد. ما که نتوانستیم از روی این عکس کوچک نفرات حاضر را به درستی بشماریم. اما حتماً یکی دو نفر دیگر در گوشه و کنار بودند که ما آن ها را نمی دیدیم. از خداوند می خواهیم همه ی خدمتگزاران پیدا و ناپیدای کلاس های درس، همه ی دانش آموزان و همه ی آموزگاران را حفظ کند.

این مادر گرامی نمی خواست نامش در مجله بیاید، برای همین اجازه گرفتیم تا مطلب را به این صورت از قول ایشان درج کنیم.

مادر محترم و ریزبینی این عکس را با تلفن همراه از کلاس دخترش گرفته و برای ما فرستاده است.

هم نگران و هم خوشحال است. نگران از کوچکی کلاس و تراکم دانش آموزان و شاد از بزرگ شدن دخترش. او یک نکته ی دیگر را هم به ما گفته است.

گفته است که خوشحالم دخترم می تواند به زودی از این کلاس و مدرسه برود، اما پیدا کردن مدرسه ی خوب هم داستانی دارد. دخترم فقط به عشق آموزگار دلسوز و با تجربه اش و هم کلاسی های خوبش این فضای تنگ و باریک را تحمل می کند.

دخترم دوستان خوبی دارد.

آن ها وقتی به قصد خانه از کلاس خارج می شوند، به هم کمک می کنند وسایل خود را جمع کنند. هیچ مداد و خودکار و کتاب و دفتری گم نمی شود. این هم به یمن حضور و آموزش های دلی و اخلاقی خانم آموزگار است.

همان طور که در عکس ملاحظه می کنید، زیر پای دانش آموزان کیسه هایی وجود دارد. آن ها مکان مناسبی برای آویختن لباس های زمستانی یا لباس های ورزشی خود ندارند. بنابراین، آموزگار دوراندیش گفته است بچه ها کیسه هایی با خود بیاورند و لباس های اضافه را در آن نگه دارند.

مرا تحمل کن!

به راستی در این خانواده چه می گذرد که فرزندان آن ها چنین ذهن درگیر و غمگینی دارند؟

البته خودم جواب دادم که غمخوارگی از ویژگی های برتر انسان است و ما در جامعه ای امروزی به آن نیاز داریم، اما این کودک احتمالاً مشکلات دیگری دارد که نمی تواند حتی آن ها را پنهان کند. او در نوشته اش از نوع برخورد معلم هایش با خود گفته و اینکه برخی ها احساسش را نادیده گرفته اند. در خاتمه هم از آموزگارش خواهش می کند که به قول خودش، «سردی مادرزادی او را تحمل کند».

او حتی احتمال داده که کودکان همانند وی بسیار باشند و مهم تر اینکه درخواست داشته است معلمان این گونه دانش آموزان را دریابند و یاری دهند.

من تصمیم گرفتم دست نوشته را انتشار دهم و بگویم، همکاران عزیزم، مانند همیشه از اولین روز تا پایان مدرسه، با چشمانی باز و دلی بیدار دانش آموزان را ببینیم و چون والدی غمخوار در کنارشان باشیم. به احساس آن ها پاسخ دهیم و درون آشوب زده شان را به سهم خود اندکی سروسامان دهیم.

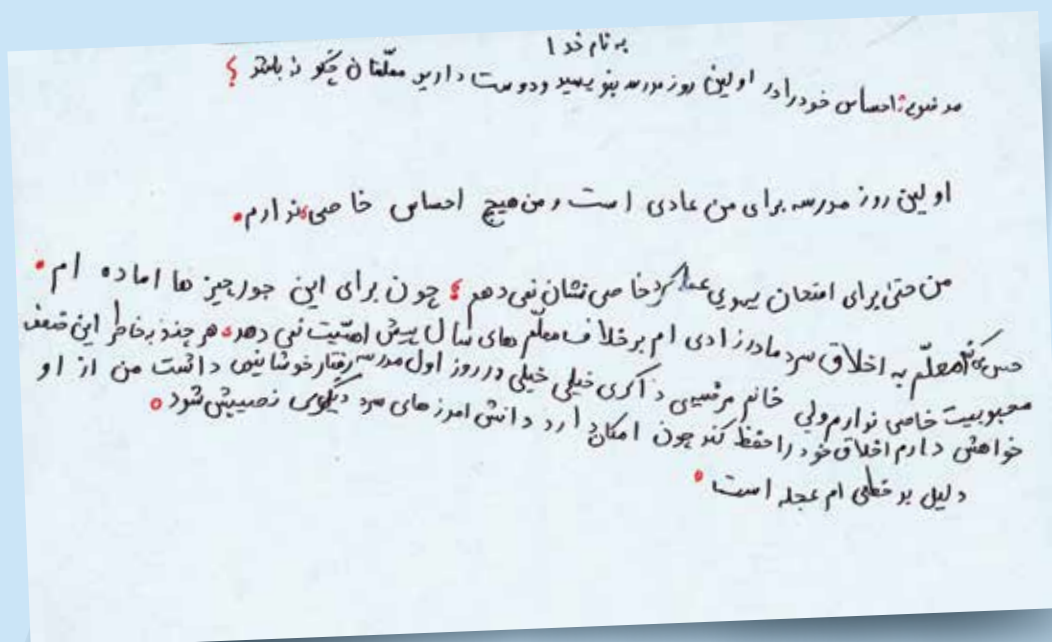
حال که به پایان سال و روزهای بزرگداشت معلم رسیده ایم، جا دارد چنان خاطره ای از خود به جای بگذاریم که سال بعد دانش آموزانمان بتوانند با گرمی و صمیمیت انشای خود را آغاز کنند.

یکی از آموزگاران دلسوز به سان همه ی آموزگاران فرهیخته ی این آب و خاک، نامه ای به دفتر مجله فرستاده است. در آن مکتوب نوشته است، روزی انشایی با این عنوان: «احساس خود را در اولین روز مدرسه بنویسید.» به دانش آموزان پایه ی پنجم خود دادم. از آن ها خواستم واقعیت را بنویسند. با شناختی نسبی که از وضع کلاس داشتم، امیدوار بودم مطالب و نوشته ها دلچسب و تا حدی از روی قواعد نوشتن باشد. در پایان، همین که دستخط و تیتر انشای یکی از دانش آموزان را دیدم، جا خوردم. مواردی را ذکر کرده بود که شاید تا آن هنگام متوجه آن ها نبودم. برای همین است که ذهنم را مشغول خود کرده و آن را به دفتر مجله فرستادم تا با هم اندیشی، به شناخت دقیق تری از خود و دانش آموزان خود در کلاس و مدرسه برسیم.

مرضیه ذاکری، آموزگار دبستان دخترانه ی شاهد، ناحیه ی ۱ بندرعباس می گوید، دانش آموز من نوشته بود: «اولین روز مدرسه برای من عادی است و هیچ احساس خاصی ندارم».

اولین سؤال من این بود که چرا برخلاف بسیاری از دانش آموزان که اولین روز مدرسه برای آن ها خوشایند است. این دختر با بی اعتنائی یا سردی احساس خود را نوشته است؟ چرا یک دانش آموز پایه ی پنجم، نشاط دیگر بچه ها را ندارد؟

سؤال بعدی این بود که چرا درگیر مشکلات خواهر بزرگ تر خود است؟





۱ اردیبهشت؛ بزرگداشت سعدی

اول اردیبهشت ماه در تقویم ملی ایرانیان، هم‌زمان با سالروز تولد شیخ اجل سعدی شیرازی، که فرهنگوران او را استاد سخن می‌شناسند، یادروز سعدی نام گرفته است.

۱۰ اردیبهشت؛ روز ملی خلیج فارس

در ایران روز دهم اردیبهشت روز ملی خلیج فارس نام‌گذاری شده که سالروز اخراج پرتغالی‌های اشغالگر از تنگه‌ی هرمز و خلیج فارس است.

۱۲ اردیبهشت؛ روز جهانی کارگر

در ایران هر سال در روز یازدهم اردیبهشت طی مراسمی روز کارگر را گرامی می‌دارند. امام خمینی (ره) در یکی از پیام‌های خود کارگران را ستون فقرات استقلال کشور و اسطوره‌ی سرنوشت‌ساز معرفی کرده‌اند. (صحیفه‌ی امام، ج ۱۴، ص: ۳۲۶-۳۲۷)



۱۲ اردیبهشت؛ شهادت استاد مرتضی مطهری و روز معلم

روز دوازدهم اردیبهشت روز معلم نام‌گذاری شده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شهادت استاد مرتضی مطهری در سال ۱۳۵۸، توسط گروه فرقان، به پاس آن معلم بزرگ این روز روز معلم نام‌گذاری شد.

۱۹ اردیبهشت؛ روز اسناد ملی و میراث مکتوب



هفدهم اردیبهشت روز اسناد ملی است؛ روزی که قرار است در آن اهمیت حفظ اسناد به مردم و مسئولان یادآوری شود. اینکه به‌عنوان مثال در چه روز و در کدام سال ایران و عثمانی صلح کردند، و چپستی و چرایی قطعنامه‌ی ۵۹۸ و عهدنامه‌ی ترکمانچای همه در اسناد معنا پیدا می‌کنند.

۱۹ اردیبهشت؛ روز جهانی صلیب سرخ و هلال احمر



سازمان بین‌المللی صلیب سرخ که با هدف تخفیف آلام انسانی و حفظ و پیشرفت بهداشت عمومی تشکیل شده است، بر اساس موافقتنامه‌ی ژنو در سال ۱۸۶۴ میلادی و به خصوص در پی تلاش شخصی به نام ژن هنری دونان، صلیب سرخ نام گرفت. در کشورهای اسلامی، به جای صلیب سرخ، هلال احمر به‌عنوان نماد این سازمان به کار گرفته شد.

۲۰ اردیبهشت؛ ولادت امام حسن مجتبی (ع)



امام حسن مجتبی (ع) کریم اهل بیت و پیشوای دوم جهان تشیع که نخستین میوه‌ی پیوند فرخنده‌ی حضرت علی (ع) با دختر گرامی پیامبر اسلام (ص) بود، در نیمه‌ی ماه رمضان سال سوم هجرت در شهر مدینه دیده به جهان گشود.



۲۳ اردیبهشت؛ شب قدر

شب قدر شبی است که در آن قرآن در نزولی دفعی، یک جابر قلب پیامبر اسلام (ص)، حضرت محمد (ص)، نازل شد. این شب در طول ماه رمضان (شب نوزدهم، شب بیست و یکم و شب بیست و سوم) واقع می‌شود؛ ماهی که با روزه گرفتن مورد توجه قرار می‌گیرد. مسلمانان برای بزرگداشت این شب به مسجد می‌روند و طول شب را به عبادت و گوش دادن به قرائت قرآن می‌پردازند و تا سحر بیدار می‌مانند

۲۹ اردیبهشت؛ روز جهانی موزه و میراث فرهنگی

گسترش موزه‌های دنیا و همکاری همه جانبه علمی، فرهنگی و صنعتی برای دستیابی به اهداف فرهنگی، از طریق هماهنگ کردن اقدامات بین‌المللی و تدوین برنامه‌هایی مؤثر است که خطوط اساسی همکاری مشترک و دو جانبه بین مردم و موزه‌ها در سطح جهان را دارا باشند.



منابع

- قزوینی، محمد کاظم (۱۳۸۰). امام علی (علیه‌السلام)؛ از ولادت تا شهادت. ترجمه‌ی علی کرمی. انتشارات دلیل ما. قم.

۲۴ اردیبهشت؛ ضربت خوردن حضرت علی علیه‌السلام (۱۹ رمضان)

خورشید فروزان حیات امام علی (علیه‌السلام) در افاق روز نوزدهم رمضان سال چهارم هجری، در آسمان شهر کوفه به خون نشست و شمشیر مسموم نفاق و کین، فرق انسان عدالت گستری را شکافت که برترین خلق پس از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه و آله) بود. در شب نوزدهم ماه رمضان، علی (ع) در خانه‌ی دخترش، ام کلثوم، مهمان بود. در آن شب نیز، هنگام افطار، بیش از سه لقمه غذا نخورد. ام کلثوم چنین می‌گوید: وقتی افطار شب نوزدهم ماه رمضان پدرم مهمان ما بود، برای آن حضرت طبقی که در آن دو قرص نان جو و کاسه‌ای از شیر و نمک ساییده شده بود، گذاشتم. پس از آنکه امام از نماز مغرب فارغ شدند، سر سفره حاضر شدند. هنگامی که چشم ایشان به غذا افتاد و خوب آن را نگر بستند، فرمودند که کاسه‌ی شیر را بردار. بعد با اندکی قرص نان و نمک افطار کردند. پس از سپاس به بارگاه خداوند، برای نماز و نیایش برخاست. حضرت پیوسته مشغول رکوع، سجود، دعا و تضرع بودند. امام (علیه‌السلام) تمام شب خداوند متعال را عبادت می‌کردند. در آن شب گاه و بی‌گاه از اتاق خویش بیرون می‌رفتند و با نگاه به آسمان نیلگون می‌فرمودند: به خدا سوگند، این همان شبی است که محبوبم و آموزگارم به من وعده داده است. به خداوند سوگند، هرگز دروغ نگفتم و از رسول خدا دروغ نشنیده‌ام؛ همانا امشب آن شبی است که به من وعده‌ی شهادت داده شده است. در آن شب، سوره‌ی یس را تا آخر تلاوت نمودند و بعد از آن اندکی به خواب رفتند. به ناگاه با دلهره از خواب بیدار شدند و فرمودند: «خداوند، ما را در لقای خود برکت ده» (قزوینی، ۱۳۸۰: ۶۱۸).



مدیون خانم آقای هستم!

نشست با دکتر رضوان حکیم‌زاده در زمینه‌ی فعالیت‌های معاون آموزش ابتدایی

خانم دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، سه سال است در این سمت فعالیت دارد. وی دانش‌آموخته‌ی دکترای برنامه‌ریزی درسی از دانشگاه خوارزمی تهران است.

دانشیار گروه روش‌ها و برنامه‌های دانش‌کده‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران است و در سوابق کاری خود تدریس در دوره‌های ابتدایی و متوسطه را نیز دارد. با کارنامه‌ای خوب، داوری پایان‌نامه‌ها و آشنایی با مشاوره‌ی تحصیلی، در کسوت کارشناس مسئولی مرکز مشاوره‌ی دانشگاه تهران، با مسئولیت خود در معاونت آموزش ابتدایی بسیار آشناست. به همین منظور، در ارتباط با اهداف و وظایف این معاونت با او گفت‌وگویی ترتیب داده‌ایم که در ادامه آن را می‌خوانید.

کسی که در این دوره صاحب‌نظر است، در زمینه‌ی تحرک بخشیدن به این دوره چه ایده‌ها و فعالیت‌هایی داشته و دارید؟

همان‌گونه که در سند تحول آمده است، نگاه به دوره‌ی ابتدایی باید تخصصی باشد. این نگاه با علم آموزشی و پرورشی و به کمک علوم مرتبط تحلیل و سیاست‌گذاری می‌شود.

بنابراین، رویکرد ما با اقتضائات کودکی دانش‌آموز متناسب است. امروزه یکی از چالش‌های جامعه‌ی ما غفلت از این نگاه تخصص‌مدارانه است. گاهی دیده می‌شود بزرگسالان هم در برنامه‌های خود از این دیدگاه غفلت می‌کنند.

پس ما با تکیه بر مباحث تربیت اسلامی، باید در برنامه‌های خود بازنگری و به‌روزروی کنیم. کودکان در این سن از طریق دست‌ورزی، فعالیت عملی، بازی، هنر و ادبیات، به یادگیری پایدار می‌رسند. بنابراین، اگر در فضایی انتزاعی سعی کنیم با حافظه‌محوری در کودک یادگیری ایجاد کنیم، توفیقی نخواهیم داشت. ما سعی کرده‌ایم در طرح عید و داستان، به جای تکالیف نوروزی، از بستر مناسب قصه‌گویی، خلاقیت دانش‌آموزان را برانگیزیم و آن را جایگزین مشق شب کنیم.

در راهکار ۳-۱۷ سند تحول نیز موضوع به‌روزروی روش‌های تعلیم و تربیت با تأکید بر روش‌های فعال، خلاق و نقش‌الگویی آموزگار آمده است. ما تقویت مهارت‌ها را در نظر داریم. حتی مهارت نوشتن را هم در نظر داریم. کودکان ما گاهی درس‌ها را رونویسی می‌کنند، اما در نوشتن مهارت پیدا نمی‌کنند. به همین ترتیب دنبال این هستیم که در فرصت‌های یادگیری خارج از مدرسه، مهارت‌های ذکر شده را تقویت کنیم.

تکالیف مهارت‌محور می‌گوید آنچه را دانش‌آموز در مسیر دبستان می‌بیند، یادداشت کند و احساس خود را در مورد هر پدیده بنویسد. سال‌هاست روخوانی می‌کنیم، اما مهارت مهم درک مطلب

● خانم دکتر، با تشکر از فرصتی که در اختیار مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی قرار دادید، بفرمایید اهم فعالیت‌ها و وظایف معاونت آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش چیست؟

به نام خدا، خوشحالم که فرصتی فراهم شد تا از طریق این مجله با مخاطبان شما که همکاران ما هستند، گفت‌وگو کنم.

این معاونت متولی امور ۸/۲۷۰/۰۰۰ دانش‌آموز ابتدایی است. حدود ۱ میلیون نوآموز پیش‌دبستانی و ۱۶۲ هزار دانش‌آموز عشایری زیر نظر دفتر توسعه‌ی عدالت آموزش و آموزش عشایر، تحت پوشش آن هستند. وظیفه‌ی اصلی این معاونت سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت برنامه‌های مصوب مربوط به دوره‌ی پیش‌دبستان، دبستان و عشایری است.

با توجه به تأکید سند تحول بنیادین بر اهمیت دوره‌ی ابتدایی و نگاه تخصصی به آن، بسترهای لازم برای اجرای برنامه‌های مصوب این دوره مهیا می‌شود.

● به‌عنوان معاون آموزش ابتدایی و استاد دانشگاه و



تشویق و ایجاد نشاط، و رفاقت و مشارکت در یادگیری، مدرسه به محیط رقابتی بی‌پایانی تبدیل شده که در آن هر فردی به دنبال برنده شدن است. برای همین این آزمون‌ها لغو شدند. اجتماع انسانی و اجتماعی، همدلی دارد و در آن همه باید برای کسب منافع بیشتر روحیه‌ی مشارکت داشته باشند.

● به ارزشیابی رسیدیم. از نقش و تأثیر ارزشیابی کیفی - توصیفی بفرمایید!

ارزشیابی کیفی - توصیفی تغییر رویکرد از یادگیری به ارزشیابی برای یادگیری و در خدمت یادگیری است. این شیوه از نظر ارتقای بهداشت روانی در دبستان‌ها تأثیر خوبی داشته است. نظرات مدیران، متخصصان موضوعی و آموزگاران در دبیرخانه‌ی ارزشیابی توصیفی هم جمع‌آوری شده است تا با اصلاح اشکالات احتمالی آن‌ها در شورای عالی آموزش و پرورش، آیین‌نامه‌ی آن عرضه شود و به اجرا درآید.

● فعالیت‌ها و ایده‌های دیگری از جمله رفع انسداد مبادی بی‌سوادی در کودکان هم داشتید. در این باره توضیح دهید.

رفع انسداد مبادی بی‌سوادی در کودکان بازمانده از تحصیل در ادامه‌ی مجموعه برنامه‌های ماست. این هم تابع مسائل خود است که شما بهتر می‌دانید. از دیگر برنامه‌های ما، کاهش نرخ تکرار پایه و ارتقای کیفیت یادگیری است. در نتیجه، ما باید این پروژه‌ها و برنامه‌های پژوهشی را آسیب‌شناسی کنیم. یعنی با نگاه به گذشته، چالش‌ها و خلأها را شناسایی و نسبت به رفع آن‌ها اقدام کنیم. مثلاً در برنامه‌ی درس‌پژوهی، با محوریت شهر تهران، با همه‌ی دستاوردهای آن، به این نتیجه رسیدیم که طرح از اهداف خود دور شده و به میدان رقابت آموزگاران تبدیل شده است. هدف اصلی ما توانمندسازی است که حاصل همان آسیب‌شناسی‌هاست. اصل متروقی در درس‌پژوهی، هم‌افزایی و هم‌فکری است که با بررسی مشکلات این طرح، در ادامه به مدرسه‌پژوهی و کلاس‌پژوهی رسیدیم.

● برنامه‌ی خشونت‌زدایی از مدرسه‌های ابتدایی چگونه طرحی است؟

برای ما ارتقای جو عاطفی - روانی دبستان‌ها مهم است. گزارش‌هایی داشتیم از اتفاقاتی که در دبستان‌ها رخ می‌داد که با فضای تعلیم و تربیت سازگار نبود.

از آنجا که مدرسه فقط فضایی فیزیکی نیست و باید جو تعاملی - اجتماعی و عاطفی - روانی داشته باشد، آسیب‌ها را بررسی کردیم. مثلاً به مواردی مانند قلدری در مدرسه رسیدیم که از نبود تنظیم روابط صحیح میان هم‌سالان ناشی می‌شد. این پدیده در همه جا وجود دارد. اما آنچه برای ما مهم‌تر بود، خشونت‌های غیرفیزیکی بود که ممکن است خود را در لباس خشونت کلامی، قلدری و

را به دست نمی‌آوریم. حتی نتایج آزمون‌های تیمز و پرلز هم نشان می‌دهد، در زمینه‌ی این گزینه‌ها کاهش امتیاز و کیفیت داشته‌ایم. در واقع در پرورش این مهارت‌ها کم‌کاری شده است.

ما در پی تقویت سواد خواندن هستیم. دانش‌آموزان ما باید خواندن کتاب را مهم بدانند و مطالب آن را بازگو کنند. یا در کاربرد چهار عمل اصلی مشکل داریم و دانش‌آموز فقط شکل ظاهری آن‌ها را در دفتر می‌نویسد، بی‌آنکه در زندگی واقعی کاربرد آن‌ها را بداند.

در تکالیف مهارت‌محور، از طریق فرصت‌های یادگیری در خارج از مدرسه، به دنبال مهارت‌آفرینی هستیم. وقتی کودک خرید می‌کند، می‌تواند همان‌جا محاسباتی را انجام دهد. برای مثال، مدیریت مالی و منابع را یاد بگیرد.

اتاق بازی و یادگیری را بر اساس همین تفکر طراحی کرده‌ایم. البته بازی بستری برای یادگیری است و انتظار داریم کلاس‌های درس با این رویکرد اداره شوند. بچه‌ها بازی را دوست دارند. زمانی که کودک به دبستان می‌آید، نیاز نیست دیواری میان او و روحیاتش کشیده شود. نباید او را با بزرگ‌سال‌پنداری، در مجموعه‌ای از روش‌های سنتی یادگیری محصور کرد. یادگیری، شادابی و نشاط کودکی، از طریق مقایسه‌ی آن‌ها در پیشرفت تحصیلی و نمره‌ای به دست نمی‌آید. دیدگاه اسلامی کودک را موجودی ارزشمند و صاحب کرامت می‌داند. پس هر اقدامی را که به کرامت ذاتی کودک آسیب می‌زند، باید از محیط آموزشگاه حذف کرد.

حذف آزمون‌های ورودی

● درباره‌ی حذف آزمون‌های ورودی هم صحبت کنید!

در ادامه‌ی فعالیت‌های این معاونت دیدیم که آزمون‌های ورودی برخی مدرسه‌ها عرصه را بر دانش‌آموزان تنگ کرده است. به جای

مشکلات عاطفی نشان دهد. نباید آثار این پدیده‌ها را نادیده گرفت. گاهی تحقیر یا سرزنش از آموزگار یا خانواده می‌تواند بیشتر از تنبیه بدنی بر روح و روان دانش‌آموز اثر بگذارد.

● شما نقش خانواده و محیط را در تعلیم و تربیت پررنگ می‌بینید؟

این نقش و سهم، خواهی نخواهی پررنگ است. زمانی که به این همکاری و اثرگذاری بها می‌دهیم، نتیجه‌ی خوبی می‌گیریم. در طرح ارتقای کیفیت عاطفی - روانی و اجتماعی مدرسه به دنبال این هستیم که خانواده را به عنوان شریک اصلی، در تغییرات مدرسه دخیل کنیم.

خانواده‌ها حمایتگران بسیار مؤثری هستند و ما خوشحال می‌شویم درباره‌ی برنامه‌های خودمان از جامعه بازخورد بگیریم.

● جایگاه آموزش مجازی، رسانه و فضای مجازی در دوره‌ی ابتدایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فضای مجازی و رسانه، هم نقش ایجابی و هم نقش سلبی دارند. به‌طور قطع مواجهه‌ی منطقی ایجاب می‌کند از فرصت‌های فضای مجازی برای تربیت استفاده کنیم. امروزه خانواده‌ها و مدرسه در تربیت رقیبی جدی به نام رسانه دارند. این رقیب همه جا حضور دارد و گاهی غیر قابل کنترل است. جذابیت خاص خود را دارد و حاوی پیام است. اگر پیام‌های آن هدف‌دار و در راستای اهداف ما باشد، می‌تواند تحقق‌پذیری هدف‌های نظام تعلیم و تربیت را افزایش دهد. به همین دلیل، معتقدیم آموزش رسانه‌ای باید در رأس امور آموزش و پرورش ما باشد. در این زمینه همکاری‌های خوبی با انجمن سواد رسانه‌ای داشته‌ایم تا بتوانیم این فعالیت را از دوره‌ی پیش‌دبستان وارد نظام تعلیم و تربیت کنیم. این هم یادمان باشد، هر چند فضای مجازی ابزار آموزشی خوبی است، اما تربیت در کلاس و خانواده رخ می‌دهد.

به عقیده‌ی من میزان ساعتی که دانش‌آموز با رسانه یا تلفن همراه سروکار دارد، باید توسط خانواده مدیریت شود. اگر کودکان عادت کنند زمان زیادی را در فضای مجازی سپری کنند، تغییر این عادت بسیار دشوار خواهد بود. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند در این زمینه و از دوره‌ی پیش‌دبستان این آموزش را به‌عنوان مهارت وارد برنامه‌های خود کند.

● آیا به آن‌جا خواهیم رسید که دانش‌آموزان ما از رفتن به مدرسه خوشحال باشند و آرزوی تعطیلی مدرسه را نکنند؟

همه‌ی برنامه و خواست ما این است که این اتفاق بیفتد. اینکه می‌بینید می‌خواهیم از بستر قصه، نمایش، بازی و ادبیات سراغ آموزش برویم و جریان یاددهی - یادگیری را تسهیل و آزمون‌های رقابتی را حذف کنیم همه براساس این نیت و براساس رعایت اقتضائات کودکی مخاطب ماست.

در این مسیر شاداب سازی فضای فیزیکی مهم و مهم‌تر از آن

شاداب‌سازی فضای عاطفی - روانی مدرسه است. کودکان باید در مدرسه محترم شمرده شوند و از بودن در آن حس خوبی کسب کنند.

در این فضای تعاملی، یکی از عوامل تأثیرگذار، شادابی آموزگار است. اگر ما آموزگاران خود را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دهیم و به نظرات آن‌ها احترام بگذاریم، اداره‌ی مدرسه هم به مدیریت مشارکتی تبدیل شود، آن‌گاه آموزگاری با نشاط خواهیم داشت که شاهد تغییر در نظام ارتباطی مدرسه از شیوه سلطه به هم‌اندیشی و هم‌فکری خواهد بود.

یکی دیگر از کارها در کم کردن استرس و شاداب ساختن مدرسه، کاهش تراکم دانش‌آموزان در کلاس است. تراکم مطلوب در هر کلاس ابتدایی براساس مصوبه‌ی ۸۸۶ شورای عالی آموزش و پرورش عدد ۲۰ و حداکثر ۲۶ نفر است که امیدوارم به آن برسیم.

مدیون آموزگار

دانش‌آموز کلاس اول بودم. والدینم یک سال شناسنامه‌ها را بزرگ‌تر گرفته بودند. به همین دلیل زودتر به مدرسه رفتم. دل‌بند بازی بودم. تقریباً چند ماه اول را از کلاس خارج می‌شدم و در حیاط به بازی می‌گذراندم. اگر هم در کلاس بودم، حواسم به بازی و حیاط بود. به یادگیری توجهی نداشتم و پیشرفتی در تحصیلم دیده نمی‌شد. چنان شده بود که همه فکر می‌کردند دیرآموز هستم و امیدی به من نیست. اما خانم آقایی، آموزگارم در روستای ایبانه‌ی نطنز، دقیقاً کاری کرد که امروز به اقدام‌پژوهی معروف است و به یادگیری من منجر شد. او با خانواده‌ی من صحبت کرد و با هم برنامه‌ای تنظیم کردند تا شرایط من عوض شد. به هر بهانه و وسیله مرا وارد دنیای یاددهی - یادگیری می‌کرد. مدت‌ها بود بچه‌ها حروف را یاد گرفته بودند و من عقب بودم. اولین باری که توانستم املا را درست بنویسم، از چپ به راست بود. اما معلم من با تیزهوشی و حوصله یک ابتکار به خرج داد. زیر نوشته‌ی من، یک فلش از راست به چپ کشید و گفت: «عزیزم، از این به بعد از این طرف بنویس.»

هیچ‌گاه تصمیم درست خانم آقایی و تأثیر محبت او از یادم نمی‌رود. آن فلش مسیر زندگی مرا تغییر داد. در پی این اتفاق، تمام راه مدرسه تا خانه را دویدم تا بگویم که املا را درست نوشته‌ام. تشویق اثر فوق‌العاده‌ای دارد. از هیچ دانش‌آموزی ناامید نشوید. «من معاون وزیر بودم را مدیون آموزگار خود هستم.»



آموزگار

شاید معلمان، بعد از والدین، مهم‌ترین تأثیر را در آموزش و پرورش دانش‌آموزان بر عهده دارند! معلم یا به عبارتی آموزگار ما، فرزندی را که نزد او به امانت سپرده شده‌اند، در امن‌ترین و مناسب‌ترین شرایط محافظت می‌کند و به بهترین وجهی به رشد و کمال می‌رساند.

آموزگار در تعامل سازنده با دانش‌آموزان، مدام در صدد ایجاد تغییر و تحول هدفمند است و برای انجام این مهم باید تا حد امکان به طور غیرمستقیم، امکانات و منابع مناسب را برای آموزش فراهم کند. او باید زمینه‌های آموزش را ایجاد کند، راه و روش آن را به شاگردان نشان دهد و به طور همه‌جانبه بهترین الگوی دانش‌آموزان باشد.

آموزگار در تلاش است شایستگی‌های تحصیلی و صلاحیت حرفه‌ای خود را بالا ببرد تا بتواند از هر نظر بهترین سرمشق برای دانش‌آموزان باشد.

او برای ساختن خود نیز می‌کوشد و قبل از تغییر دانش‌آموزان، به فکر تغییر خود است تا بتواند در بهبود و سازندگی همه‌جانبه‌ی شاگردان، بیشترین توان خود را به کار بگیرد. در چنین حالتی، او موفق خواهد شد در دانش‌آموزان خود نیز بهترین تغییرات هدفمند را ایجاد کند.

آموزگار با درک درست تفاوت‌های فردی و استعدادهای هر یک از دانش‌آموزان، می‌تواند برای تحقق بهترین اهداف، به شاگردان یاری برساند و به آن‌ها کمک کند از بهترین مسیرها توانایی‌های بالقوه‌شان را بالفعل کنند.

او قوی‌ترین مشعل نور را بر زوایای تاریک وجود نوآموزان می‌افروزد تا آن‌ها بتوانند در پرتو آن ناشناخته‌های وجود خویش را دریابند و به کشف استعدادهای نهفته‌ی خویش نائل آیند.

آموزگار همیشه آموزش را با شور و شوق همراه می‌کند. او سعی می‌کند محیط مطلوبی برای یادگیری پدید آورد و خودش نیز از کار با دانش‌آموزان لذت می‌برد.

آموزگار می‌تواند فضایی ایجاد کند که همه در آن برنده باشند؛ کلاسی که در آن همه‌ی دانش‌آموزان در آن واحد احساس پیروزی کنند. او با تمرکز بر تک‌تک دانش‌آموزان می‌تواند شرایط پیشرفت کل کلاس را فراهم کند.

او به احساسات همه‌ی دانش‌آموزان توجه می‌کند. به دلیل ارتباط نزدیک و طولانی‌مدت با شاگردانش می‌تواند نیازهای آنان، به ویژه نیازهای روحی‌روانی و عاطفی، را تشخیص دهد و با کمی توجه و تدبیر، بهترین شیوه را برای رفع آن نیازها و بهترین راهکار را برای بهبود عملکردشان ارائه دهد.

آموزگار در هر شرایطی دانش‌آموزان را به داشتن تصویر خوبی از خود هدایت می‌کند و در ایجاد خودپنداره‌ی مثبت و عزت نفس بالا در آنان مؤثر است.

احساس و انصاف

آموزگار با حلم و با درایت، در مورد مسائل متعددی که در کلاس پیش می‌آید، انعطاف‌پذیری نشان می‌دهد و در هر موقعیتی عادلانه و منصفانه برخورد می‌کند. وی می‌تواند احساسات سلطه‌جویانه‌ی خود را کنترل کند و حتی در شرایط بحرانی و غیرقابل انتظار، از عیب‌جویی و انتقادات تند و خشن نسبت به رفتار دانش‌آموزان دوری کند.

او می‌تواند در کلاس بهترین و امن‌ترین و شادترین محیط را برای زیستن و بالیدن نوآموزان فراهم کند.

آموزگار با دو بال علم و عمل می‌تواند بهترین تصویر پرواز خودشکوفایی را در آسمان ذهن و روح و جان دانش‌آموزان، برای همه‌ی عمر، حک کند.



دور زدن ممنوع!

احترام به قانون و ترویج آن در جامعه

قانون، تربیتی اتخاذ شده و قواعدی کلی است که به طور اخص یا اعم، بر یک سلسله امور شامل می شود. مردم بی آنکه به سود یا ضرر شخصی توجه کنند، باید از قانون تبعیت کنند و در ترویج آن بکوشند. اگر دانش آموزان ما از قانون و اجرای درست و آثار آن اطلاعی نسبی داشته باشند، به یقین مدرسه، خانه و به دنبال آن جامعه، از مسیر درست خود خارج نخواهد شد.

قانون برای همه

«اجرای قانون زیباست، اما برای دیگران». این جمله را هیچ انسانی با هر سطحی از دانش، نمی پذیرد، اما در رفتار اکثر انسان ها این جمله به صورت عملی تجلی یافته است. محدودی از افراد در اجتماع در کوچک ترین خواسته های خود به دنبال دور زدن قوانین، با استفاده از قوانین خودساخته، هستند. این اتفاق برای بسیاری انسان ها پیش آمده است و گاهی هم از نزدیک آن را مشاهده کرده ایم. وقتی سرمنشأ قانون گریزی را دنبال می کنیم، متوجه می شویم که دلیل آن آموزش ندیدن یا آموزش نامناسب به دانش آموزان در مدرسه و خانواده هاست. الگوهای قانون گریز، اجرای قانون را برای دیگران لازم و برای خود بی اهمیت در نظر

می گیرند. پیامد این بی توجهی، ایجاد تنش در جامعه خواهد بود. در همه ی جوامع دنیا، قوانین خوب و بد وجود دارند، ولی به تجربه دریافته ایم که «قانون بد بهتر از بی قانونی است». اگر در هر جامعه یا هر رده ی سنی، بی قانونی ترویج پیدا کند، به طور قطع امنیت و نظم اجتماعی در آن جامعه پایدار نخواهد ماند. متخصصان تربیت معتقدند باید از سنین پایین فرهنگ احترام به قوانین و الزام اجرای آن را نهادینه کنیم. انسان ها به طور فطری نظم و انضباط اجتماعی و عدالت را دوست دارند. بنابراین باید به گونه ای آموزش داده شوند که خود کودکان، نوجوانان و جوانان مطالبه گر و مشارکت کننده در اجرای صحیح و کامل قانون باشند. در این شرایط، بدون نظارت پلیس و سایر سازمان های امنیتی، همه ی کارها در راستای احترام به قانون و با کمترین حاشیه انجام می پذیرد.

ما باید به فرزندانمان در منزل و دبستان آموزش دهیم طبیعت براساس احترام به قوانین موجودش به حیات خود ادامه می دهد و حیات خود را تنها در راستای خدمت رسانی به دیگران می بیند. باید بدانیم ما هم مشمول این قانون می شویم و باید به این قانون طبیعت احترام بگذاریم. یادمان نرود در طبیعت هیچ چیز برای خود زندگی نمی کند. همه قانون مشترکی دارند یعنی به صورت ساختارمند و نقش گذار و در مسیر غایت حیات و کمک به یکدیگر زندگی می کنند. به دانش آموزان خود بگوییم، رودخانه ها آب خود را خودشان مصرف نمی کنند، درختان میوه ی خود را





نهایت به ایجاد ضرر و شکست برای کل جامعه‌ی انسانی منجر خواهد شد. دانش‌آموزان را می‌توان با کارهای ساده مانند احترام به صف ایجاد شده در جلوی بوفه‌ی دبستان، اجرای قوانین خرید کالا در مدرسه، و احترام به زمان شرکت در صبحگاه متوجه اهمیت قانون کرد. لازم به ذکر است، رفتار خانواده، آموزگار و احترام آن‌ها به قوانین نیز بر قانون‌مدار شدن دانش‌آموزان تأثیر بسزایی دارد.

در واقع، در جامعه‌ای که آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان در زمان معین در جلسات یا کلاس خود شرکت نمی‌کنند و تأخیر دارند، و به قانون و وقت احترام نمی‌گذارند، نمی‌توان دانش‌آموزی تربیت کرد که به قانون مربوط به زمان آغاز کلاس احترام بگذارد. اگر قصد داریم در جامعه‌ی آینده‌ی جوانانی قانون‌مدار و مطالبه‌گر قانون داشته باشیم، باید از همین امروز خودمان به قانون احترام بگذاریم و مطالبه‌گر اجرای قانون باشیم.

قوانین را از دیدگاه خود به خوب و بد تقسیم نکنیم و به همه‌ی قوانین، به خاطر قانون بودن آن‌ها، احترام بگذاریم و اجرایشان کنیم.

منابع

۱. صحیفه‌ی امام خمینی (ره)
۲. مقاله‌ی حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (ره). سید محمد موسوی بجنوردی و محمد موسوی بجنوردی و محمد مهریزی ثانی. پژوهشکده‌ی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی. ۱۳۹۲.

نمی‌خورند، خورشید گرمای خود را استفاده نمی‌کند. گل عطرش را برای خود گسترش نمی‌دهد. اگر به این مثال‌ها دقت شود و در زندگی خود قوانین را رعایت کنیم، اگر برای آرامش و آسایش یکدیگر به قوانین احترام بگذاریم و اگر مطالبه‌گر قانون باشیم، می‌توانیم زندگی بهتری را برای خود و فرزندان عزیزمان ایجاد کنیم.

هدف از قانون‌گذاری

مهم‌ترین هدف قوانین بشری، ایجاد فضای امن و آرام برای شهروندان است. انسان امروزی به خوبی می‌داند مهم‌ترین موهبتی که در پرتو رعایت قانون نصیب انسان می‌شود، امنیت، رفاه و آسایش، احقاق حقوق و عدالت و جلوگیری از ظلم است. امروزه موضوع امنیت را نوعی نعمت اجتماعی می‌دانند؛ به گونه‌ای که امنیت نعمتی است که تمام حکومت‌ها برای تحقق آن تلاش می‌کنند. جوامعی پیشرفته محسوب می‌شوند که بتوانند فضای امن‌تری را برای شهروندان خود فراهم کنند. هر شهروند، حتی اگر بخواهد مؤمن و مسلمان خوبی باشد، باید در زندگی اجتماعی خود احساس امنیت کند. در اقتصاد و معیشت ایمن باشد. نگران و مضطرب نباشند. باید ظلم و اجحاف از جامعه دور، و عدل و احسان در آن جایگزین شود.

در مدرسه و خانه باید از فرزندان خود بخواهیم مطالبه‌گر اجرای قانون باشند و این را درک کنند که اجرا نکردن قانون در



مطالعه دغدغهی آموزش و پرورش

نشست علمی ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس

نشست «ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس» در سال ۱۳۹۸ در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، با حضور دکتر مهدی علیپور حافظی، دکتر مصطفی قادری، دکتر میترا صمیعی، دکتر علیرضا صادقی، دکتر سیما ویسی‌نژاد؛ مهندس سید سعید بدیعی و همچنین تعدادی از دانشجویان، آموزگاران و مدیران مدرسه‌ها، و کارشناسان دانشگاه فرهنگیان برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارش خلاصه‌شدهی سخنرانی‌های ارائه شده در این جلسه است.

تعامل در ایجاد فرهنگ مطالعه

در ابتدای جلسه، دکتر مهدی علیپور حافظی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، که اداره‌ی جلسه را نیز برعهده داشت، هدف اصلی از برگزاری این گونه نشست‌ها را کمک به حل مشکلات و گام برداشتن در مسیر تعامل بیشتر بین صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران امور اجرایی در بخش‌های گوناگون اعلام کرد و افزود: در همین راستا، نشست «ایجاد فرهنگ مطالعه در مدارس» بیشتر با هدف تعامل با همکاران تلاشگر در وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های تابعه، از جمله سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، که در حوزه‌ی تولید و توزیع منابع آموزشی و از جمله کتاب‌های درسی و مجلات رشد فعال هستند، با موضوع «فرهنگ مطالعه در مدارس» برگزار می‌شود.

وی اذعان داشت، به نظر می‌رسد که یکی از اهداف اساسی آموزش و پرورش باید تربیت افرادی باشد که بتوانند در حل موضوعات و مسائل مهم جامعه کمک کنند.

انتقال میراث فکری، بزرگ‌ترین کارکرد کتابخانه‌های ایران باستان

در ادامه‌ی این جلسه، دکتر مصطفی قادری، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، سخنرانی خود را با عنوان «تاریخچه‌ی کتابخانه‌ها در مدارس ایران» ارائه کرد. وی گفت: «ما دارای تاریخی طولانی و قدمتی بسیار زیاد در زمینه‌ی پایه‌گذاری کتابخانه هستیم. ما در ایران قدیم و از ۲۷۰۰ سال قبل کتابخانه داشته‌ایم.

کتابخانه‌ی «آشور بنی‌پال» از جمله‌ی آن‌هاست که هزاران لوح رسی و تکه‌های حاوی متون مربوط به قرن هفتم پیش از میلاد را در بر دارد. در میان این مجموعه می‌توان به لوح مشهور «گیلگمش» اشاره کرد. باید بگوییم، مهم‌ترین کارکرد کتابخانه‌ها انتقال میراث فکری ایرانیان بوده است. همچنین می‌توان گفت که مدرسه‌های ایران از قدیم کتابخانه داشته‌اند. کتابخانه‌های مدارس را می‌توان به دو دسته‌ی: کتابخانه‌های مدرسه‌های علوم دینی و کتابخانه‌های مدرسه‌های مدرن دسته‌بندی کرد. در این دسته‌بندی نیز می‌توان از کتابخانه‌های زیر یاد کرد که گنجینه‌هایی غنی و کتاب‌هایی شاخص از زمان خود داشتند و برای استفاده‌ی طالبان دین و دانش و محصلان این گونه مدرسه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

کتابخانه‌های مدرسه‌های نوین در ایران

– مدرسه‌هایی که مؤسسان آن‌ها ایرانی نبودند، مانند: مدرسه‌ی ادب اصفهان یا مدرسه‌ی البرز تهران، کتابخانه‌های معظم و بزرگی داشتند.

– مدرسه‌هایی که مؤسسان آن‌ها ایرانی بودند، مانند مدرسه‌ی مروی و دارالفنون در تهران یا مدرسه‌های رشیدی در تبریز، تهران و قم.

– مدرسه‌های دولتی که از ابتدا یک اتاق کوچک و چند قفسه به عنوان کتابخانه داشتند؛ البته مدرسه‌های بزرگ‌تر و دبیرستان‌ها، کتابدار و کتابخانه‌های بزرگ‌تری داشتند. در همین ارتباط و در مطالعات انجام شده، ۴۷ مدرسه‌ی ماندگار در ایران شناسایی



ممنفی قادی

به ویژه علمی و آموزشی و از جمله مدرسه، کتابخانه قلب آن نهاد و مرکز علمی است. به همین دلیل می توان گفت مدرسه ی بدون کتابخانه، ارگانسمی (سازمانی) مرده است.

شاید خوب باشد در ابتدای بحث اشاره کنم، مشکلی که امروزه با آن مواجهیم، نسلی است که با غرق شدن در فضاهای مجازی، به خصوص دنیایی که به طور عمده تلفن همراه محور است، اساساً میانه های با کتاب خواندن یا مطالعه به شکلی که مؤثر و مورد نظر ماست، ندارد. از سال ۱۹۸۰ به بعد، چون کودکان به طور دائم با ابزارهای الکترونیک روبه رو هستند، بومی دیجیتال محسوب می شوند. در این ادبیات طرح شده، نسلی مثل من، «مهاجر دیجیتال» نامیده می شویم. مهاجر دوره و زمانه ای که در آن کتاب جایگاه اصلی خود را از دست داده و ما از موضوع مهمی مانند مطالعه غافل و فارغ شده ایم. راه دوری نمی رویم و نمی خواهیم دیگران را متهم کنیم، بلکه عرض می کنم من خودم، به عنوان استاد دانشگاه این کشور، کمتر فرصت می کنم یک کتاب ادبی، داستان یا رمان در دست بگیرم و آن را به طور کامل مطالعه کنم.

شاید پاسخ به این سؤال که چگونه کتابخانه ی مدرسه ای خوبی داشته باشیم، شروع خوبی برای این بحث باشد. از نگاه من، یکی از مهم ترین شرط های تحقق چنین امری، داشتن کتابداری باانگیزه، آگاه و با دانش و اطلاعات است. این را هم عرض کنم که اگر مدرسه ای کتابخانه دارد، بیشتر نشئت گرفته از ایده و نگاه شخصی مدیر آن است و متأسفانه الزامی برای وجود کتابخانه، به عنوان واحدی ضروری که باید در ساختار و سازمان مدرسه وجود داشته باشد و متولی و کتابدار مجربی آن را اداره کند، نیست. همچنین، حضور در فضاهای مجازی مانند تلگرام، واتس آپ، اینستاگرام و موارد مشابه، انسان ها را کوتاه خوان و بی حوصله کرده است. در این سال های اخیر، گاه شکلک ها و علائم تصویری نیز جایگزین متن شده اند و اساساً آنان را از خواندن و مطالعه (حتی در حد یک متن در فضای مجازی) بی بهره کرده اند.

من تجربه های مختصری در زمینه ی آموزش اولیا برای ترغیب کودکان به کتابخوانی داشتم. به نظرم خوب است که آموزش و پرورش در مناسبت هایی مانند روز درختکاری، هفته ی کتاب و مناسبت های دیگر، با کارهای عملی و جذابی مثل بردن کودکان به فضاهای سبز و خواندن کتاب هایی در خصوص حفظ محیط زیست، مزه و طعم شیرین کتاب و کتابخوانی را به آنان بچشاند و اولیای مدرسه هم بکوشند دانش آموزان را متوجه کنند عادت به مطالعه و کتابخوانی می تواند در موفقیت آنان در زندگی فردی و اجتماعی مؤثر باشد.

موجود زنده ای به نام کتابخانه

دکتر علیرضا صادقی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی،

شده اند که کتابخانه هایی با بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب داشتند. برخی از این مدرسه ها عبارت است از: دبیرستان های دارالفنون، مروی، سعدی اصفهان، بهشت آیین اصفهان، سعادت بوشهر، حکیم نظامی قم، و رشیدی تبریز. با وجود این سابقه ی تاریخی و قدمت وجود کتابخانه ها در ایران، در حال حاضر وضعیت مکانی کتابخانه در مدرسه های کشور و همچنین میزان زمان استفاده از کتابخانه، متأسفانه مطلوب نیست.

مدرسه ی بدون کتابخانه، ارگانسمی مرده است!

دکتر میترا صمیعی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی و مدیر گروه علم اطلاعات و دانش شناسی این دانشگاه، سخنران بعدی نشست بود که درباره ی «ویژگی های کتابخانه ی خوب در مدرسه» سخن گفت. او افزود: «به اعتقاد بنده، در همه ی سازمان ها،



کتابخانه، به بازی و سرگرمی و استراحت هم نیاز دارند! کودکی که کتاب نبیند و نزد او کتاب نخوانده باشند، کتاب خوان نخواهد شد.

تا اولیا و معلمان کتاب نخوانند، دانش آموزان کتاب خوان نخواهند شد!

این نشست با سخنان خانم دکتر سیما ویسی نژاد، مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی و متخصص حوزه‌ی مطالعات خواندن، ادامه پیدا کرد.

وی با اشاره به فعالیت‌های تحقیقاتی و تجربی خود اظهار داشت: «در حال حاضر، در دانشگاه‌هایی که فعالیت می‌کنم، کتابی را با عنوان «مروجان مطالعه» در دست نگارش دارم. در این کتاب روش‌های متعددی را که از مربیان سایر کشورها آموخته‌ام، بازنویسی و بازگو کرده‌ام.

یکی از این روش‌های خلاق، استفاده از کتاب‌های موزیکال است. در این روش، کتاب‌هایی در زیر میز دانش آموزان قرار می‌گیرند. با نواختن آهنگ، بچه‌ها باید دور میزها حرکت کنند و با توقف آهنگ، در جایی که ایستاده‌اند، بخشی از کتابی را که زیر میز مقابلشان قرار دارد، در عرض چند دقیقه‌ای که فرصت دارند، مطالعه کنند. این کتاب‌ها بعدها در جعبه‌ای با عنوان کتاب‌های موزیکال قرار داده می‌شود. بچه‌ها فرصت دارند بعد از این عمل و در پایان کار به کتابخانه مراجعه کنند و بسته به علاقه و نیاز خود، کتابی را که بخشی از آن را خوانده‌اند و به نظرشان جالب آمده است، به طور کامل بخوانند.

در روشی دیگر، آموزگار کتابی را در کلاس می‌خواند و از دانش آموزان می‌خواهد با برداشت و فهم خود از مطالب کتاب، نامی مناسب برای آن انتخاب کنند. بچه‌ها با خواندن آن به محتوای کتاب پی می‌برند و نام‌های انتخابی خود را روی کاغذ می‌نویسند و به آموزگار می‌دهند. با این شیوه، ضرب دقت خود را افزایش می‌دهند. تکنیک دیگر با عنوان «خواننده‌ی مرموز» استفاده می‌شود. در این تکنیک، آموزگار ضمن جلب مشارکت و همکاری والدین بچه‌ها، از آنان می‌خواهد کتابی را مطالعه و صدای خود را ضبط کنند. بعد از این کار، صداهای والدین که ممکن است پدر، مادر، دایی و خاله‌ی بچه‌ها باشند، در کلاس پخش می‌شود و دانش آموزانی که بتوانند زودتر نام خوانندگان کتاب‌ها را تشخیص دهند، تشویق می‌شوند. با این روش، ضمن مشارکت و همکاری و همراهی والدین بین بچه‌ها و والدین آن‌ها ارتباط بیشتر و بهتری ایجاد می‌شود و ضمناً به مطالعه‌ی کتاب ترغیب می‌شوند.

کتاب‌های از همه‌جا رانده در کتابخانه‌های مدرسه جاخوش کرده‌اند!

مهندس سید سعید بدیعی، معاون سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی و تربیتی در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، آخرین سخنران این

سخنران بعدی این نشست بود که موضوع سخنرانی خود را به روایت تجربه‌ی ایجاد فرهنگ مطالعه در میان دانش آموزان ابتدایی، برگرفته از فرصت حضور در شهر ونکوور کانادا اختصاص داد.

وی گفت: «من در واقع به تجربه‌ی یک مدرسه اشاره خواهم کرد (که به دوران تحصیل دوره‌ی دکترایم در کانادا مربوط است) که دخترم در آن درس می‌خواند.

روزهای آغازین حضور در این کشور، فرصتی پیش آمد و به مدرسه‌ی دخترم رفتم. بعد از معارفه‌ای کوتاه، اولین جایی که رفتم، کتابخانه‌ی مدرسه بود. کتابخانه‌ی مدرسه به شکلی طراحی شده بود که در مدرسه، از هر زاویه‌ای که حرکت می‌کردیم باید از مجاورت یا میانه‌های کتابخانه می‌گذشتیم. در واقع به عنوان قلب و مرکز مدرسه، همه‌ی راه‌های آن مرکز آموزشی به کتابخانه‌ی خوش فرم و دوست‌داشتنی‌اش ختم می‌شد.

اینکه می‌گویم قلب، واقعاً کتابخانه، با جوش و خروش و جذابیتی که برای بچه‌ها و حتی بزرگسالان داشت، مرکز و محل گردش جریان حیاتی مدرسه و قلب واقعی آن بود. در مقایسه‌ی آن با کتابخانه‌های خودمان، متوجه شدم ما در ذهن خودمان کتابخانه را محیطی بی‌صدا و خاموش تصور می‌کنیم، اما رفتارها در کتابخانه‌ی مدرسه‌ی فرزند من برعکس چنین انتظاری بود. هیاهوی سرخوشانه‌ی بچه‌ها فضای کتابخانه را پر کرده بود. آن‌ها می‌توانستند قبل یا بعد از مطالعه‌ی کتاب (که تنوع و انواع متعددی داشت) با اسباب‌بازی‌های مورد علاقه‌ی خود بازی کنند، در مبل‌های بادی و راحت کتابخانه لم بدهند، وسیله‌ی بازی مورد نظر خود را از فروشگاه مجاور کتابخانه بخرند و حتی در کنار والدین یا دوستان خود چرتی جانانه بزنند و در خواب کوتاه خود دنیای رویایی کتاب‌هایی را که خوانده‌اند، مرور کنند.

من عنوان بخشی از صحبت‌م را «نحوه‌ی تعامل کتابخانه با دانش آموزان» ذکر کرده‌ام و به عمد از تعامل کتابخانه با دانش آموزان و نه تعامل دانش آموزان با کتابخانه (که ما موضوع را معمولاً این گونه می‌بینیم)، یاد کرده‌ام. معنی این حرف آن است که در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های تأسیس و اداره‌ی کتابخانه‌ها، نیازها و خواسته‌ها و احتیاجات بچه‌ها دیده می‌شود و کتابخانه را براساس آن‌ها برپا و اداره می‌کنند. این گونه نیست که محیطی با عنوان کتابخانه ساخته شود و مثلاً بگویند به ما ارتباطی ندارد که بچه‌ها و مراجعان به

جلسه بود. او نیز با اشاره به این موضوع که من به لحاظ سازمانی در جایگاهی قرار دارم که کارم مطالعه‌ی کتاب است، اظهار داشت: «ما در معاونت سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی به دنبال رصد کتاب‌هایی هستیم که در طول سال چاپ می‌شوند. به دنبال دریافت و بررسی این کتاب‌ها، کتاب‌های مناسب آموزشی و کمک‌آموزشی را در کتابچه‌هایی با عنوان کتاب‌های مناسب معرفی می‌کنیم. البته در این معاونت، بسته‌ی آموزشی شامل کتاب، فیلم و چند رسانه‌ای کمک‌آموزشی بررسی می‌شود.

ما چند سال قبل در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، فیلمی را درباره‌ی محتوای کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های مدرسه‌ای ساختیم که موضوعات زیادی را در خصوص رغبت نداشتن دانش‌آموزان به خواندن کتاب‌های موجود کتابخانه‌ها روشن کرد. بیشتر کتاب‌های موجود در کتابخانه‌ها، به لحاظ موضوعی، تناسب با سن و فهم مخاطبان، شکل و نحوه‌ی تدوین کتاب مناسب دانش‌آموزان و موضوعاتی از این دست، اصلاً مناسب دانش‌آموزان نبود.

شاید خوب باشد همین‌جا اشاره کنیم، دلیل اصلی چنین وضعیتی (جدای از نحوه‌ی تأمین کتاب)، نبودن فردی متخصص و آگاه به‌عنوان کتابدار است. خلأ وجود او باعث می‌شود هر کتابی وارد کتابخانه‌ی مدرسه شود، با وجود این‌همه نابسامانی که به برخی از آن‌ها اشاره کردم، باید عرض کنم در دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، منبعی با عنوان «کتابنامه‌ی رشد» منتشر می‌شود که کتاب‌های مناسب مدرسه‌ای را در همه‌ی سنین و دوره‌های تحصیلی معرفی می‌کند. یا یکی دو سالی است منبعی دیگر با عنوان

«فهرستگان منابع آموزشی مورد تأیید آموزش و پرورش، به تفکیک برای دوره‌های ابتدایی، متوسطه‌ی اول و متوسطه‌ی دوم» چاپ و به تمامی مدرسه‌های کشور نیز ارسال می‌شود، اما باز هم در مراجعه به مدرسه‌ها، یا این فهرستگان وجود ندارد یا اینکه از آن استفاده نمی‌شود. خب با چنین وضعیتی، باید پرسید ملاک انتخاب کتاب در جامعه و مدرسه‌های ما چیست؟ آیا اساساً فرهنگ مطالعه از فرهنگ جامعه جداست که ما بتوانیم بدون توجه و تعمق در مسائل فرهنگی موجود، تنها به فکر توسعه‌ی فرهنگ مطالعه در مدرسه باشیم؟

در سال گذشته ما تلاش کردیم و توانستیم در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی حدود ۴۰۰۰ جلد از این کتاب‌ها را گردآوری و بررسی کنیم که حدود نصف این کتاب‌ها جزو کتاب‌های مناسب دانش‌آموزان و کتابخانه‌های مدرسه تشخیص داده شدند. اما باز هم این پایان کار نیست، چون همان‌طور که عرض کردم، از همین ۵۰ درصد کتابی که مناسب تشخیص داده شده‌اند هم استفاده نمی‌شود.

دلیل آن هم این است که در کتاب‌های درسی ما و در نظام برنامه‌ریزی درسی در هیچ‌جا به کتاب‌های تکمیل دانش و دانش‌افزایی پیشرفت اشاره نشده است. بچه‌های امروز جامعه‌ی ما دیگر حاضر نیستند پای رسانه‌ی یکطرفه‌ای مانند کتاب بنشینند و از آنجایی که دسترسی آن‌ها فقط به کتاب محدود نیست، دست به انتخاب می‌زنند. حتی در مطالعه و خواندن به دنبال هیجان و گرفتن پاسخ نیازهای خود هستند. ما نباید از این موضوعات غفلت کنیم»



سید سعید بدیعی



سیما ویسی‌نژاد

۳۶ فعالیت نگارشی برای تقویت انشانویسی
در دوره‌ی دوم ابتدایی

روز آخر بود که ...

در این قسمت از فعالیت‌های نگارشی که بخش پایانی این مجموعه نیز هست، برای تقویت انشانویسی شما را با خاطره‌نویسی و موضوعات گوناگونی در این زمینه آشنا می‌کنیم.

خاطره‌نویسی

اگر قرار باشد تنوعی در زنگ‌های نگارش ایجاد کنیم، در کنار فعالیت‌هایی که تاکنون معرفی شده‌اند، استفاده از قالب خاطره می‌تواند به روان شدن قلم دانش‌آموزان کمک کند؛ با این توضیح که بیشتر شگردهایی که تاکنون از شماره‌ی اول تا این شماره برشمرده‌ایم، تقریباً به کار تقویت خاطره‌نویسی می‌آید. در این شماره به موضوعاتی برای خاطره‌نویسی می‌پردازیم:

۱. خاطرات مدرسه

اولین روزی که به مدرسه آمدم.
اولین معلمی که به یاد دارم.
اولین دوستی که در مدرسه پیدا کردم.
اولین بار که تشویق شدم.
اولین بار که توبیخ شدم.
اولین امتحانی که دادم.
اولین بار که از سرویس جا ماندم.
اولین بار که قهر کردم.
اولین بار که از بوفه‌ی مدرسه خرید کردم.
خاطراتی از مدرسه‌هایی که تاکنون داشته‌ام.
خاطراتی از سرویس مدرسه.
خاطراتی از روز پایانی مدرسه

۲. جشن تولد

خاطره‌ای از جشن تولدم.
خاطره‌ای از جشن تولد یکی از اعضای خانواده‌ام.
خاطره‌ای از جشن تولد یکی از افراد فامیل.
خاطره‌ای از جشن تولد یکی از هم‌کلاسی‌هایم.
خاطره‌ای از جشن تولد.

۳. محل سکونت

خاطره‌ای از اولین محلی که زندگی می‌کردم.
خاطره‌ای از اسباب‌کشی.
خاطره‌ای از منزل جدید.
خاطره‌ای از اتفاقات همسایگی‌هایمان.

۴. اسباب‌بازی

اولین اسباب‌بازی‌ای که به یاد می‌آید.
خاطره‌ای از یک اسباب‌بازی که گمش کردم.
خاطره‌ای از یک اسباب‌بازی دوست‌داشتنی که برایم نخریدند.
خاطره‌ای از یک اسباب‌بازی که هدیه گرفتیم.

۵. بازی

خاطره‌ی یکی از بازی‌هایم.
خاطره‌ی یکی از بازی‌های خانوادگی.
خاطره‌ای از بازی دوستانم.
خاطره‌ای از یک بازی که به تماشایش رفتیم.
خاطره‌ی یکی از بازی‌های مدرسه.

۶. غذا

خاطره‌ای از یک غذای دوست‌داشتنی‌ام.
خاطره‌ای از غذایی که دوست نداشتم.
خاطره‌ای از یک بار که غذای دورهمی داشتیم.
خاطره‌ای از یک رستوران.
خاطره‌ای از غذایی که سوخت

۷. پوشاک

خاطره‌ای از اولین لباس دوست‌داشتنی‌ام.
خاطره‌ای از لباسی که هرگز دوستش نداشتم.
خاطره‌ی کفشی که خیلی دوستش داشتم.
خاطره‌ی لباسی که گم شد.
خاطره‌ی لباسی که هدیه گرفتیم.

۸. فامیل

خاطره‌ای از مادر بزرگم.
خاطره‌ای از پدر بزرگم.
خاطره‌ای از خواهر و برادرم.
خاطره‌ای از پدر و مادرم.
خاطره‌ای از یکی از اقوامم.



۹. وسایل خانه

خاطره‌ای از وسیله‌ای که برای خانه خریدیم و خیلی دوستش داشتیم.

خاطره‌ای از وسیله‌ای که از خریدنش پشیمان شدیم.
خاطره‌ای از وسیله‌ای که برایمان هدیه آوردند.
خاطره‌ای از وسیله‌ای که برای فامیلان هدیه بردیم.
خاطره‌ای از وسیله‌ای که برای همیشه خراب شد.
خاطره‌ای از وسیله‌ای که خراب شد و تعمیر شد.

۱۰. مسافرت

خاطره‌ای از اولین سفر دسته‌جمعی.
خاطره‌ای از سفر به مشهد.
خاطره‌ای از سفر به شمال
خاطره‌ای از سفر به اصفهان
خاطره‌ای از سفر به تخت جمشید.

خاطره‌ای از یکی از اردوهای مدرسه.
خاطره‌ای از

۱۱. کدام یک از کلمات زیر خاطره‌ای را به یاد شما می‌آورد؟

آن خاطره را بنویسید و در کلاس بخوانید. می‌توان از هر دانش‌آموز یک کلمه خواست تا فردی آن را روی تابلو بنویسد و آنان از بینشان خاطره‌ای پیدا کنند. کلمات باید ملموس، محسوس یا عینی باشند: میز، عینک، اسب، تلویزیون، آموزگار، اتاق، آشپز، آشپزخانه، پریز برق، کتاب، سبزه، قرمز، گوشی، موبایل، تاکسی، اسنپ، مریض، دکتر، سوپری، پفک، بیسکویت.

چند نکته

۱. در این تمرین‌ها، خاطره وسیله‌ای برای نوشتن است. بعضی از بچه‌ها دوست ندارند راجع به خاطرات خانوادگی بنویسند. آن‌ها را به سمت یکی دیگر از عنوان‌ها سوق دهید.
۲. اینکه بچه‌ها در خاطره چه چیزی بنویسند، به‌طور دقیق به خودشان برمی‌گردد. هیچ نیازی به یادآوری اینکه این را هم می‌نوشتید یا آن را نمی‌نوشتید، نیست.
۳. هر کدام از بچه‌ها علاقه‌شان به نوشتن، با موضوعی از خاطره شروع می‌شود. آن را پیدا کنیم و به او پیشنهاد دهیم. به این ترتیب نصف راه را رفته‌ایم.
۴. هیچ اجباری برای خاطره‌نویسی ایجاد نکنیم.
۵. نمونه‌ی خاطرات خوب را از کتاب‌ها پیدا کنیم و در کلاس بخوانیم تا دید بچه‌ها وسعت یابد.
۶. حتماً خودمان هم در کنار بچه‌ها بنویسیم. از اتفاقات زندگی برایشان خاطره بنویسیم. به این ترتیب اعتماد آنان به ما بیشتر خواهد شد.
۷. اگر درس‌های قبلی را دنبال کرده‌اید، خاطره‌نویسی را هر جلسه با توجه به یکی از آن‌ها پیش ببرید. مثلاً توجه به جزئیات، استفاده از حواس. استفاده از مشاهده‌نویسی و ...

هدف‌های خاطره‌نویسی

۱. افزایش دقت بچه‌ها در مسائل زندگی
۲. تقویت قدرت یادآوری
۳. استفاده از روش‌های نوشتن در خاطره‌نویسی
۴. پیدا کردن زبان داستان‌نویسی
۵. پیدا کردن ایده‌های فراوان برای نوشتن





آشنایی با محمدتقی ملک الشعرا

بهار شعر فارسی

با انقلاب مشروطه‌ی ایران زبان فارسی نیز دچار تحول اساسی شد و بیش از پیش به سوی سادگی گرایید. از آن پس شاعران و نویسندگانی پدید آمدند که با اشعاری به زبان مردم، و نوشته‌هایی که به زبان گفتار نزدیک بود، بذل آگاهی و دانایی را در جامعه پراکندند. این آثار مورد استقبال واقع شدند و به تدریج به کتاب‌های درسی مکتب‌ها و مدرسه‌ها راه یافتند. یکی از شاعران تحول‌خواه عصر مشروطه و پس از آن، محمدتقی ملک الشعرا، معروف به «بهار» بود که بی‌شک از شاعران بزرگ زبان فارسی است. وی در کنار اشعاری که او را در مرتبه‌ی بزرگ‌ترین شاعران فارسی‌زبان می‌نشانند، اشعاری نیز به زبان ساده، در ستایش از آزادی و خرد و دانش و ادب و اخلاق سروده که پاره‌ای از آن‌ها را می‌توان جزو اشعار کودک و نوجوان قلمداد کرد. در این شماره، از پاره‌ای از اشعار این شاعر و ادیب برجسته را برای شما نقل می‌کنیم. بهار در سال ۱۳۳۰ در سن ۶۵ سالگی در تهران درگذشت و در گورستان «ظهیرالدوله‌ی شمیران» به خاک سپرده شد.

قضا را در آن سال از آن خوب شخم
ز هر تخم برخاست هفتاد تخم
نشد گنج پیدا ولی رنجشان
چنان چون پدر گفت، شد گنجشان

ساعت

تک‌تک ساعت چه گوید؟ هوش‌دار!
گویدت بیدار باش، ای هوشیار!
از تن آسایی و بی‌کاری بترس
هم مشو یک ثانیه غافل ز درس
عقربک آهسته پندت می‌دهد
پند شیرین‌تر ز قندت می‌دهد
گویدت جانا گذشته در گذشت
هیچ عاقل گرد بگذشته نگشت
همچو من پرطاعت و ورزنده باش
روز تا شب در غم آینده باش
تبلی آرد به چشمان تو خواب
می‌شود آینده‌ات یک سر خراب
زندگی پیوسته با آینده است
هر که را آینده باشد زنده است
هر که او غافل ز آینده شود
در بر آیندگان بنده شود

جوجه و گربه

گفت با جوجه مرغی هشیار
که ز پهلوی من نرو به کنار
گربه را بین که دم علم کرده

کار

برو کار می‌کن مگو چیست کار
که سرمایه‌ی جاودانی است کار
نگر تا که دهقان دانا چه گفت
به فرزندان، چون همی خواست خفت
که میراث خود را بدارید دوست
که گنجی ز پیشینیان اندروست
من آن را ندانستم اندر کجاست
پژوهیدن و یافتن با شماست
چو شد مهرمه، کشتگه برکنید
همه جای آن زیر و بالا کنید
نمانید ناکنده جایی ز باغ
بگیرید از آن گنج هر جا سراغ
پدر مرد و پوران به امید گنج
به کاویدن دشت بردند رنج
به گاوآهن و بیل کردند زود
هم اینجا، هم آنجا و هر جا که بود

مرد دهقان به شاه کسری گفت:
مردم از کاشتن زبان نبرند
دگران کاشتند و ما خوردیم
ما بکاریم و دیگران بخورند.



پرورش ذوق زبانی و ادبی

وقتی تشخیص دادیم که چه می‌خواهیم بیاموزیم، نوبت به آن می‌رسد که چگونه آن را باید بیاموزیم. این مرحله‌ای حساس است و گمان می‌کنم علت سرخوردگی گروهی از دانش‌آموزان از زبان فارسی، از اینجاست. ممکن است معلم عیب کار را ناشی از کتاب درسی بداند. به نظر بنده، کتاب درسی، خوب نوشته شده باشد یا بد؛ چندان اثری در پیشبرد غرض معلم نخواهد داشت. اگر دوستان ما سعی کنند که نخست ذوق شاگردان خود را در زمینه‌ی مطالعات بیازمایند، آن‌گاه برای هر دسته از آن‌ها کتابی موافق ذوق آنان، به شرط آنکه با نثر خوب و صحیح نوشته شده باشند و موجب بدآموزی نگردد، برگزینند، و شاگردان را موظف کنند که در هر هفته‌ای یا ماهی، به هنگام فراغت، کتابی را بخوانند و سپس خلاصه‌ی آن را در کلاس برای معلم بازگو کنند، شاگرد را در دو زمینه یاری کرده‌اند: یکی تقویت قوه‌ی درک معنا، دیگر ایجاد ملکه‌ی تقریر (بیان) و انشا. به موازات این کار باید شاگردان را با خلاصه‌ای از متن‌های فصیح نوشته‌ی استادان گذشته و معاصر، به شرط آنکه در آن‌ها معنا فدای لفظ و صناعات لفظی نشده باشد، آشنا کنند اگر ما معلمان همتی کنیم و این اصول را رعایت کنیم، به‌طور غیرمستقیم بسیاری از این آشفتگی‌ها و نابسامانی‌ها از بین خواهد رفت.

شادروان دکتر سیدجعفر شهیدی

گوش‌ها تیز و پشت خم کرده
چشم خود تا به هم زنی بردت
تا کله چرخ داده‌ای خوردت
جوجه گفتا که مادرم ترسوست
به خیالش که گربه هم لولوست
گربه حیوان خوش خط و خالی است
فکر آزار جوجه هرگز نیست!
سه قدم دورتر شد از مادر
آمدش آنچه گفته بود به سر
گربه ناگاه از کمین برجست
گلوی جوجه را به دندان خست
برگرفتش به چنگ و رفت چو باد
مرغ بیچاره در پی‌اش افتاد
گربه از پیش و مرغ از دنبال
نالها کرد و زد بسی پر و بال
لیک چون گربه جوجه را برپود
نالهای مادرش ندارد سود
گر تضرع کند و گر فریاد
جوجه را گربه پس نخواهد داد

شاه انوشیروان

شاه انوشیروان به موسم دی
رفت بیرون ز شهر بهر شکار
در سر راه دید مزرعه‌ای
که در آن بود مردم بسیار
*
اندر آن دشت پیرمردی دید
که گذشته است عمر او ز نود
دانه‌ی جوز در زمین می‌کاشت
که به فصل بهار سبز شود
*
گفت انوشیروان به آن دهقان
که چرا حرص می‌زنی چندین؟
پای‌های تو بر لب گور است
تو کنون جوز می‌کنی به زمین؟
*
جوز ده سال عمر می‌خواهد
که قوی گردد و به بار آید
تو که بعد از دو روز خواهی مرد
گردکان کشتنت چه کار آید؟!

سپاسگزارم آموزگار من

اوایل اردیبهشت‌ماه، در راه برگشت از محل کار به خانه، پیغام پشت پیغام بود که از گروه شبکه‌ی اجتماعی کلاس پسر من رسید:

کلاس پنجم ۱

سلام مامانها فردا امتحان املا داریم
بله شنبه هست پسر من عین خیالش نیست من استرس دارم
درس نهم خیلی سخته. کلمه‌های عجیب غریبی داره
ببخشید خانما امتحان املا مون از درس اول هستش
پسر من می‌گه از درس اول تا آخر. ولی من باور نمی‌کنم.
آخه امتحان نیم ترمه آخره.
سلام عصر بخیر
ببخشید میشه جوابه سوال ورقه ای که معلم داده رو بزارید. ما بلد نیستیم.
کاش خانمشون مجبور می‌کرد بچه‌ها دیکته بنویسند و ما تصحیح کنیم تا بفهمند کدوم کلمه‌ها رو بلد نیستن
کاش خانمشون در دسترس بود.
نماینده محترم جواب سوال رو بی زحمت میزارین
پسر من دندونش چرک کرده اصلا حاله درس نداره. الانم دکنترم و نمی‌تونم جواب شما رو بدم.
من فردا صبح باید برم تشریح جنازه سرم شلوغه.
یکی جواب بده.

مادر یکی از دانش‌آموزان پنجم ۱

خانه که رسیدم، پسر من مشغول بازی بود. تشری به او زدم که مگر تو فردا امتحان املا نداری؟ چرا تمرین نمی‌کنی آخر!
پسر من گفت: «معلوم نیست حالا. صبر کن ببینیم جواب بچه‌ها چی می‌شه! شاید امتحان نباشه!»
از حرفش اصلاً خوشم نیامد. اخم و تخمی کردم تا بفهمد کارش اشتباه است. کمی هم بی‌محلی کردم. نیم‌ساعتی که گذشت، دیدم دفتر املاش را آورده‌است و دارد از روی غلط‌های دیکته‌اش می‌نویسد. خوشم آمد. پیشش رفتم و پرسیدم، چطور شده که از روی غلط‌های نویسی؟

- خانمون گفته شب امتحان از روی غلط‌ها تون بنویسید.
این‌طوری بهتر متوجه اشکالاتون می‌شید.
خوشحال شدم که خودش به‌طور مستقل تمرین می‌کند و با من کاری ندارد. آن‌طرف میز، روبه‌روی پسر من نشستم و رفتم ببینم می‌توانم بفهمم در گروه «کلاس پنجم ۱» چه خبر است و بالاخره تکلیف امتحان چه شده؟ دیدم معلمشان عکس یک صفحه‌ی تایپ شده را فرستاده است. به ذهنم رسید لغت‌های مهم باشد! به‌سرعت باز کرد. بهتر است آنچه را دیدم، به‌طور دقیق برایتان کیپی کنم.

آموزگار پنجم ۱

خانما و مامانا سلام. وقت همگی بخیر. من آموزگار پسرهاتون هستم. نماینده‌ی کلاس سرش شلوغ بود و پیام‌های شما رو برای من فرستاد. متأسفانه نتونستم از چند تا نکته بگذرم. می‌خوام راه تصحیح املا و دیکته‌ی بچه‌ها رو براتون بگم تا بتونید بهتر کمکشون کنید. پس به توضیحات من دقت کنید:

۱. تو جمله‌ی اول، مامانی گفته: «فردا امتحان املا داریم». خانم عزیز الان شما سؤال کرده‌اید، یا خبر داده‌اید. اگر جمله‌تون خبریه که خب آخر جمله یه نقطه می‌داشتید تا همه منظورتون رو بفهمن. اگر هم سؤال کرده‌اید، اولاً یه علامت سؤال ته جمله بگذارید تا منظورتون به راحتی معلوم بشه. خب ته جمله‌هاتون نقطه بگذارید دیگه! دوماً آخه عزیزان من، من هفته‌ی پیش برگه‌ی برنامه‌ی امتحانی رو همگی شما اون امضا کردید. روز هر امتحان به‌طور دقیق معلومه. دیگه سؤال برای چی؟

۲. مامانای گل، بچه‌هاتون امتحان دارند، نه شما. چرا پرسیده‌اید: «امتحان داریم؟» درستش اینه که بچه‌ها امتحان دارند. لطفاً دقت کنید که امتحان مال بچه‌هاست، نه شما. در ضمن، وقتی دانش‌آموزی شکر خدا استرس نداره، واقعاً درسته ازش توقع استرس داشته باشیم؟ اینکه نشانه‌ی توجه به درس نیست! درس که ترس نداره! لطفاً آرامش «شاگردان من» رو به هم نزنید.

۳. چند تا جمله پایین‌تر (لطفاً به هر جمله که اشاره می‌کنم، برید و اون جمله رو دقیق بخونید)، یکی از شما مامانا پرسیده: «از اول کتاب امتحان داریم؟» باز مامانا فکر کرده‌ان که خودشون امتحان دارن! لطفاً بار شاگردان من رو شما حمل نکنید، اجازه بدید خودشون احساس مسئولیت کنن. در ضمن، از خودشون بپرسید، توی دفترچه‌های یادداشتشون نوشته‌ان که «امتحان املا ی نیم ترم از اول کتابه». املا چیزی نیست که بشه نصف کتاب رو امتحان گرفت. همه‌ی لغت‌هایی رو که خوندن، باید بلد باشن.

۴. مامانی که «عصر بخیر» گفتید، لطفاً توجه کنید که املا «عصر بخیر» این‌طوره که من نوشتم. اما شما خواستید که مامانای دیگه جواب سؤال امتحان رو بذارن. مامان

عزیز، بچه‌ها جواب‌ها رو توی دفتر فارسی‌شون دارن. لطفاً ازشون بخواین که نشونتون بدن. در ضمن، اگر می‌خواهیم به بچه‌هامون کمک کنیم درس‌ها و از جمله املاشون خوب باشه، خودمونم باید بیشتر دقت کنیم. «جواب سؤال» را خواستن، به همین صورت صحیحه. شما «ه» رو اضافه گذاشته‌اید. راه راحت تشخیصش رو براتون می‌گم. هر وقت خواستید «است و هست» بگید، می‌تونید به جاش «ه» بذارید. عبارتی که شما نوشته‌اید، یعنی «جوابه سوال»، معنی نداره. این رو خیلی دقت کنید. منظور شما «جواب» بوده است. تو زبان محاوره، فعل «است یا هست» به «ه» تبدیل می‌شه، نه چیز دیگه. خانمی که حال پسرش خوب نیست هم برای «حال» به اشتباه «ه» اضافه گذاشته. مامان خوب، امتحان «نیم ترم» درسته نه «ترمه». اما «آخره» رو دست نوشتید؛ در اینجا «ه» یعنی «است».

۵. بازم تو جمله‌ی قبلی اشکال املائی هست. خواستید که مامانا جواب سؤال رو بذارن. منظور شما بگذارند هست که وقتی می‌شکنه، تو محاوره، می‌شه بذارن. دقت کنید که حرف «ذ» نباید عوض بشه. «ز» غلطه و «بگذارند» می‌شه «بذارن». خانمای دیگه هم این غلط دیکته رو دارن. بگردید و پیدا کنید.

۶. خانما، جنازه رو تشییع می‌کنن، نه تشریح. سپاس رو هم می‌گزارن. یعنی جایی قرارش نمی‌دن، بلکه به‌جا می‌آرن. برای به‌جا آوردن «گزار» درسته. مثل نمازگزار. اما «گذاشتن» یعنی «قرار دادن».

۷. اما نکته مهم‌تر از بقیه. عزیزان من، وقتی شما این‌قدر غلط املائی دارید، چطور من اجازه بدم دیکته‌های بچه‌ها رو تصحیح کنید. خواستید که «تصحیح» کنید، در حالی که تصحیح درسته!

۸. من به عمد به زبان محاوره و شکسته براتون نوشتم تا ببینید حتی وقتی کلمات رو می‌شکونیم، یه قواعدی هست که باید رعایتشون کنیم. اگر ما در عمل از آموخته‌هامون استفاده نکنیم، پس چرا بیاموزیم؟ اردتمند شما: آموزگار فرزند کلاس پنجمی‌تون

خوش به حال دانش‌آموزان پنجم ۱

چنان تحت‌تأثیر این مرام قرار گرفتم که بدون لحظه‌ای فکر، در گروه «کلاس پنجم ۱» نوشتم: آموزگار فرزندم، از تو ممنونم؛ ممنون به خاطر درک بالایت که با عمل و در عمل به من و فرزندم درس می‌دهی! شرمسار توام و قدردان تو! هفته و روز معلم مبارکت باد که به حق شایسته‌ی این مقام هستی!



من ۶ دانش‌آموز دارم؛ دو دختر و چهار پسر. عرفان و امیرحسین کلاس اول، ابوالفضل کلاس دوم، فاطمه و ارشیا کلاس سوم و نرجس هم کلاس ششم.

● به نظر شما کلاس‌های چندپایه چه مزیت یا تفاوت‌هایی با کلاس‌های تک‌پایه دارند؟

تدریس چندپایه نوعی از تدریس در آموزش ابتدایی است که در آن دانش‌آموزان چند پایه در یک کلاس به‌وسیله‌ی یک آموزگار آموزش داده می‌شوند. درواقع موقعیت‌هایی وجود دارد که در آن‌ها دانش‌آموزانی که از نظر سن و توانایی متفاوت هستند، همه در یک کلاس آموزش می‌بینند. معمولاً در کلاس‌های چندپایه دانش‌آموزان می‌آموزند که «چگونه یاد بگیرند» و «چگونه یاد بدهند» و چگونه به‌عنوان «معلم‌یار» کمک کنند. قطعاً این جریان قوه‌ی مدیریتی دانش‌آموزان را تقویت می‌کند. درواقع می‌توان گفت کلاس‌های چندپایه به چندین گروه سنی امکان تعامل گروهی می‌دهند و این برای دانش‌آموزان بسیار سودمند است. همچنین، مرور درس‌ها توسط دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و ایجاد زمینه‌های یادگیری برای پایه‌های پایین‌تر، تقویت یادگیری را در پی دارد که این امکان در کلاس‌های تک‌پایه وجود ندارد و دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه یادگیری‌شان بهتر و عمیق‌تر است، زیرا این دانش‌آموزان تمرین‌ها و تکالیفشان را، به دلیل وقتی که دارند، در مدرسه انجام می‌دهند و در مواجهه با مشکلات از هم‌کلاسی‌های خود کمک می‌گیرند و آموزش هم‌سالان در یادگیری آنان بی‌تأثیر نخواهد بود. باید عرض کنم، مشکلات چندپایه را نباید نادیده گرفت؛ کمبود وقت، کم‌تجربگی در ارائه‌ی تدریس و نحوه‌ی اداره‌ی کلاس، ترکیب متفاوت سنی و

گذر از پیرمحل

خاتون نوروزی، آموزگار چندپایه‌ی گیلانی

برخی مخاطبان قدیمی مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی اینک در لباس خبرنگار افتخاری از فرصت‌های به‌دست آمده استفاده می‌کنند تا دیگر خوانندگان مجله را با تازه‌های تعلیم و تربیت کشور آشنا سازند. زهرا ذکریا پور از این دسته همراهان است که در گذر از روستای پیرمحل در شهرستان رودسر گیلان، ناگهان چشمش به دبستانی کوچک افتاده است که در حیات آن ساختمانی با نمای آجری و دارای گنبد توجهش را به خود جلب می‌کند. او می‌گوید: «پس از پرس‌وجو متوجه شدم این مدرسه چندپایه است و فقط با یک مدیر-آموزگار خانم اداره می‌شود. علاقه‌مند شدم بدانم آموزگار زحمتکش این مدرسه کیست و چند دانش‌آموز دارد و این گنبد آجری داستانش چه بوده است؟ پس از هماهنگی با کارشناس محترم آموزش ابتدایی اداره، افتخار یافتیم در خدمت آموزگار سخت‌کوش این دبستان باشیم و سؤالاتی بپرسیم.» در ادامه بقیه‌ی ماجرا را به ترتیب زیر دنبال می‌کنیم.

● همکار گرامی خودتان را معرفی کنید و بفرمایید چند سال تجربه‌ی آموزشی دارید؟

من خاتون نوروزی فشكل پشته، مدیر آموزگار دبستان فتح از روستای پیرمحل هستم. ۱۸ سال سابقه‌ی خدمت و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد فقه و مبانى حقوق دارم.

● محلی را که این دبستان در آن واقع شده است، معرفی کنید؟

دهکده‌ی پیرمحل-رانکوه در ده کیلومتری شهرستان رودسر واقع شده است. مردم این روستا در اصل گیلک هستند.

● در حیات دبستان بنای تاریخی دیده می‌شود. آیا اطلاعاتی درباره‌ی آن دارید؟

بله. عمارت آجری پیرمحل یکی از نقاط تاریخی رودسر و از عجایب هفتگانه‌ی استان گیلان است. گفته می‌شود ساخت این گنبد به دوره‌ی کیانیان (حاکمان محلی شرق گیلان) مربوط می‌شود. این بنا در سال ۱۳۷۲ در سازمان میراث فرهنگی کشور به ثبت رسیده است که طرز ساخت داخل و شرح حال آن، هر بیننده‌ای را شگفت‌زده می‌کند. ولی متأسفانه در حال حاضر دیدارکننده‌ی کمی دارد.

● چند دانش‌آموز دارید؟



و گفت: «خانم، من آن قدر دوستتان دارم که الهی صد سال سیاه زنده باشید». گفتن این حرف همانا و بلند شدن صدای قهقهه‌ی بچه‌های دیگر همان! این خلوص و پاکی، حال و هوای کلاس و لحظه‌ی خداحافظی را برایم به خاطره‌ای به یادماندنی تبدیل کرد. البته دانش‌آموزم فوری متوجه اشتباهش شد و زد زیر گریه. من او را در آغوش گرفتم و با لبخند و آرامش گفتم: «دخترم اشتباه شما لفظی بود، ولی دعای شما بسیار ارزشمند!»

جنسیتی دانش‌آموزان دختر و پسر، تراکم درس‌های پایه‌ها و کوچکی فضای آموزشی، و کمبود تجهیزات آموزشی و بهداشتی و نیروی انسانی. آموزگار چند پایه، علاوه بر تدریس، امور مربوط به مدیر، معاون، متصدی امور دفتری، مربی بهداشت و مربی ورزش را هم به عهده دارد. علاوه بر آن، به عنوان پژوهشگر کیفی و مشاور اجتماعی، اقتصادی نیز فعال است و این گاهی خستگی و فشار روانی را برای آموزگار در پی دارد.

● دانش‌آموزان در این کلاس‌ها چه حال و هوایی دارند؟

تعامل و همکاری بین آن‌ها بیشتر است، چون می‌توانند هم یاد بدهند و هم یاد بگیرند. و درواقع مهارت‌های زندگی را بهتر می‌آموزند و از لحاظ عاطفی ثبات بیشتری دارند. آن‌ها از حال و هوای خوبی برخوردارند.

● نقش والدین در این کلاس‌ها چگونه است؟

بیشتر والدین سعی می‌کنند همکاری‌های لازم را با آموزگار و نظارت بر تکالیف و وظایف فرزندانشان داشته باشند. درواقع می‌توان گفت که ارتباط اولیا با مدرسه بسیار خوب است.

● چه احساسی دارید از این که آموزگار این بچه‌ها هستید؟

هزاران بار خداوند را شاکرم که به من توفیق داد در خدمت چنین دانش‌آموزان دوست‌داشتنی و بی‌ریایی باشم.

صدسال سیاه زنده باشید!

آخر سال بود و بچه‌ها یکی یکی داشتند با من خداحافظی می‌کردند. ناگهان یکی از دختران دانش‌آموز با تمام احساس دست مرا گرفت

اطلاعات دیگری که خانم آموزگار از ساختمان و گنبد آجری پیرمحل به دانش‌آموزانش داده است:

ساختمان و گنبد پیرمحل یک ایوان کوچک در سمت ورودی و دو اتاق کوچک در طرفین آن دارد. گنبد خانه به شکل هشت‌ضلعی و ساده ساخته شده است و سطح آن را گچ‌اندود کرده‌اند. قطر دیوارها حدود ۶۵ و قطر دیوار گنبد حدود ۱۱۵ سانتی‌متر است. از مشخصات بنا، گنبد دو لایه‌ی آن است. در داخل اتاق میانی، محرابی با دهنه‌ای به پهنای ۹۰ و بلندی ۱۷۰ سانتی‌متر تعبیه شده است. این بنا فاقد عناصر تزئینی و نمونه‌ی معماری اصیل و سنتی گیلانی است. معماری این سازه، از جمله استفاده از قوس‌های جناقی تیز در آن، پیش‌آمدگی قرنیزهای فوقانی و نوع گورسازی که شبیه سردابه است، به معماری دوره‌ی ایلخانی شباهت دارد. برخی اهالی مسن این روستا، با اشاره به پله‌های سردابه‌ی زیر گنبد، می‌گویند: در گذشته پله‌ها بیشتر بود. ۱۲ پله به زیرزمین گنبد می‌رفت. ما بچه که بودیم، زیر سردابه می‌رفتیم. می‌گفتند در آنجا قبری هست، ولی ما قبری ندیدیم. اکنون چون بنا داخل حیاط مدرسه است، برای اینکه بچه‌ها آسیب نبینند، سردابه را پر کرده‌اند.

نگاهی به سردابه نشان می‌دهد که اکنون سلامت دانش‌آموزان بیشتر در خطر است، زیرا مقداری زباله دهانه‌ی سردابه را پر کرده است. یکی از نگرانی‌ها درباره‌ی پایداری این اثر، رشد گیاهان و به ویژه ریشه دواندن درخت انجیر است که ممکن است به پی سازه آسیب برساند!



قصه، سرآغاز حرکت من در دل طبیعت است

فرهاد مینایی، مربی کتابخانه‌ی سیار روستایی

خیلی وقت‌ها همه چیز از یک قصه شروع می‌شود و این قصه و قصه‌گویی آرام‌آرام زمینه‌ی رفاقت بچه‌ها با کتاب و مطالعه را فراهم می‌کند. کتاب، اول ماجراست. یک روز با نقاشی پیش می‌روند. روز دیگر سفال، جلسه‌ی بعد کاردستی، مرتبه‌ی بعد نمایش فیلم و خلاصه هر بار که مربی با خودروی خود از راه می‌رسد، بچه‌ها می‌دانند او حرفی تازه دارد. فعالیت‌ها متنوع‌اند و همه حول محور کتاب و کتاب‌خوانی. فعالیت‌هایی که غیرمستقیم بچه‌ها را در روستاها تشویق می‌کند بیشتر بخوانند و بدانند. آزمون و امتحانی هم در کار نیست، اما تدبیرهای مربی به‌واسطه‌ی استمرارش، تأثیر مستقیمی روی درس و تحصیل آنان می‌گذارد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سراسر کشور مراکزی ثابت و سیار دارد که شاید برای اغلب بچه‌ها و حتی والدین آنان به اسم کتابخانه شناخته شده است. فرهاد مینایی یکی از مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. او از سال ۱۳۷۵ در ۲۳ سالگی به‌عنوان مربی کتابخانه‌ی سیار روستایی قدم به کانون گذاشت و تا امروز بچه‌های بسیاری از روستاهای منطقه‌ی کیبودرآهنگ استان همدان را زیر پوشش دارد. با او به گفت‌وگو نشستیم تا از فعالیت این گروه از مربیان بیشتر بدانیم.

● یعنی شما غیرمستقیم کنجکاوی بچه‌ها را تحریک می‌کنید، به‌گونه‌ای که خودشان به وجد می‌آیند و طالب اطلاعات بیشتر درباره‌ی آن قصه می‌شوند و بعد ادامه‌ی ماجرا! بله، اینجاست که من کتابی را به آنان معرفی می‌کنم و وقتی بچه‌ها تمایل پیدا می‌کنند درباره‌ی موضوع بیشتر بدانند، لذا کتاب را برای خواندن به امانت می‌گیرند.

● مربی سیار روستایی چه کارهایی انجام می‌دهد و چه مناطق و وسعتی را باید پوشش بدهد؟

رسالت اصلی مربی کتابخانه‌ی سیار روستایی، کتاب‌رسانی به روستاها و ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب و کتاب‌خوانی در بین کودکان و نوجوانان روستایی است. اما برای رسیدن به این هدف، فعالیت‌های متنوع دیگری مانند معرفی کتاب، روخوانی کتاب، قصه‌گویی، شعرخوانی، نمایش خلاق، بازی و سرگرمی، نقاشی، کاردستی، سفال، مسابقه، بازی‌های بومی محلی و نمایش فیلم را هم برای آنان در نظر می‌گیریم. در تعریف کتابخانه‌ی سیار روستایی آمده است که باید در روستاها و مناطق دور دست محروم و کم‌برخوردار فعالیت داشته باشد.

● ارتباط شما با دانش‌آموزان و مدرسه‌ها و آموزگاران چگونه است؟

ارتباط ما با آموزگاران، مدرسه و والدین دوستانه است و با اعتماد پیش آمده، بچه‌ها را به سمت مطالعه و خواندن کتاب‌های درسی رهنمون می‌شویم.

● شما به‌طور غیرمستقیم در فرایند یاددهی-یادگیری نقش مؤثر دارید. فعالیت‌های شما در کنار آموزگاران، آموزش را بهبود می‌بخشد. در این باره بیشتر توضیح دهید.

ما مربیان کانون، در مراکز ثابت، سیار و پستی، مانند آموزگاران در آموزش مستقیم دانش‌آموزان ایفای نقش نمی‌کنیم، بلکه تمام فعالیت‌های ما در مسیر رشد و شکوفایی خلاقیت بچه‌ها غیرمستقیم و خارج از برنامه‌ی درسی و کتاب درسی و نظام آموزشی یعنی به صورت «فوق برنامه» انجام می‌شود. ما تلاش می‌کنیم معلومات بچه‌ها افزایش یابد و خلاقیت آنان بیشتر شکوفا شود. وقتی وارد یک روستا می‌شوم، کارم را با یک قصه در مورد درختان و جنگل شروع می‌کنم. بچه‌ها عاشق قصه هستند. قصه را به‌صورت خلاقانه برای آنان تعریف می‌کنم و بعد، از همین فرصت به‌راحتی استفاده می‌کنم و چندین کتاب علمی را در رابطه با موضوع، به آنان که عضو کتابخانه‌ی سیار ما هستند، معرفی می‌کنم.



دانش آموزان در بازی‌های محلی یا کارگاه‌های گروهی نقاشی و سفال، به صورت غیر مستقیم نوعی نظم و انضباط می آموزند. وقتی مربی کانون با استفاده از چند ظرف پلاستیکی یا یکبار مصرف، به آن‌ها کاردستی می آموزد، حس کنجکاوی دانش آموزان برای ساخت دیگر وسایل برانگیخته می شود. گاه نیز از معلمان خود می خواهند آن‌ها را همراهی کند. این همان رشد و پرورش حس خلاقیت آن‌هاست. کار ما مکمل کار معلم مدرسه است. شاگردان مدرسه‌هایی که با ما در ارتباط هستند، در مباحث درسی کنجکاوترند و با شوق‌های بیشتری نکته‌های درسی و آموزشی را دنبال می کنند. این از جمله نکته‌هایی است که آموزگار را به وجد می آورد.

● شما اصولاً برای آموزش‌های غیرمستقیم خودتان از چه شیوه‌ها و فناوری‌های آموزشی استفاده می کنید؟

فناوری آموزشی را فقط در ابزار، علم یا صنعت نمی توان تعریف کرد، بلکه خلاقیت، ایده و تجربه به کمک ابزار می آیند و فناوری آموزشی را معنی و مفهوم می بخشند. فرض کنید قرار باشد یک روز درباره‌ی برگ درختان برای بچه‌ها مطلبی بگویم. در جلسات قبل در خصوص رنگ و انواع برگ‌ها و اندازه‌ی آن‌ها، طرح‌ها و شکل‌هایی را با مقوا یا کاغذ به صورت روزنامه‌ی دیواری درست می کنیم. وقتی توجه بچه‌ها به موضوع جلب شد، سراغ موضوع می رویم و درباره‌ی آن با هم صحبت می کنیم. گاهی این کار را با کاردستی انجام می دهیم. بچه‌ها با دیدن کاردستی شوق و ذوق پیدا می کنند. وقتی توجه آن‌ها جلب شد و طالب اطلاعات بیشتر شدند، کتاب مربوط به برگ‌ها را به آنان معرفی می کنم. درواقع با بازی و سرگرمی توجه بچه‌ها را جلب می کنم و هنگامی که مشتاق دانایی بیشتر شدند، کتاب را به آنان معرفی و در جلسات بعدی با هم بیشتر روی موضوع کار می کنیم.

● فعالیت‌های شما شاید به طور مستقیم به کلاس درس ربط پیدا نکند و به طور غیر مستقیم به دانش آموز و آموزگار و مدرسه مرتبط باشد. از زاویه‌ی فناوری آموزشی فعالیت‌های خودتان را بیشتر برای ما تشریح کنید.

آموزگار وظیفه دارد کتاب یا چند کتاب درسی را به طور رسمی به بچه‌ها آموزش بدهد و حتی در زمینه‌های تربیتی نیز دانش آموزان را به رشد و تعالی برساند. لذا برخی کارها را به صورت مستقیم انجام نمی دهد. برای مثال، معلمی که برای آموزش علوم و گیاهان شاگردان خود را به پارک یا فضایی طبیعی می برد، درواقع کاری آموزشی می کند که اثرش غیرمستقیم روی درس بچه‌هاست. ما درواقع همین کار را می کنیم. ما غیرمستقیم و به نام اوقات فراغت، به معلم یاری می رسانیم. وقتی دانش آموزان با طبیعت آشنا می شوند، یا به مطالعه علاقه پیدا می کنند و یا با هنرهایی مثل نقاشی، سفال، قصه و غیره انس می گیرند، درواقع در همان راستای کار معلم پیش می روند. هم تدریس برای معلم تسهیل می شود و هم فراگیری مخاطب راحت تر. لذا همیشه با معلم در ارتباط هستیم. تمام کار ما در نوع خودش جلوه‌ای از فناوری آموزشی است.

● شما در وهله‌ی اول باید بتوانید اعتماد بچه‌ها را به خود جلب کنید تا در ادامه بتوانید فعالیت‌هایتان را ارائه کنید. چگونه این کار را انجام می دهید؟

خدمات متنوع ما رایگان است و آزمون و امتحانی هم برای کتابی که خوانده یا فعالیتی که انجام داده‌اند، وجود ندارد. بچه‌ها به تدریج جلب می شوند. من با آن‌ها مثل خودشان می شوم. با هم بازی می کنیم؛ بازی‌های محلی. دور هم می نشینیم و قصه می گوئیم. برای آنان شعر می خوانم. باید با بچه‌ها رفیق شد و مثل خودشان بود. بچه‌ها را به اسم کوچک صدا می زنم. هر جلسه که به روستای آنان می روم، صمیمیت بیشتر و بیشتر می شود. گاهی این دوستی و رفاقت تا آنجا پیش می رود که بچه‌ها مشکلات شخصی خود را با مربی، به عنوان مشاور، در میان می گذارند.

● چند وقت یکبار به یک روستا می روید؟

معمولاً هر دو هفته یک بار. در حال حاضر تعداد ۱۵ روستا و هر کدام تا ۳۰ دانش آموز تحت پوشش کتابخانه‌ی سیار روستایی من قرار دارند. بازی‌ها و سرگرمی‌های گروهی، کارگاه سفال و سفالگری از جمله فعالیت‌هایی هستند که بیشتر استقبال می شوند.

● شما با آموزگاران و دبستان‌ها هم به نوعی در ارتباط هستید. فعالیت‌های شما روی برنامه‌ها و فعالیت‌های آنان چه آثار و نتایجی دارد؟

آموزگاران همواره فعالیت‌های کانون را تأیید می کنند. آن‌ها می گویند،



در کلاس‌های چندپایه را از این طریق حل می‌کنم، با آموزش یک موضوع درسی مشترک برای همه‌ی پایه‌ها، ارتباط و پیوند بیشتری بین دانش‌آموزان غیر هم‌پایه ایجاد کنم. به همراه دانش‌آموزان که کتاب‌های علومشان را در دست داشتند، بعد از کمی قدم زدن در روستا و استشمام هوای تازه و خنک صبحگاهی، به منزل یکی از آنان به نام علیرضا رسیدیم. در زدیم و وارد خانه شدیم. بوی نم خاک و حیاط جارو شده با دیوارهای کاه گلی، اولین چیزی بود که احساس می‌شد. مادر مهربان و خنده‌روی علیرضا به گرمی از ما استقبال کرد. او طبق هماهنگی قبلی، وسایل و بساط پخت نان را کنار تنور گوشه‌ی حیاط مهیا کرده و فرشی نیز نزدیک تنور برایمان پهن کرده بود. همگی نزدیک رفتیم. این بار به جای نشستن پشت نیمکت و میز، روی فرش، صمیمی و گرد هم نشستیم. گل لبخندی در چهره‌های دانش‌آموزان دیده می‌شد. مادر علیرضا کارش را شروع کرد و در مرحله به مرحله‌ی پخت نان من و دانش‌آموزان بحث و گفت‌وگو می‌کردیم. همه‌ی دانش‌آموزان شاید بارها و بارها پخت نان را از نزدیک دیده بودند و به شکل تجربی آن را از مادرانشان آموخته بودند، اما ما آنجا بودیم تا این پدیده و عمل موجود را به تناسب هر پایه، به مفاهیم درسی گره بزنیم و موضوع را از جنبه‌ی علوم و ریاضیات بررسی کنیم. با پرسیدن سؤالاتی، سعی می‌کردم بحث و گفت‌وگوها در چارچوب موضوع مورد آموزش پیش برود. برای مثال،

تلفیق‌های کارآفرین

روایت طراحی آموزشی اثربخش در مدرسه‌ی عشایری

در کتاب‌های درسی ما ظرفیت‌های مناسب و متنوعی برای طراحی آموزش‌های تلفیقی با رویکرد کارآفرینی موجودند و می‌توانند متناظر با مدل STEM قلمداد شوند، این بار به سراغ یک آموزگار جوان و خلاق نیشابوری رفتیم که جریان تدریس خود را با زندگی دانش‌آموزان و محیط زیست آن‌ها در آمیخته است و می‌خواهد ضمن یادآوری ارتباط میان مواد درسی گوناگون، با عینی کردن تجربه‌های آموزشی در رفتار روزمره‌ی عشایر و مشاغل سنتی آنان، ارزش کار را نزد دانش‌آموزانش ارج نهد و افق‌های تازه‌تری را نیز برای حرفه‌ای‌تر شدن در کارها پیش روی آنان قرار دهد. با یک روایت خود نوشت از طراحی آموزشی مهران کیان‌پور، مدیر آموزگار مدرسه‌ی چندپایه‌ی عشایری شهید نورالله کاظمیان، در روستای شترسنگ، منطقه‌ی سرولايت نیشابور که رویکرد تلفیقی و ترویج کارآفرینی دارد، و بر الگوی STEM منطبق است، همراه شویم:

آموزش مادام‌العمر

یکی از روزهای بعد از عید بود؛ روزهایی که از نظر من دیگر نگرانی و تکاپو و تند تند درس دادن برای رسیدن به بودجه‌بندی محتوای درسی کم‌رنگ‌تر می‌شود و در عوض آموزگار فرصت بیشتری برای آرامش در تدریس دارد. در خلال این آرامش امکان توجه به لایه‌های عمیق‌تری از تدریس و یاددهی برایش فراهم خواهد شد؛ همچون امکان تلفیق موضوعات درسی با یکدیگر، تلفیق پایه‌های مختلف و حتی تلفیق درس با محیط و زندگی روزمره‌ی دنیای پیرامون که زمینه‌ی یادگیری مادام‌العمر و علم کاربردی را برای دانش‌آموزان ارمان خواهد آورد. به همین سبب، آن روز با همه‌ی دانش‌آموزان کلاس به دل روستا رفتیم تا کلاس درس‌مان را آنجا برگزار کنیم. بر حسب یک طراحی آموزشی، درس «از گذشته تا آینده» را به عنوان موضوع تدریس انتخاب کرده بودم، چرا که در اکثر پایه‌ها (غیر از چهارم و پنجم) درسی با این نام در کتاب علوم به چشم می‌خورد. از همین رو آن را موضوع مناسبی برای ایجاد تلفیق بین پایه‌ها دیدم، تا ضمن آنکه چالش جدی و همیشگی کمبود وقت تدریس

از دانش‌آموزان کلاس اول پرسیدم ما برای درست کردن خمیر به چه چیزی نیاز داریم. بعد از اینکه به آب اشاره کردند، کمی به موضوع کاربردها و اهمیت آب در زندگی پرداختیم و از آن‌ها خواستم تعداد ظرف‌های آبی را که برای تهیه‌ی خمیر لازم است بشمارند.

واحد چهار ظرف

از دانش‌آموزان کلاس دوم این‌گونه پرسیدم که چه مقدار آب برای تهیه‌ی خمیر استفاده شد؟ یکی از آن‌ها جواب داد چهار ظرف. دوباره پرسیدم مگر واحد اندازه‌گیری آب ظرف است؟ بعد از کمی فکر، یکی دیگر از دانش‌آموزان، واحد درست یعنی لیتر را به زبان آورد. قرار شد دانش‌آموزان کلاس دوم، با ساختن یک ظرف یک لیتری، مقدار آبی را که برای تهیه‌ی خمیر استفاده شده است، برحسب لیتر اندازه بگیرند. این بار نوبت دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم بود تا نوع تغییرات تهیه‌ی خمیر از آب و آرد و همچنین پخته شدن خمیر و تبدیل آن به نان را از لحاظ فیزیکی و شیمیایی مشخص کنند. همچنین، کلیه‌ی تغییراتی را که امروز مشاهده کرده‌اند، از منظر فیزیکی-شیمیایی و تند-کند و طبیعی-مصنوعی، فهرست کنند. در نهایت دانش‌آموزان پایه‌ی ششم با ترسیم جدول تناسبی و از طریق آزمون و خطا، نسبت آب و آرد لازم برای تهیه‌ی خمیری که مناسب پخت نان باشد، محاسبه کردند.

پخت نان و گره زدن مفاهیم مشترک

تا اینجا ما به نخستین هدف تدریس‌مان، یعنی پیوند زدن موضوع

پخت نان به مفاهیم کتاب علوم و ریاضیات، رسیده بودیم. اما هدف دیگری را نیز دنبال می‌کردیم. اینکه چگونه از یافته‌های فناوری و مهندسی در زمینه‌ی پخت نان استفاده کنیم تا به افزایش سطح بهره‌وری یا افزایش سطح بهداشت یا کارآفرینی در این زمینه برسیم. بدین منظور، از این قسمت به بعد شیوه‌ی تدریس را به بارش فکری تغییر دادم. قرار شد دانش‌آموزان هر چیزی را که به ذهن خلاقشان می‌رسید، بازگو کنند تا یادداشت شود. در نهایت، پس از مراجعه به کتاب درسی و راهنمایی‌های من، نتایج را دسته‌بندی کردیم. بهترین ایده‌ها و نظرات دانش‌آموزان به شرح زیر حاصل شد:

- برای افزایش بهره‌وری، به دستگاه‌ها و ماشین‌هایی نیاز داریم که بتوانند در مدت زمان کمتری، مقدار خمیر بیشتر و به تناسب آن مقدار نان بیشتری را تولید کنند. در این میان، مکانیزه شدن پخت نان خود به گونه‌ای به ارتقای بهداشت کمک می‌کند.

- برای توسعه‌ی کارآفرینی، می‌توانیم با بسته‌بندی مناسب، نان‌ها را به بازارها و مغازه‌های شهر ارائه کنیم. حتی برای رقابت با سایر محصولات مشابه، پیشنهاد پخت نان با طعم سبزی‌های معطر کوهی مطرح شد.

در نهایت، آن روز بعد از خوردن یک صبحانه‌ی مفصل با نان‌های گرم و خوش طعمی که مادر علیرضا برایمان پخته بود و احساس خرسندی از اینکه آموزش، همان‌گونه که انتظارش را داشتیم، پیش رفته بود، همراه با حس خوب بچه‌ها از یک تجربه‌ی یادگیری شیرین، به دبستان برگشتیم.



عتیقه‌های فضای مخفی

آموزش موزه‌ای چیست؟

موزه‌ها پیشینه‌ای چند صد ساله دارند. یکی از نخستین موزه‌ها، موزه‌ی خصوصی «شمولین» در آکسفورد انگلستان است که در سال ۱۶۸۳ بنیاد گذاشته شد. ایده‌ی ایجاد موزه‌های عمومی در سده‌ی هجدهم شکل گرفت. بازدیدکنندگان موزه‌ها در گام آغازین تأسیسشان بیشتر مردمان طبقه‌های مرفه و تحصیل کرده بودند و بسیار طول کشید تا پای مردمان «عادی» به موزه‌ها گشوده شود.

موزه و آموزش

توجه به آموزش در موزه، در ایده‌های نخستین برخی از مدیران موزه‌ها وجود داشته است. **جان کاتون دانا**، یکی از بنیادگذاران و مدیران موزه در آمریکا، بر آن بود که هر شیء باستانی یا اثر هنری، پیش از آنکه اثری تاریخی و هنری باشد، سندی هنری فرهنگی و اجتماعی است. برای همین، وظیفه‌ی موزه، در کنار نگهداری از این آثار، دادن آگاهی و آموزش به مردم است. استفاده از موزه به عنوان «مکان آموزش» به دهه‌ی سوم سده‌ی بیستم میلادی برمی گردد. در میانه‌ی رکود اقتصادی در آمریکا، کلاس‌های هنری و کارگاه‌هایی برای حمایت از بیکاران برپا شدند و بسیاری از موزه‌ها، به ویژه موزه‌های هنری، درهای خود را به رایگان به روی همگان گشودند. بدین گونه آموزش موزه‌ای، به ابتداترین شکل خود، با آموزش هنری در موزه‌های هنری آغاز شد. از دهه‌ی هفتاد میلادی، بسیاری از موزه‌ها در آلمان با رویکرد «موزه به عنوان مکانی برای آموزش فرهنگی»، به آموزش توجه بیشتری کردند و درهای خود را به روی مدرسه‌ها گشودند. از دهه‌ی هشتاد میلادی «آموزش موزه‌ای» به عنوان حوزه و رشته‌ای مستقل، جای خود را گشود و راه خود را به مدرسه‌ها باز کرد.

هدف‌های آموزشی

هدف از آموزش موزه‌ای صرفاً دادن اطلاعات نیست، بلکه بالا بردن سطح آگاهی شخصی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی فراگیرنده و ارتقای روابط و تعامل اجتماعی اوست. به طور کلی می‌توان هدف‌های زیر را در آموزش موزه‌ای برشمرد:

- درک و دریافت اشیا و پدیده‌ها از جنبه‌ها و زاویه‌های دیگر؛
- درک و شناخت ارتباط اشیا و پدیده‌ها با زندگی روزمره و شخصی؛
- جست‌وجو، کاوشگری، حدس زدن و مقایسه کردن؛

- چیزی را تجربه و آزمایش کردن؛

- چیزی را ساختن و پرداختن؛

- بیان احساس و برداشت شخصی در شکل‌های مختلف هنری؛

- ایجاد رابطه و تعامل با دیگران؛

- تقویت و ارتقای کودک در: توانمندی فرهنگی و میان فرهنگی، آگاهی تاریخی، توانمندی زبانی و بیانی، توانمندی در مهارت‌ها، و حس زیباشناختی.

موزه و مدرسه

کارشناسان و مربیان دریافته‌اند، موزه‌ها می‌توانند به عنوان مکان آموزشی برون‌مدرسه‌ای، به فراگیرندگان کمک کنند پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و مفاهیم ذهنی را بهتر درک کنند. فراگیرنده زمانی کنجکاو می‌شود و پرسش می‌کند که با موضوع ارتباط مستقیم برقرار کند و با آن به طور زنده درگیر باشد. برای همین، بعضی از موزه‌ها با ساختن نمونه‌ی دوم از اشیا (وسایل بدلی) به فراگیرندگان امکان می‌دهند با آن‌ها کنشگرانه روبه‌رو شود، آن‌ها را لمس کند یا به کار ببرند. برای نمونه، اگر فراآموزی که از لباس‌ها و زره‌های دوره‌ی هخامنشیان یا از مبلمان مربوط به دوره‌ی قاجار بازدید می‌کند، بتواند لباس آن دوره را بپوشد و از وسایل آن دوره استفاده کند، شیوه‌ی زندگی آن دوره و ارتباط طبیعی آن لباس‌ها و وسایل را با آن دوره‌ی تاریخی بهتر و عمیق‌تر درک و احساس خواهد کرد. این تجربه‌ی یگانه هیچ‌گاه از ذهن او زوده نخواهد شد. این شیوه‌ی عملی بازدید از موزه‌ها، فراآموزان را به پرسشگری و گفت‌وگو درباره‌ی اشیا، مفاهیم و کاربردهای برمی‌انگیزد.

وجود موزه‌های گوناگون کودکان مانند موزه‌ی اسباب‌بازی، پوشاک، عروسک و جز آن و وجود بخش کودک در برخی از موزه‌ها، در بیشتر

کشورهای جهان، از جمله ایران و نیز همکاران موزه و مدرسه، نشانه‌ی توجه به گذشته‌ی فرهنگی جامعه و اهمیت آن برای کودکان است.

موزه و کودک

در آموزش موزه‌ای برای کودکان، کودک در مرکز برنامه‌ها قرار دارد، نه اشیاء و وسایل. کودک زمانی یک چیز نو را خواهد آموخت که: بتواند رابطه‌ی میان آن را با دیگر موارد و ارتباط همه‌ی آن‌ها را با زندگی روزمره‌ی خود بیابد و امکان و فرصت داشته باشد خودش این رابطه‌ها را کشف کند. سپس بتواند با چیزها و پدیده‌ها رابطه‌ی شخصی برقرار کند.

کودک و نوجوان در موزه ملی ایران

امروزه موزه و آموزش موزه‌ای تنها به موزه‌های رسمی و متعارف محدود نمی‌شود. نگارخانه‌های هنری، تالارهای نمایش، گنجینه‌های فرهنگی، بناها و آثار تاریخی، نمایشگاه‌های دائمی در هوای آزاد، آثار هنری در مکان‌های عمومی، باغ‌های گیاه‌شناسی و جانورشناسی، نمایشگاه جانوران و گیاهان آبی، کتابخانه‌ها و مراکز اسناد و هر چه با فرهنگ و زندگی انسانی سروکار داشته باشد، در برنامه‌ی آموزش موزه‌ای قرار می‌گیرد. برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران آموزشی از این هم فراتر رفته و برآنند که باید موزه‌های ویژه‌ی کودکان برپا کرد. موزه‌هایی که کودکان بتوانند در آن‌ها آزادانه به تماشا و گردش بپردازند، اشیاء و وسایل به نمایش گذاشته شده را بی‌هیچ هراسی لمس و در جهت کاربردشان استفاده کنند و حتی بتوانند آن‌ها را بسازند و شاید به عنوان یادگاری با خود به خانه ببرند. این در حالی است که در بسیاری از کشورها، به‌ویژه در ایران، به جز در پایتخت و شهرهای بزرگ، موزه‌های متنوع و تخصصی وجود ندارد، چه برسد به موزه‌ی کودک. از این رو بسیاری از آموزشگران برپایی موزه‌ی کودک را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

موزه‌ی کودک موزه‌ای است که هم از نظر نوع فضا و هم به لحاظ اشیاء، موضوع‌ها و شیوه‌های آموزش، ویژه‌ی کودکان ساخته شده است و هدفش ایجاد کنجکاوی و بیدار کردن روح خلاقیت در آن‌ها، فراهم‌سازی امکانات برای تجربه‌ی شخصی و عملی و نیز علاقه‌مند کردن آن‌ها به مسائل اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و علمی است. محیطی که به‌عنوان موزه برای کودکان طراحی می‌شود، باید فضاهای طبیعی داشته باشد و عناصری طبیعی همچون درخت و موجودات زنده در آن پیش‌بینی شده باشند. موزه‌ی کودک باید فضاهای باز و گسترده داشته باشد تا کودکان بتوانند در آن تحرک داشته باشند و به آسانی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. همچنین، باید فضایی برای ماجراجویی داشته باشد؛ فضایی که قدرت تخیل را تقویت کند. بچه‌ها عاشق فضاهای مخفی هستند. فضاهایی که در آن استقلال شخصی‌شان را رشد دهند. اگر بپذیریم که بازی یکی از مهم‌ترین

فعالیت‌های کودک است، موزه‌ی کودک باید ساختارها و امکانات بازی را دارا باشد. نخستین موزه‌ی کودک در ایران، با نام «موزه‌ی تاریخ» در سال ۱۳۶۵ به ابتکار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در تهران بنیاد نهاده شد. در این موزه، کودکان از طریق صدا، نورپردازی‌های خاص، پخش فیلم و اسلاید و در قالب تابلوهای نقاشی و گرافیکی و نمونه‌سازی آثار تاریخی، به روش‌های نمایش خلاق و گفت‌وگو و پرسش و پاسخ، با آثار و مفاهیم تاریخی آشنا می‌شوند. هم‌اینک در برخی از شهرهای کشورمان نیز موزه‌های کودک برپا شده‌اند. این روند در حال گسترش است، به گونه‌ای که موزه‌های کودک جدیدی با نام‌ها و موضوع‌های تازه به آن‌ها افزوده می‌شوند؛ مانند موزه‌ی «کودک و طبیعت»، «باغ موزه‌ی کودک»، «موزه‌ی دوستدار کودک» و جز آن. با این امید که با حمایت کارگزاران و سیاستگذاران فرهنگی، این حرکت سراسری شود.



یه روز خوب

معرفی گزیده فیلم‌های
جشنواره بین‌المللی فیلم
رشد با موضوع تقویت
مهارت‌های معلمی

عنوان فیلم: یه روز خوب
کارگردان: سوسن سلامت
قالب: داستانی
مدت زمان: ۳ دقیقه

مخاطب فیلم

این فیلم برای تماشای مدیران، معاونان،
آموزگاران و مربیان محترم مدرسه
و همچنین برای پخش در کلاس‌های
دوره‌ی ابتدایی توصیه می‌شود.

خلاصه فیلم

روز معلم است و دانش‌آموزان کلاس برای
آموزگار خود هدیه آورده‌اند. آقا معلم که
دو عدد کیف به عنوان هدیه دریافت
کرده است، از بچه‌های کلاس می‌خواهد
همگی نام خود را روی کاغذ بنویسند
تا کیف دوم را به صورت قرعه به یکی
از بچه‌های کلاس هدیه بدهد. اتفاقاً
قرعه به نام یکی از دانش‌آموزان
کم بضاعت کلاس که وضعیت
مالی خوبی ندارد، می‌افتد.



فرهنگیان محترم، اولیای گرامی و متولیان ارجمند آموزش و پرورش برای تهیه فیلم‌های معرفی شده می‌توانند به یکی از روش‌های زیر اقدام کنند:

الف) تماس با شماره تلفن ۵۵۸۶۱-۸۸۳-۰۲۱ (گروه تولید فیلم‌های آموزشی).

ب) ارسال درخواست کتبی از طریق نشانی الکترونیکی goroohonari@gmail.com (با ذکر نام، شماره تلفن، کدپستی و نشانی دقیق).

ج) مراجعه حضوری به این نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، طبقه دوم، گروه توسعه و تولید رسانه‌های شنیداری و دیداری.

• زبوسیدنی‌های این روزگار یکی هم بود دست آموزگار

سال‌هاست که یکی از روزهای تقویم در اردیبهشت‌ماه به نامی مقدس و محترم مزین است؛ به نام معلم! روزی که قلب همه دانش‌آموزان طور دیگری برای آموزگاران و معلمانشان می‌تپد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در روز دوازدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۸، استاد مرتضی مطهری که روحانی عالم، فهیم و حقیقتاً معلم بزرگ و آگاهی بود، به دست گروه فرقان به شهادت رسید. از آن پس به یاد او این روز را روز معلم نام گذاشته‌اند، روزی برای پاسداشت مقام شامخ انسان‌هایی که عمر شریف خود را وقف آموختن به دیگران می‌کنند. مقام آموزش و آموختن به کسانی که نمی‌دانند، در دین مبین اسلام مقامی بس بزرگ و محترم است. در آیات ۱ تا ۵ سوره مبارکه‌ی علق در این خصوص آمده است: «بخوان به نام پروردگارت که آفرید. انسان را از علق آفرید. بخوان و پروردگار تو کریم‌ترین [کریمان] است. همان کس که به وسیله‌ی قلم آموخت؛ آموخت به انسان آنچه را نمی‌دانست.» در این آیات آسمانی، خداوند را «معلم» می‌خواند و جالب این‌که معلم بودن خود را بعد از آفرینش، پیچیده‌ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان، آورده است.

• حکایت «یه روز خوب» و دلنشین!

فیلم خیلی کوتاه «یه روز خوب» در قالب داستان یکی از فیلم‌های موفق است که نمایش آن در دوره‌ی ابتدایی خالی از لطف نیست. کارگردان این اثر خانم **سوسن سلامت** است. در این فیلم کوتاه سه دقیقه‌ای، حداقل با سه موضوع و ارزش انسانی روبه‌رو هستیم که در نهایت تصویری زیبا از جهان خیر و نیکی را بر پرده‌ی حافظه‌ها ثبت می‌کند و به یادگار می‌گذارد. اولین موضوع این فیلم کوتاه، توجه به روز معلم و گرامیداشت مقام معلم است. دانش‌آموزان و حتی بزرگ‌ترها با دیدن این فیلم متوجه می‌شوند روز معلم روز خاصی است و می‌توانند با کارهایی کوچک و ساده، مثل تزئین در و دیوار کلاس درس و تخته سیاه، فضایی شاد و مفرح ایجاد کرد؛ فضایی که بچه‌ها آن را دوست دارند و از آن لذت می‌برند. این شاید حداقل کاری است که اولیای دانش‌آموزان ابتدایی می‌توانند به فرزندان خود بیاموزند و برای آموزگاران مدرسه انجام دهند. هنوز هم هستند اولیایی که عصر روز قبل از روز معلم، با هماهنگی مدیر به مدرسه می‌روند و کلاس درس را برای روز معلم تزئین می‌کنند تا دانش‌آموزان با به جای آوردن رسم احترام و تشکر از آموزگار خود، روزی شاد و به یادماندنی را در قاب خاطره‌ها رقم بزنند. دومین موضوعی که مخاطب را به ستایش مقام الهی آموزگاران و معلمان وا می‌دارد، بخشش و کرم آموزگار کلاس در قبال هدیه‌هایی است که از دانش‌آموزان دریافت می‌کند. معلم در بین هدیه‌ها دو عدد

کیف دریافت می‌کند. همان‌جا به بچه‌ها اعلام می‌کند می‌خواهد یکی از دو کیف را به قید قرعه به خود دانش‌آموزان هدیه کند. از این‌رو، از بچه‌ها می‌خواهد همگی نام خود را روی یک تکه کاغذ بنویسند و در کیسه بیندازند تا قرعه‌کشی کنند. این کار انجام می‌شود و معلم هدیه‌اش را به یکی از دانش‌آموزان هدیه می‌دهد. سومین ارزش انسانی نهفته در فیلم، شاید از آن دو موضوع قبلی هم مهم‌تر و بارزتر باشد. دانش‌آموزان به حرف آموزگار خود گوش می‌کنند و روی تکه‌ای کاغذ، اسم‌ها را می‌نویسند و در کیسه می‌اندازند. کیف به دانش‌آموز بی‌بضاعتی به نام رسولی می‌رسد. زنگ خانه به صدا درمی‌آید و دانش‌آموز رسولی، کتاب‌هایش را از میان کیسه‌ای که به‌عنوان کیف استفاده می‌کند، بیرون می‌آورد و طعم شیرین کیف داشتن را می‌چشد. بچه‌ها می‌روند، در حالی که همه خوشحال هستند؛ هم رسولی و هم بقیه‌ی دانش‌آموزان! اما شادمانی هم‌کلاسی‌های رسولی از راز پنهان است که نه آموزگار از آن اطلاع دارد و نه خود رسولی! هم‌کلاسی‌های رسولی با قلب‌های کوچکشان کار بزرگی کرده‌اند که حتی آقا معلم هم از آن خبر ندارد. بچه‌ها می‌روند و بالاخره آقا معلم به راز آن‌ها پی می‌برد؛ رازی که این‌بار آقا معلم را در جایش می‌خکوب می‌کند. همه‌ی بچه‌های کلاس، به جای نام خود، نام رسولی را در برگه‌ها نوشته‌اند و با این کار خود گل کاشته‌اند؛ شاید این‌بار بچه‌ها معلم کلاس می‌شوند و آقا معلم دانش‌آموز کلاس! دانش‌آموزانی که حس نوع‌دوستی و کمک به دوست بی‌بضاعت خود را از رفتار سخاوتمندانه‌ی آموزگار خود آموخته‌اند. «یه روز خوب» یکی از آثار راه‌یافته به بخش مسابقه‌ی چهل و چهارمین جشنواره‌ی بین‌المللی فیلم رشد است که در کنار پرداختن به روز مهمی همچون روز معلم، به پاسداشت نوع‌دوستی و ارزش‌های مهم انسانی نیز اشاره کرده است.

معرفی کارگردان

سوسن سلامت در رشته‌ی کارگردانی سینما تحصیل و از سال ۱۳۸۳ فعالیت‌های هنری خود را آغاز کرده است. او به غیر از کارگردانی فیلم «یه روز خوب»، کارگردانی فیلم‌های دیگری از جمله «خانه امن نیست» و «ماهی‌ها نام ندارند» را نیز در کارنامه‌ی هنری خود دارد. او توانسته است جایزه‌های متعددی را از جشنواره‌های داخلی و خارجی کسب کند. حضورش در بخش مسابقه‌ی جشنواره‌ی «insight HALF» هندوستان در آگوست ۲۰۱۴، و در بخش مسابقه‌ی جشنواره‌ی فیلم‌های ایرانی سانفرانسیسکو آمریکا (در سال ۱۳۹۳) از جمله موفقیت‌های اوست. سلامت همچنین در آذرماه ۱۳۹۵ به خاطر فیلم «یه روز خوب» از جشنواره‌ی «ژیروپلاس» روسیه جایزه دریافت کرده است.



فرایندهای پیرامون ما و آموزگار

سنگینی آموزش علوم در پایه‌ی ششم

دانش آموز پایه‌ی ششم آمادگی کاملی برای یادگیری از روشی غیرمستقیم و با آزمایش دارد. پژوهش در کنار آموزش، او را آماده‌ی حرکت می‌کند و آموزگار هم راهنمای او در این مسیر است. در کتاب ششم، مؤلفان کاوش‌هایی گنجانده‌اند تا دانش آموز علم را در عمل فرا گیرد. نقش آزمایش‌ها در کنار معلمی توانا، فرایند آموزش را کامل می‌کند. در این گفتار می‌کوشیم تا حدی این مسیر مهم را روشن سازیم و گوشه‌ای از زحمتهای آموزگار را بیان کنیم.

برخورد با پدیده‌ها

«زنگ علوم»، طبق معمول، عنوان درس اول است. کتاب می‌خواهد روش برخورد با پدیده‌های طبیعی را به دانش‌آموزان آموزش دهد. به همین دلیل، شروع درس با گزارش پوریا شروع می‌شود. این گزارش در هر زمینه‌ای می‌تواند باشد. در هر بخش می‌توان درس را با گزارش دانش‌آموزی شروع کرد که با هماهنگی آموزگار، موضوع گزارشی را متناسب با درس، به کلاس گزارش دهد.

برای بررسی هر مسئله به آزمایشی نیاز داریم تا شرایط طبیعی را برای بررسی پدیده‌ی مورد نظر آماده سازیم. سقوط یک شهاب‌سنگ، شبیه سقوط سنگ روی مقداری پودر گچ است. این جریان با انجام چند آزمایش بهتر درک می‌شود.

نکته‌ی مهم این است که دانش‌آموز برای بررسی هر پدیده‌ای دست به آزمایش بزند و پس از انجام آزمایش، اعداد به دست آمده را بررسی و در صورت نیاز برای داده‌ها و پدیده‌های متناسب نمودار رسم کند. یکی از دشواری‌های کار آموزگار دلسوز پایه‌ی ششم یادگیری بررسی نمودارهاست. محورهای افقی و قائم چه کمیت‌هایی را نشان می‌دهند و آیا این کمیت‌ها متناسب هستند یا با هم نسبت عکس دارند^۱.

فعالیت جالبی خواهد بود اگر روی یک سینی مقداری گل رس خیس بمالیم و از ارتفاع‌های متفاوت، توده‌های گلی با اندازه‌های متغیر رها کنیم تا سطح آن با برخوردهای متفاوت، شکل بگیرد. سپس این سینی را در آفتاب قرار دهیم تا خاک درون آن خشک شود و سطح خاک خشک شده را با سطح قمرهای مصنوعی و حتی سطح ماه مقایسه کنیم.

زحمت آموزگار خواهد بود اگر تناسب چند کمیت با هم را در کلاس برای دانش‌آموزان نمایش دهد. مثلاً تناسب تغییر طول فنر با وزن وزنه‌ی آویخته به آن و حتی رسم نمودار نیرو بر حسب تغییر طول فنر، یا بررسی مداری شامل چند باتری و یک لامپ و متناسب بودن نور لامپ با تعداد باتری‌های اضافه شده در مدار.

بازیافت

دو فصل دوم و سوم کتاب، فرایندهای شیمیایی و مواد شیمیایی را در قالب تولید کاغذ و بازیافت مجدد آن بیان می‌کنند. در حین فرایند تهیه‌ی کاغذ توسط دانش‌آموز، آزمایش‌هایی باید انجام شود، مانند رنگ‌زدایی از خمیر کاغذ که به ویژگی مهم آب‌اکسیژنه می‌پردازد و آموزش را در حین آزمایش انجام می‌دهد^۲.

در کنار آموزش تولید کاغذ در کارخانه و کلاس، می‌توان به تولید صابون هم دست زد که هم فال است و هم تماشا؛ هم یک فرایند شیمیایی را بررسی کرده‌ایم و هم تولید یک ماده‌ی شیمیایی مفید را به دانش‌آموزان آموزش داده‌ایم؛ درست مانند کاغذ که به آن مواد مناسبی اضافه کردیم تا کاربردهای متفاوتی پیدا کند، در مورد صابون نیز چنین است. مواد متفاوتی مانند عطر، نمک و حتی مواد ضد قارچ را به آن اضافه می‌کنند تا صابون‌های متفاوتی به دست آورند. در هر صورت، ساخت صابون با مقداری چربی و اضافه کردن سود سوزآور به آن، فرایندی هیجان‌انگیز است.

تقسیم مواد جامد به رسانا و نارسانا، مایعات به اسید و باز، و گازها به گازهای نجیب و ... نوعی دسته‌بندی علمی است که دانش‌آموز در آینده نزدیک با آن روبه‌رو خواهد شد. بسیار کاربردی است



مشابه کوه اورست که از برخورد هند به آسیا تشکیل شده است. در بخش زمین پویا، باید برای دانش آموز رابطه‌ی بین زلزله و آتش فشان‌ها را به‌درستی توضیح داد. برای مثال، می‌توان یک ظرف شیر داغ را سر کلاس آورد و به آن مجال داد تا خنک شود. شیر در حین خنک شدن رویه می‌بندد و پستی و بلندی‌هایی ایجاد می‌کند که مشابه تشکیل کوه‌ها در کره‌ی زمین است. اگر روی رویه‌ی در حال سفت شدن، دو تکه پلاستیک قرار دهید، حتی حرکت صفحات قاره‌ای را نیز می‌توانید ملاحظه کنید.

در دو بخش ورزش و نیرو، نیروی بین دو جسم بررسی می‌شود. مفهوم نیرو یکی از مهم‌ترین مفاهیم فیزیکی است. ذکر این نکته و تأکید بر آنکه نیرو برهم‌کنش بین دو جسم است، بسیار مهم است. با درک آن بسیاری از اشکالات در این زمینه برطرف خواهند شد.

نیروی جاذبه

پس از بررسی این نکته، به تأثیر نیرو بر جسم می‌پردازیم. برای مثال، اثر نیروی جاذبه‌ی وارد بر یک جسم، باعث سقوط جسم می‌شود. یا در هنگام هد زدن، با اینکه نیروی وارد بر توپ و سر بازیکن یکسان است، ولی تأثیری که بر هر یک دارد، متفاوت است. نیروی وارد بر توپ باعث تغییر شکل توپ و نیروی وارد بر سر بازیکن باعث ایجاد درد در سر می‌شود.^۴ صفحه‌ی ۵۲ کتاب، در بحث کاوشگری، برآیند نیروهای وارد بر جسم را با وزنه‌های آویزان در دو طرف جسم بیان کرده است.

می‌توان تمام قوانین نیوتن را بدون ذکر نام قانون اول، دوم یا سوم، روی همین گاری که از دو طرف کشیده می‌شود، انجام داد. برای مثال، اگر دو وزنه در طرفین گاری یکی باشد، حرکت آن چگونه خواهد بود؟ نیروی اصطکاک در حین حرکت گاری در کدام جهت است؟

در بخش دوم، نیروهای غیرتماسی بیان شده است. نیروهای گرانشی، الکتریکی و مغناطیسی از نوع نیروهایی هستند که از

که دانش آموز در عمل با این دسته‌بندی‌ها آشنا شود. برای مثال، در سال‌های قبل، با مدارهای الکتریکی آشنا شد. کتاب با استفاده از این مدارها مواد رسانا را از نارسا جدا می‌کند. آموزگار محترم هم می‌تواند با سوهان زدن به یک قطعه فولاد یا با نمایش ظروف قلم‌کاری شده، به خاصیت چکش‌خواری فلزات اشاره کند.

در مورد اسیدها و بازها ذکر این نکته ضروری است که اگر چند برگ کلم بنفش را خوب بکوبید و آب آن را بگیرید، می‌توانید از این محلول به‌عنوان آشکارساز اسیدها و بازها استفاده کنید؛ همان‌گونه که در کتاب از آب‌لیمو به‌عنوان یک اسید نام برده می‌شود. در صورتی که مقداری از آب کلم در آب‌لیمو بریزید، به رنگ قرمز درمی‌آید که آشکارساز اسید است. اگر مقداری پودر لباس‌شویی را در آب حل کنید، محلولی بازی خواهید داشت. اگر آب کلم را به آن اضافه کنید، به رنگ سبز در خواهد آمد.^۳ بنابراین، معلم سال ششم فرصت خوبی برای علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به علم شیمی دارد. در دو درس بعدی، کتاب به بررسی زمین و ساختار آن می‌پردازد. ساخت ماکتی از زمین و رنگ‌آمیزی قسمت‌های گوناگون کره در کلاس درس باعث می‌شود این موضوع از یک مفهوم حفظی صرف خارج شود. برای نشان دادن امواج لرزه‌ای می‌توان یک میله‌ی فلزی را به جلوی یک بلندگو چسباند و انتهای دیگرش را به ماکت یک ساختمان متصل کرد. با بلند کردن صدای بلندگو، ارتعاش ساختمان بیشتر می‌شود و وضعیتی مشابه زلزله پیش می‌آید.

می‌توان روی دو ورقه‌ی مقوا دو سنگ کره را رسم کرد و سپس مقواها را کنار هم داد و از دو طرف به آن‌ها نیرو وارد کرد. قسمت‌هایی از مقوا که نشان‌دهنده‌ی کوه‌ها هستند، مقداری بالا می‌آیند؛ درست



بگیرند، با تغییر شکل و وضعیت دست، نیروی متفاوتی به دست وارد می‌شود؛ در حالتی که باعث می‌شود دست رو به بالا حرکت کند.^۸

در فصل نهم به بررسی انرژی پرداخته می‌شود. جا انداختن این نکته برای دانش‌آموز مهم است که منشأ تمام انرژی‌ها در کره‌ی زمین به خورشید باز می‌گردد. بخشی از انرژی خورشید به انرژی جنبشی و بخش دیگر آن به انرژی پتانسیل تبدیل می‌شود. آموزگار محترم به خاطر داشته باشد که سه نوع انرژی پتانسیل داریم که کتاب برای هر یک آزمایش‌هایی را ذکر کرده است؛ انرژی پتانسیل گرانشی^۹، انرژی پتانسیل کشسانی فنر^{۱۰} و انرژی پتانسیل الکتریکی. انرژی پتانسیل الکتریکی نوع دیگری از انرژی پتانسیل است که برای انجام آزمایشی در مورد آن می‌توان از یک باتری ۹ ولت استفاده کرد. به دو سر این باتری دو تکه سیم متصل کنید. با اتصال دو سر سیم به یکدیگر، بین دو سیم جرقه‌ای تولید می‌شود که انرژی الکتریکی ذخیره شده در جسم را نشان می‌دهد. اگر دور آن مقداری سیم نازک ظرف‌شویی قرار دهید، می‌توانید آن را آتش بزنید.^{۱۱} تبدیل واحد کالری به ژول را باید به‌درستی به دانش‌آموز آموزش داد و کاربردهای آن را برایش برشمرد.^{۱۲}

برش سلولی

در فصل‌های دهم و کار با میکروسکوپ باید بتوان توجه دانش‌آموز را به تفاوت دو نوع سلول گیاهی و جانوری جلب کرد. سلول‌های گیاهی مانند یک برش از پیاز که در زیر میکروسکوپ مشاهده می‌شود، با یک سلول جانوری که می‌تواند تکه‌ای گوشت باشد، متفاوت است. تفاوت یاخته‌های گیاهی و جانوری نیز اهمیت دارد که اولی منظم‌تر و دومی بی‌نظم است؛ ولی از نظر اندازه به هم شبیه هستند.

بررسی برگ و کار آن در تهیه‌ی اکسیژن و در اصطلاح ریه‌های کره‌ی زمین، از موارد مهم فصل یازدهم است. آزمایش‌های ارائه شده بسیار خوب و دقیق هستند. در پدیده‌ی فتوسنتز، انرژی نورانی خورشید به انرژی شیمیایی تبدیل و در گیاه به صورت‌های متفاوتی ذخیره می‌شود. آموزش این نکته اهمیت دارد که تنها گیاهان هستند که می‌توانند این فرایند را انجام دهند. محل انجام این فرایند هم سبزینه^{۱۳} است. درون سبزینه هم، رنگ‌های متفاوت نور در سبزینه‌های متفاوتی جذب می‌شوند. می‌توان نور را در یک منشور تجزیه کرد تا دانش‌آموزان رنگ‌های متفاوت آن را مشاهده کنند. آزمایش‌ها نشان می‌دهند طول موج نور، شدت نور و میزان تابش بر فتوسنتز اثر دارند. افزایش گاز کربنیک نیز در این فرایند مؤثر است. به همین دلیل است که در بعضی باغ‌ها آتش برپا می‌کنند تا گیاهان به گاز کربنیک بیشتری

فاصله‌ی دور هم بر یکدیگر نیرو وارد می‌کنند. بازی با آهن‌ربا دو نوع نیروی دافعه و جاذبه را نمایش می‌دهد. در میانه‌ی این فصل، تفاوت وزن و جرم بیان می‌شود. جرم را با ترازوی دو کفه‌ای و وزن را با ترازوی فنری اندازه می‌گیرند.^{۱۴}

تفاوت بعدی این است که وزن جهت دارد، ولی جرم جهت ندارد و فقط اندازه دارد.

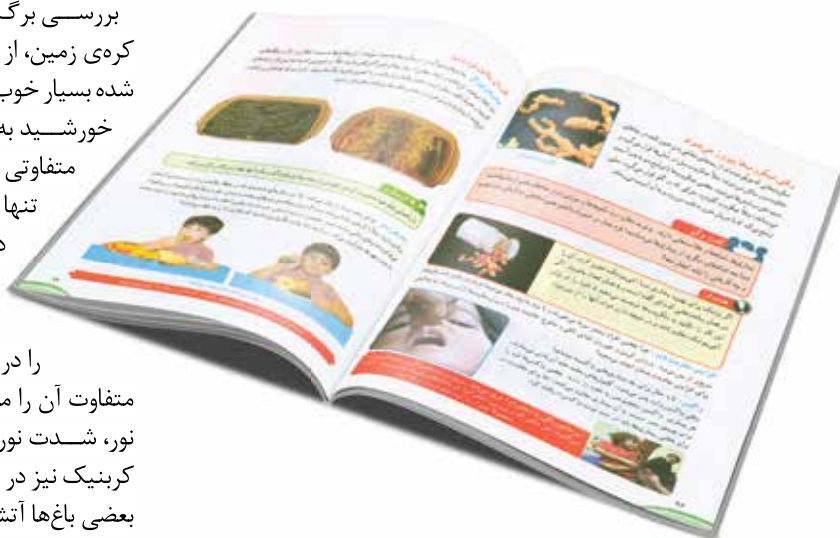
نیروی اصطکاک از نوع تماسی بین دو جسم است و به جنس سطح تماس بستگی دارد. علاوه بر اینکه اصطکاک مانع حرکت جسم روی سطح می‌شود، باید توجه داشت اگر اصطکاک به اندازه‌ی کافی نباشد، جسم نمی‌تواند روی سطح حرکت کند. به عبارت دیگر، امکان راه رفتن روی سطح زمین، به دلیل وجود نیروی اصطکاک است. دقت در راه رفتن این نکته را به‌خوبی نشان می‌دهد.^{۱۵}

نمایش وابستگی اصطکاک بین سطح دو جسم، فرق بین گرهی است که با یک نخ پنبه‌ای می‌زنید با گرهی که با نخ ابریشمی نخ دندان می‌زنید. اگر تجربه کنید، نخ دندان به راحتی باز می‌شود، ولی گرهِ نخ پنبه‌ای به راحتی باز نمی‌شود. کافی است یک بار امتحان کنید!

آزمایش صفحه‌ی ۶۰ نشان می‌دهد اصطکاک غلتشی از اصطکاک لغزشی بسیار کمتر است. اصطکاک سیالات^{۱۶} خیلی به سرعت نسبی جسم و سیال بستگی دارد. برای مثال، آبی که چنین نرم به نظر می‌رسد، در سرعت‌های بالا بسیار سخت به نظر می‌رسد. برخورد قایق‌های موتوری پرسرعت با سطح آب را تجربه کرده‌اید؟

عامل پرواز

در آخرین قسمت این فصل، نیروی برنولی بررسی می‌شود که عاملی مهم در پرواز است. اگر بچه‌ها دستشان را مقابل باد یک پنکه



دسترسی داشته باشند. گیاهان در روز گاز کربنیک را به اکسیژن تبدیل می کنند و در طول شب برعکس.

چرخه غذایی

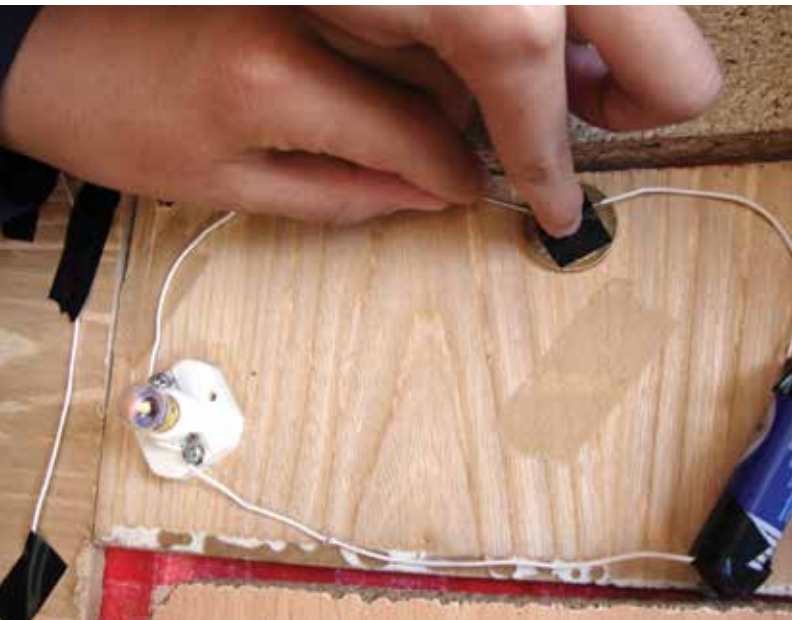
درس دوازدهم کتاب به زنجیره های غذایی در طبیعت می پردازد. تهیه ی یک ماکت به صورت مثلث در کلاس و نوشتن و قرار دادن تصویری از گیاهان و جانوران در این زنجیره ی غذایی، برای دانش آموز بسیار مهم است.

بهرتر است در مورد نقش انسان در تغییر این زنجیره در کلاس بحث شود و به از بین بردن زیستگاه ها و تأثیر آن در زندگی گیاهان، جانوران و حتی خود انسان ها توجه شود. چگونگی حفظ محیط زیست را باید برای همه ی کودکان توضیح داد.

در فصل سیزدهم، تفاوت بیماری ها و دسته بندی هر یک بسیار مهم است. تفاوت بیماری های واگیردار و غیرواگیردار را دانش آموز باید به خوبی فرا گیرد و بیاموزد که با هر یک چگونه برخورد کند و چه کارهایی انجام دهد. آموزش درست مصرف کردن داروها و آنتی بیوتیک ها برای همه و به خصوص دانش آموز، اهمیت دارد.^{۱۴} رفتار غذایی مناسب و خوردن غذای مناسب و مورد نیاز بدن و جلوگیری از سوء تغذیه^{۱۵}، پرهیز از خوردن بیش از حد فست فود و رو آوردن به رژیم سالم غذایی را می توان روی ماکت هایی درست کرد و در کلاس درس آویخت. پرهیز از مصرف بیش از حد چربی، نمک و شیرینی و تغییر ذائقه، کاری است که باید از خانواده شروع شود. سپس معلم در کلاس درس آن را کامل کند. درست نشستن پشت میز و برداشتن اجسام سنگین، در فاصله ی مناسب نشستن از تلویزیون و استفاده ی درست از بازی های رایانه ای بسیار مهم است.^{۱۶} ورزش کردن به صورت مداوم نیز از مواردی است که همواره باید مورد تأکید آموزگار باشد و آن را فدای هیچ درس دیگری نکند.^{۱۷} در فصل آخر به دنیای مهم ارتباطات پرداخته شده است. می توان تاریخچه ی خوبی از آن را بررسی کرد. به فرایند قطع و وصل دود حاصل از آتش، یا صدای طبل اشاره کنید. حتی در ایران باستان سیستم چاپاری وجود داشته است که در کمتر از چند روز خبرها را از مرزها تا مرکز امپراتوری منتقل می کرده است. امروزه با وجود ماهواره ها که در اطراف کره ی زمین قرار گرفته اند، جهانیان می توانند در هر لحظه، خبرهای دورترین نقطه ها را هم بشنوند و بدانند.

پی نوشت ها

۱. شیب نمودار را فقط برای دانش آموزان علاقه مند می توان توضیح داد.
۲. دانش آموزان می توانند در یک فعالیت گروهی با خمیر کاغذ برای کلاس یک سطل زباله بسازند و آن را به دلخواه رنگ کنند.
۳. از آب نارنگی یا پرتقال به عنوان اسید و از مایع صابون و یا محلول جوش شیرین به عنوان باز و از آب گل سرخ نیز به عنوان آشکارساز استفاده کنید.
۴. مثالی دیگر این است. اگر در زمین اسکیت، پدر و پسر ی یکدیگر را هل دهند،



با اینکه نیروی بین پدر و پسر یکسان است، ولی هر کدام که جرمشان کمتر باشد، شتاب بیشتری دارند.

۵. اگر ترازوی دو کفه ای را در دست بگیریم و آن را بالا و پایین ببریم، تغییری در اندازه گیری رخ نمی دهد، در صورتی که اگر ترازوی فنری در دست داشته باشید، با بالا یا پایین بردن دست، مقدار وزنی که ترازو نشان می دهد، متفاوت خواهد بود. ۶. اگر یک ماشین اصطکاک کافی نداشته باشد، اصلاً از جای خود تکان نمی خورد. این را همگی تجربه کرده ایم.

۷. سیال به گاز یا مایع می گویند.

۸. در تهران و شهرهای بزرگ، در بازدید از پارک های فناوری، چگونگی وضعیت بال ها و دم های هواپیما را می توانید ببینید. در مناطقی که امکان این کار وجود ندارد، می توان فیلمی از آن ها را برای بچه ها نمایش داد.

۹. انرژی پتانسیل مربوط به افتادن جسم را گویند که در صفحه ی ۷۲ در کاوشگر در مورد آن بحث شده است.

۱۰. انرژی ذخیره شده در فنر که در صفحه های ۷۳ تا ۷۵ چندین آزمایش در مورد آن آمده است.

۱۱. فندک هایی هم که بدون داشتن گاز تولید جرقه می کنند، انرژی پتانسیل الکتریکی تولید می کنند.

۱۲. جدول هایی در کتاب های تغذیه وجود دارد که کالری مواد غذایی در آن مشخص شده است. اگر انرژی مصرف شده برای یک کیلومتر پیاده روی را بدانید، می توانید مشخص کنید مثلاً با خوردن یک شکلات چقدر باید پیاده روی کنید تا انرژی آن مصرف شود.

۱۳. کلروپلاست.

۱۴. امروزه مقاومت باکتری ها در مقابل آنتی بیوتیک ها یک معضل جهانی است.

۱۵. توجه کنید سوءتغذیه فقط به نداشتن بضاعت مالی مربوط نیست، بلکه بسیاری از کسانی که بضاعت مالی دارند هم دچار این مشکل هستند. درواقع نمی دانند چه چیزی را یا چگونه، بخورند.

۱۶. درباره ی نمونه های تخریبی این رفتارها در بازی های رایانه ای باید در کلاس بحث کرد.

۱۷. گاهی اوقات بعضی همکاران، درس های ریاضی یا علوم را جایگزین ورزش می کنند.

والد سوم

بررسی نقش‌های آموزگار

یکی از نقش‌های اصلی آموزگار در کلاس، دادن اطلاعات به دانش‌آموزان است، به نحوی که آن‌ها به خوبی یاد بگیرند. برای تحقق این هدف، آموزگاران باید طرح درس آماده کنند، کار دانش‌آموزان را ارزیابی کنند و به آن‌ها بازخورد بدهند. آموزگار بعد از دانش‌آموختگی از دانشگاه و با حضور در کلاس واقعی و کسب تجربه، به آموزگاری حرفه‌ای تبدیل می‌شود. آموزگاران علاوه بر اطمینان از موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان، باید به عنوان جانشین والدین، مربی، مشاور و حتی سیاست‌مداران، در کلاس ایفای نقش کنند. تقریباً هیچ محدودیتی در ایفای نقش‌هایی که آموزگار می‌تواند بازی کند، وجود ندارد. در این نوشتار نقش‌های اساسی آموزگار ابتدایی را بررسی و فایده‌های آموزگار شدن را بیان می‌کنیم.

آموزگار به عنوان میانجی

گرچه آموزگار مانند والدین دانش‌آموز است، اما جزو خانواده‌ی واقعی او نیست. آموزش مستلزم برقراری ارتباط روزانه با خانواده‌ی دانش‌آموز است که از پیشرفت درسی تارفتار وی را شامل می‌شود. برخی از رایج‌ترین شکل‌های تعامل والدین با آموزگاران به صورت زیر است:

جلسه‌ی اولیا و مربیان
مطالعه‌ی گزارش پیشرفت تحصیلی
خواندن گزارش هفتگی
رایانامه، نامه

بالاخر از همه‌ی این موارد، آموزگاران باید در مورد انتخاب‌ها و تصمیم‌های خود به والدین توضیح دهند و وقتی بین دانش‌آموز و والدین ناسازگاری پیش می‌آید، واسطه‌ای برای آشتی دادن آن‌ها باشند. اگر والدین از اتفاقاتی که در کلاس درس افتاده است احساس رضایت نداشته باشند، آموزگار باید آماده‌ی دفاع از انتخاب‌های خود و دانش‌آموزانش باشد. آموزگاران باید در مورد نحوه‌ی برخورد با دانش‌آموزان تصمیم‌هایی آگاهانه و محکم اتخاذ کنند و قادر به توجیه آن‌ها باشند.

آموزگار به عنوان حامی

نقش آموزگار هر لحظه در حال تغییر است. آموزگاران باید بتوانند با توجه به شخصیت فردی هر دانش‌آموز، روش تدریس خود را تغییر دهند.

یک آموزگار مسئول به دانش‌آموزان خود توصیه می‌کند از دانشی که در دبستان می‌آموزند استفاده کنند تا به افراد ارزشمند جامعه تبدیل شوند. آموزگاران باید همیشه آگاه، اخلاق‌مند، منصف و متعهد باشند.

فایده‌های معلم شدن

● به اشتراک گذاشتن علاقه‌ها

آموزش برای شما بستری فراهم می‌کند که علاقه و تخصص خود را با دیگران به اشتراک بگذارید. هنگامی که شما رشته‌ی معلمی را می‌خوانید، فرصت بیشتری خواهید یافت تا مهارت‌های خود را توسعه دهید.

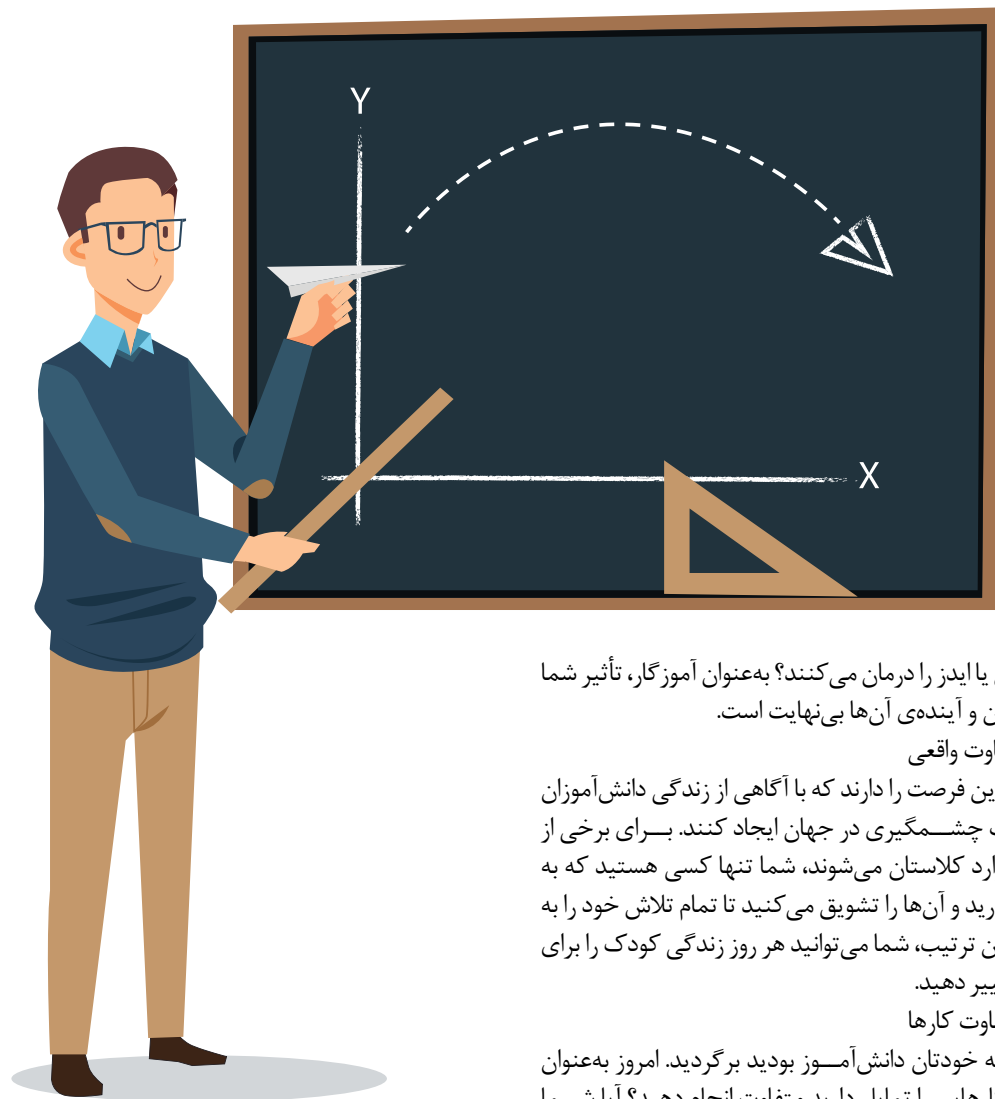
● الهام‌بخشی به دیگران

آموزگار شدن این امکان را به شما می‌دهد که در الهام‌بخشیدن به دیگران مؤثر باشید. همان‌طور که دانش و توجه خود را با دانش‌آموزان به اشتراک می‌گذارید، در اینکه آن‌ها چه کسی می‌شوند نیز تأثیر خواهید داشت. تصور کنید دانش‌آموزان شما دانشمندانی شوند که

آموزگار، والد سوم دانش‌آموز

آموزگاران در پیشرفت دانش‌آموزان خود نقش مهمی دارند. از آنجا که بخش قابل توجهی از ساختار روانی و شخصیت فردی و اجتماعی انسان در دوره‌ی ابتدایی شکل می‌گیرد، تجربه‌های کودک در این سال‌ها او را به فردی تبدیل می‌کند که در آینده می‌خواهد بشود. آموزگاران نقش پررنگی در اینکه دانش‌آموزان چه کسانی خواهند شد، دارند، آنان بخش بزرگی از زندگی دانش‌آموزان هستند و بسیاری از آموزگاران رابطه‌ی والدگری با دانش‌آموزانشان برقرار می‌کنند.

با توجه به طول مدت زمانی که دانش‌آموزان در مدرسه حضور دارند، در واقع آن‌ها چیزی بیشتر از ریاضیات، زبان فارسی و مطالعات اجتماعی از آموزگاران خود می‌آموزند. آن‌ها مهارت‌های اجتماعی را از شما می‌آموزند. برای مثال، یاد می‌گیرند چگونه با دیگران مهربان باشند و دوست پیدا کنند. چه زمانی مستقل باشند و چه زمانی درخواست کمک کنند و چگونه درست را از غلط تشخیص دهند؛ در واقع درس‌هایی از زندگی که والدین تمایل دارند فرزندانشان بیاموزند. در همه‌ی این موارد، دانش‌آموزان ابتدا از آموزگاران می‌آموزند.



روزی سرطان یا ایدز را درمان می کنند؟ به عنوان آموزگار، تأثیر شما بر دانش آموزان و آینده ی آن ها بی نهایت است.

● ایجاد تفاوت واقعی

آموزگاران این فرصت را دارند که با آگاهی از زندگی دانش آموزان خود، تفاوت چشمگیری در جهان ایجاد کنند. برای برخی از کودکان که وارد کلاستان می شوند، شما تنها کسی هستید که به آن ها ایمان دارید و آن ها را تشویق می کنید تا تمام تلاش خود را به کار برند. به این ترتیب، شما می توانید هر روز زندگی کودک را برای بهتر شدن تغییر دهید.

● انجام متفاوت کارها

به زمانی که خودتان دانش آموز بودید برگردید. امروز به عنوان آموزگار چه کارهایی را تمایل دارید متفاوت انجام دهید؟ آیا شما به هر دانش آموز کمک می کنید تا استعداد خودش را کشف کند؟ آیا زمان بیشتری را به گوش دادن اختصاص می دهید؟ به عنوان آموزگاری حرفه ای، می توانید برخی از تغییراتی را که آرزو می کردید در دوران مدرسه تجربه کرده باشید، در کلاس درس خود بگنجانید.

● امکان تغییر آینده ی آموزش

شما به عنوان آموزگار این فرصت را خواهید داشت که در انتخاب رشته ی تحصیلی دانش آموز نیز تأثیر بگذارید.

● تعلق به جامعه ی معلمان

در مدرسه های که هستید، شما در کنار بسیاری از مربیان واجد شرایط کار خواهید کرد. با پرورش یک محیط خلاق، حرفه ای و به اشتراک گذاری ایده ها، فرصت خواهید داشت بخشی از یک جامعه ی یادگیری پر جنب و جوش باشید.

● ساعات کاری ایده آل

اگرچه ممکن است بسیاری از شما تا ساعت ۳ یا ۴ بعدازظهر در مدرسه باشید، اما تابستان ها تعطیل هستید.

● شروع تازه در هر سال

از آنجا که شما در شروع هر سال تحصیلی با دانش آموزان جدیدی روبه رو خواهید شد، متوجه می شوید هر سال تحصیلی جدید با

شادی ها و چالش های متعددی روبه روست.

● انعطاف پذیری در حوزه ی کاری

گرایش های آموزش به طور مداوم در حال تغییرند. اگر شما فردی باشید که با گذشت زمان از پیشرفت خود لذت می برد، پس می توانید برای یادگیری مداوم و تلفیق گرایش های جدید در زمینه ی تدریس مناسب باشید.

منابع

1. Ryan, Mary, and Theresa Bourke. "The Teacher as Reflexive Professional: Making Visible the Excluded Discourse in Teacher Standards." *Discourse Studies in the Cultural Politics of Education*, Vol. 34, no. 3, 24 Aug. 2012, pp. 411-423. Taylor & Francis Online.
2. Taak Lanier, Judith. "Redefining the Role of the Teacher: It's a Multifaceted Profession." *Edutopia*, George Lucas Educational Foundation, 1 July 1997.
3. "What Kindergarten and Elementary School Teachers Do." U.S. Bureau of Labor Statistics Occupational Outlook Handbook, United States Department of Labor, 4 Sept. 2019.
4. <http://www.teachercertification.org/a/advantages-of-becoming-a-teacher.html>.



تدبیر مدرسه و اولیا در توسعه‌ی سواد خواندن

«مطالعه‌ی بین‌المللی پیشرفت سواد خواندن» (پرلز) برنامه‌ای ابتکاری برای ارزیابی توانایی خواندن کودکان در پایه‌ی چهارم ابتدایی است که تعدادی از کشورهای سراسر جهان در آن شرکت دارند. روندهای این مطالعه به فاصله‌ی هر پنج سال یکبار اندازه‌گیری می‌شوند. ما برای رسیدن به رتبه‌ی مناسب در این برنامه، باید به مدیران و آموزگاران خود اطلاع‌رسانی کنیم و راهکارهایی ارائه دهیم. یکی از راهکارهای موردتوجه، توسعه‌ی کتاب‌خوانی و ارتباط دادن متون کتاب‌های داستانی و علمی با تجربه‌های زیسته‌ی دانش‌آموزان است. نرگس رجایی در این مقاله به دنبال تبیین تجربه‌ها و فعالیت‌های خود در این زمینه است.

سنجش توانایی خواندن

پرلز مطالعه‌ای جهانی است که در پی آن، انجمن بین‌المللی ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، با هدف مطالعه‌ی سنجش توانایی خواندن و درک مطلب دانش‌آموزان، به دنبال آن است که متوجه شود آنان تا چه میزان می‌توانند شکل‌های گوناگون نوشتاری زبان (داستان، شعر، شعر ترجمه‌شده، لطیفه، متن اطلاعاتی، نمایش‌نامه و ...) را درک کنند، لایه‌های متفاوت متن‌ها را تمیز دهند، معنای متن‌های خوانده‌شده را تشخیص دهند و خود با سازنده‌گرایی معنای جدیدی برای آن‌ها خلق کنند و از خواندن به‌مثابه‌ی یک تجربه‌ی ادبی، برای به دست آوردن اطلاعات و استفاده از محتوای آن در زندگی روزمره بهره بگیرند. آنچه از دید پرلز مهم تلقی می‌شود، پایدار ماندن عنصر لذت و سرگرمی در خواندن است؛ چراکه کودکان از متونی که صرفاً برای امتحان خوانده می‌شود لذت نمی‌برند.

کشور ما و سواد خواندن

نتایج پرلز در سال‌های متمادی برگزاری نشان می‌دهد که دانش

آموزان شرکت‌کننده‌ی ما عملکرد ضعیفی، به‌ویژه در متن‌های اطلاعاتی (دانش عمومی)، داشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین نتایج پرلز در ایران، آگاه شدن مسئولان آموزشی از این موضوع بود که توان دانش‌آموزان ایرانی در متون ادبی (داستانی) بالاتر از متون اطلاعاتی (دانش عمومی) است.

خانواده و سواد خواندن

خانواده به‌طور طبیعی مهم‌ترین نقش را در زمینه‌سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد. پدر و مادر اولین معلمان بچه‌ها هستند. در گذشته والدین گمان می‌کردند با سپردن دانش‌آموز به مدرسه، دیگر خودشان نباید هیچ نقش یا مشارکتی داشته باشند! با گسترش ارتباط میان خانه و مدرسه، امروزه بسیاری از والدین علاقه‌مندند در خصوص یادگیری و عواملی که یادگیری را ممکن یا میزان آن را افزایش می‌دهد، مطالبی بدانند. حتی دانش‌آموزان مایل‌اند بدانند چگونه و در چه شرایطی یادگیری بهتر صورت می‌گیرد و چگونه می‌توانند از زمانی که در اختیار آن‌هاست، به مطلوب‌ترین صورت برای یادگیری بیشتر در زمینه‌های آموزشی



عکاس: داود ایزدپناه

و تربیتی استفاده کنند.

بی‌شک کودکان در خانواده‌هایی که به خواندن علاقه‌مندند و کتاب، مجله و... می‌خوانند، از نظر سواد خواندن، برتری بیشتری نسبت به سایر کودکان دارند. رویارویی کودکان با متن‌های چاپی، فعالیت‌های نوشتاری، نقاشی کردن درباره‌ی داستان‌ها و خواندن متن با صدای بلند از جمله فعالیت‌هایی هستند که می‌توانند در خانه و به کمک اعضای خانواده انجام شوند و عامل رشد و پیشرفت «سواد خواندن» باشند.

فعالیت‌هایی که در خارج از مدرسه می‌توانند به سواد خواندن بینجامند، متفاوت‌اند. خواندن مستقل کتاب‌ها و مجلات، بحث و گفت‌وگو با سایر اعضای خانواده در مورد مطالب خواندنی و عضویت در کتابخانه‌ی محل از جمله‌ی این فعالیت‌ها هستند.

پیشنهاد من برای توسعه‌ی سواد خواندن در مدرسه

اجرای برنامه‌های گسترده‌ی توسعه‌ی سواد خواندن در مدرسه به برنامه‌ریزی و پیش‌نیازهایی احتیاج دارد که نظارت بر تک‌تک آن‌ها باعث می‌شود به اهداف زیر برسیم.

- جلسه‌ی مدیر با آموزگاران و اعضای انجمن مدرسه در زمینه‌ی

اجرای طرح؛

- توجه به روش‌های تدریس آموزگاران و شرکت آنان در طرح درس پژوهی و معماری نوین آموزشی با رویکرد توسعه‌ی سواد خواندن؛

- توجه جدی به انجام فعالیت‌های کتاب‌های بنویسیم و نگارش؛
- فعال کردن کتابخانه‌ی مدرسه و تقویت و توجه ویژه به کتاب‌خانه‌های کلاسی؛

- شروع کلاس با شعری از بزرگان و شاعران کشور؛
- اجرای طرح توانمندسازی اولیای دانش‌آموزان از طریق جلسات مشاوره‌ای آموزش خانواده؛

- معرفی آزمون‌های تیمز و پرلز به اولیا؛
- توسعه‌ی فرهنگ کتاب‌خوانی و خلاصه‌نویسی کتاب و تشویق فعالیت‌های برتر؛

سخن نهایی

سال گذشته، اعضای تیم مدیریتی مدرسه، همراه آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان، چند ماهی را برای افزایش سواد خواندن، به‌ویژه در پایه‌های اول تا چهارم، تلاش کردیم. اجرای این برنامه‌ها، علاوه بر جذاب بودن و خارج کردن مدرسه از روزمرگی، توان علمی ما را بالا برد. همچنین، معرفی و مطالعه‌ی کتاب‌های شعر و داستان ما را به این واقعیت رساند که تاکنون از گنج بزرگی که میراث نویسندگان این سرزمین زیباست، غافل بوده‌ایم. یا نتوانسته‌ایم به روش‌های نوین از آن‌ها در مدرسه استفاده کنیم. شیرین‌تر از همه، همکاری مشتاقانه‌ی اولیا با برنامه‌های مدرسه بود. ما متوجه شدیم، اگر مدرسه برنامه‌های مدون و مشخص داشته باشد، علاوه بر اینکه اولیا به مدرسه اعتماد می‌کنند، مشتاقانه در حوزه‌های مالی و آموزشی نیز با آن همراه می‌شوند.

عکاس: امید شکری





موتوری که می‌خواهد روشن بماند

دانش‌آموزان دارای بیش‌فعالی- نقص توجه را بشناسیم

اختلال بیش‌فعالی- نقص (ADHD) توجه نوعی اختلال رفتاری رشدی است. فرد مبتلا توانایی دقت و تمرکز روی یک موضوع را ندارد و یادگیری او کند است. همچنین، فعالیت بدنی غیرمعمول و بسیار زیاد دارد. ۳ تا ۵ درصد کودکان به این اختلال مبتلا هستند و در پسرها شایع‌تر است. علائم این بیماری قبل از ۷ سالگی بروز می‌کند، ولی غالباً در دوران مدرسه با مشکلات جدی ایجاد می‌شوند. تجربه‌ی زیر، اختلال بیش‌فعالی همراه با نقص توجه را در یک دانش‌آموز پایه‌ی اول نشان می‌دهد. نویسندگان که معلم و دانشجوی دکترای روان‌شناسی هستند، راهکارهای عملی کنترل اختلال را معرفی می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: بیش‌فعالی، نقص توجه، اختلال رشدی

جمع‌آوری اطلاعات و تشخیص اولیه

توصیف‌های اولیه از رفتار این دانش‌آموز که در فرایند تدریس آموزگار، توجه دانش‌آموزان و همچنین فرایند یادگیری خود و سایر دانش‌آموزان اختلال شدیدی ایجاد کرده بود، ما را بر آن داشت در گام اول و هماهنگ با آموزگار و مدیر دبستان، با والدینش تماس بگیریم. مادر که خانمی در حدود بیست‌و‌هشت ساله بود، با دختر کوچک چهارساله‌اش به دفتر آموزشگاه مراجعه کرد. وقتی وضعیت رفتاری فرزندش را در کلاس درس و مدرسه برای او توضیح دادیم، احساس نگرانی کرد و در مورد رفتار و هیجانات پسرش در منزل و بیرون هم توضیح داد. از رفتارهای پسرش بسیار نگران بود. در مورد ارتباطش با همسرش پرسیدیم. ظاهراً آنچه پیش‌بینی کرده بودیم درست بود. وضعیت خانواده آشفته بود (که گاهی در مورد این خانواده‌ها دیده می‌شود). آن‌ها اکنون با پدربزرگ زندگی می‌کردند. پدربزرگ هم گاهی اوقات تحمل دانش‌آموز کوچک را نداشت. مادرش خیلی ناراحت بود، اما چاره‌ای نداشت، چون جایی برای زندگی نداشتند. در طول سه جلسه مشاوره با مادر دانش‌آموز، اطلاعات کاملی از ابتدای تولد دانش‌آموز تا امروز به دست آوردیم و توانستیم به جمع‌بندی اطلاعات بپردازیم. با این روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت عمیق (مطالعه‌ی موردی)، توانستیم در مورد اختلال رفتاری این دانش‌آموز به تشخیص مناسب برسیم.

نشانه‌های اولیه

در دفتر آموزشگاه، همکاران با هم صحبت و تجربه‌هایشان را رد و بدل می‌کردند. آموزگار جدید پایه‌ی اول از دانش‌آموزی صحبت می‌کرد که به گفته خودش به هیچ‌وجه توان کنترلش را نداشت. سرکلاس از میز خودش جدا می‌شود، دانش‌آموزان دیگر را اذیت می‌کند، کتاب‌ها و دفتر دانش‌آموزان و کتاب‌های خودش را خط‌خطی می‌کند و جالب‌تر آنکه به کیف خانم آموزگار دست می‌زند. نه تنها به تدریس توجه ندارد، بلکه در فرایند توجه سایر دانش‌آموزان و حتی در تدریس آموزگار اختلال ایجاد می‌کند.

آموزگار می‌گفت «این روزهای اول مدرسه، نتوانسته‌ام در فرایند تدریس موفق باشم. این دانش‌آموز اصلاً نمی‌تواند توجه خود را متمرکز کند. سالم به نظر می‌رسد، اما نمی‌دانم چگونه با او برخورد کنم! پرنرزی است و حتی تمرکز مرا به هم ریخته است. گاهی اوقات خیلی عصبانی می‌شوم. بدون اجازه از کلاس خارج می‌شود و درمقابل من معلم که به او توصیه می‌کنم منظم باشم، مقاومت می‌کند. در زنگ‌های تفریح با اکثر دانش‌آموزان دعوا می‌کند. بیشتر گریه می‌کند



می‌شود که باعث بروز این مشکل، و کاهش اعتمادبه نفس و احساس بی‌کفایتی در این کودکان می‌شود. ممکن است آن‌ها از مدرسه و اجتماع متنفر شوند.

کودکان طبیعی، به خاطر رفتارهای مناسب و موفقیت‌های تحصیلی و اجتماعی، زمینه‌ی زیادی برای تشویق شدن دارند. همین تشویق‌ها به پرورش عزت‌نفس در آن‌ها می‌انجامد، ولی کودکان دچار «ADHD» کمتر به این موفقیت‌ها دست می‌یابند. این کودکان ممکن است به صورت ثانویه دچار اختلالات ارتباطی، مشکلات تحصیلی، اضطراب و بزهکاری شوند. بعد از تشخیص، که مهم‌ترین فرایند درباره‌ی هر اختلال یا بیماری است، موضوع راهکارها و درمان مطرح می‌شود. درمان‌هایی که برای کودکان ADHD به کار می‌روند به چهار گروه تقسیم می‌شوند:

والدین باید این بیماری را به‌عنوان یک نقص خفیف در مراحل اولیه‌ی رشد مغز بدانند و کودک خود را فردی تنبل، شرور و فضول ندانند که اگر بخواهد می‌تواند رفتاری طبیعی داشته باشد، بلکه او را کودکی بدانند که تلاش می‌کند با ناتوانی خود (که خارج از کنترلش است)، کنار بیاید. مربیان و والدین باید درمقابل این بچه‌ها همواره روحیه‌ی با نشاط، شاداب و شوخ‌طبع خود را حفظ کنند. در مورد این اختلال که در طبقه‌ی فراگیر رشد قرار می‌گیرد. روان درمانی برای کودکان کم‌سن و سال چندان مؤثر نخواهد بود.

نکاتی درباره‌ی اختلال بیش‌فعالی - نقص توجه

مشکل اصلی کودکان مبتلا به اختلال بیش‌فعالی - نقص توجه (ADHD)، ناتوانی آن‌ها در حفظ و تنظیم رفتارشان است. در نتیجه غالباً نمی‌توانند:

- رفتار مناسبی که لحظه‌به‌لحظه با شرایط محیط هماهنگ باشد نشان دهند.

- خوابیدن و غذا خوردن آن‌ها منظم نیست.

- به نظر می‌رسد در همه چیز دخالت می‌کنند.

- از نظر هیجانی ثبات ندارند و رفتارشان غیرقابل پیش‌بینی است.

- در فعالیت‌های خطرناک شرکت می‌کنند و احتمال صدمه دیدن آن‌ها زیاد است.

- اشیاء را پرتاب می‌کنند و پرتحرک هستند. انگار موتور درون بدن آن‌هاست که به حرکت دائمی مجبورشان می‌کند.

اختلال تمرکز در این کودکان، در کارهایی که فعالیت دائم و جدی مغزی را لازم دارد، مشهودتر است.

آن‌ها ممکن است در تماشای تلویزیون، بازی رایانه‌ای و فعالیت‌های لذت‌بخش با کودکان دیگر تفاوتی نداشته باشند، ولی در کارهایی که فعالیت مداوم مغزی و تمرکز لازم دارد (مانند انجام تکلیف درسی) تفاوت آن‌ها با کودکان دیگر نمایان می‌شود.

در انجام تکلیف مدرسه، تمرکز روی درس، رعایت قوانین مدرسه و داشتن روابط اجتماعی مناسب با هم‌کلاسی‌ها مشکل دارند که به‌نظر می‌رسد علت آن بیشتر به نقص در تکامل سیستم اعصاب مربوط باشد.

توارث و ژنتیک در این اختلال نقش دارد. همچنین، در بعضی موارد، در جریان زایمان یا پس از آن صدماتی جزئی به ساختمان مغز وارد

* آموزش والدین

* آموزش آموزگاران

* استفاده از کلاس‌های مخصوص

* درمان دارویی و درمان‌های روان‌شناختی

آموزش والدین و معلمان بخش مهمی از درمان را تشکیل می‌دهد و شامل دو بخش است:

* آموزش برای شناخت بیماری

* آموزش برای به کارگیری روش‌های درمانی

مفصل نیاز دارند در ساعات اولیه‌ی کلاس درس تدریس کند. بعد از چند هفته، آموزگار بسیار راضی بود، زیرا بیش‌فعالی کودک مدیریت و کنترل و توجه و تمرکز او به معلم و سایر دانش‌آموزان بسیار بهتر شده بود. از دید آموزگار، این اتفاق موفقیتی سطح بالا بود.

به همین خاطر، با تکنیک‌های رفتاری (تقویت رفتارهای مناسب مانند توجه به تدریس آموزگار، رعایت نوبت در بازی و رفتار دوستانه با سایرین) و همچنین (تقویت نکردن رفتارهای نامناسب مانند پرخاشگری و نبود توجه) با همکاری مادر، معلم و سایر دانش‌آموزان، توانستیم به نتایج مؤثری برسیم، طوری که در پایان سال تحصیلی، آموزگار رضایت بسیار داشت و توانسته به اهداف آموزشی خود برسد.

ارزیابی و تشخیص

فرایند ارزیابی و تشخیص خود را به صورت تخصصی در یک صفحه برای یک روان‌پزشک نوشتیم و از ایشان خواستیم در مورد تشخیص و تجویز دارو برای کنترل بیش‌فعالی نظر بدهد. البته از مادر دانش‌آموز خواستیم فرزندش را پیش روان‌پزشک ببرد. روان‌پزشک هم تشخیص ما را تأیید و دارو تجویز کرد. با توجه به شناخت قبلی و مطالعاتی که در این زمینه از اثرات داروی محرک این بیماری داشتیم، از مادر دانش‌آموز خواستیم دارو را قبل از آمدن فرزندش به مدرسه به او بدهد. در ضمن، این دارو باید حتماً دور از دسترس کودکان دیگر باشد. با توجه به تأثیرات موقتی این دارو که فقط سه و نیم تا چهار ساعت مؤثر است، از آموزگار خواستیم درس‌هایی را که به تدریس دقیق و

منابع

۱. کابلان، هارولد و سادوک، بنیامین. خلاصه‌ی روان‌پزشکی علوم رفتاری/ روان‌پزشکی بالینی (۱۳۹۱) ترجمه‌ی نصرت‌الله پورافکاری. انتشارات شهرآب، آینده‌سازان. تهران.
۲. افروز، غلامعلی. مقدمه‌ای بر روان‌شناسی آموزش و پرورش کودکان استثنایی (۱۳۹۸). انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
۳. تیموتی جی. ترال - میچل جی. پرینستین. روان‌شناسی بالینی (۱۳۹۷). ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت. انتشارات رشد. تهران.
۴. راتوس، اسپنسر. روان‌شناسی عمومی (۱۳۸۴) ترجمه و ویراسته‌ی حمزه گنجی. انتشارات نشر ساوالان. تهران.
۵. دادستان، پریرخ. روانشناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی (۱۳۹۳). انتشارات سمت. چاپ دوازدهم. تهران.





کلاس بدون مرز

ممکن است بنا بر رخدادی، به کلاسی وارد شوید که به فعالیت خاص و خلاق نیاز دارد. آموزگاران می‌توانند با توجه به شرایط موجود در فضای مدرسه و بی‌توجه به منابع دم‌دستی، از جمله کتاب درسی، ایده‌پردازی و تصمیم‌سازی کنند.

جمال مرتضوی، معاون دبستان شاهد جوادالائمه(ع)، ناحیه‌ی ۴ کرج است. با توجه به کم و زیاد شدن ساعت درس‌ها و برای این که جریان یاددهی-یادگیری مختل نشود، جرقه‌ی کلاس بدون کتاب در ذهن او زده شده است. مرتضوی اهداف زیر را با توجه به ساحت‌های سند تحول بنیادین تدوین کرده است.

گذر از مرز کتاب درسی

زیباکلام، یکی از استادان تعلیم و تربیت انتقادی در دوران معاصر، در کتاب تفکر انتقادی بیان می‌کند: «معلمان و دانش‌آموزان باید از مرزهای کتاب‌های درسی بگذرند و با کشف دوباره‌ی این متون، به واسازی (تحول بنیادین) آن‌ها بپردازند. آموزگار باید در کلاس درس خود در حد امکان از منابع مختلف بهره‌برد.»

جمال مرتضوی می‌گوید: «با مطالعه‌ی این کتاب به نظرم آمد در کلاس درس باید معانی تحمل و احترام به عقاید تمرین شود و از همان ابتدا دانش‌آموزان را تا حد ممکن در تصمیم‌گیری دخالت دهیم. آموزگار باید از طریق معرفی منابع یادگیری، انحصار متون درسی را در هم بشکند. چنین بود که به اهداف و فعالیت‌های زیر رسیدم.»

اهداف کلاس بازی و یادگیری

- پوشش دادن برنامه‌ی بوم (برنامه‌ی ویژه‌ی مدرسه)
- توجه بیشتر به ساحت‌های سند تحول بنیادین (به‌ویژه ساحت زیباشناختی و هنری و فراساحت‌ها)
- تمرین مهارت‌های زندگی (کنترل خشم، مسئولیت‌پذیری)
- پیش بردن رویکرد پژوهش‌محوری
- کاهش خستگی آموزگاران و دانش‌آموزان و شاداب‌سازی محیط یادگیری

- تلفیق آموزش و بازی (بازی و یادگیری)
- تثبیت آموخته‌ها و یادگیری معنی‌دار
- توجه بیشتر به دانش‌آموزان دارای مشکل اختلالات یادگیری (ADHD)

نمونه‌هایی از فعالیت‌های پیش‌بینی شده برای کلاس بدون کتاب

- آموزش نقاشی با موضوع حیوانات (زیستی و زیباشناختی)؛
- تهیه‌ی روزنامه‌ی دیواری با موضوع مهارت‌های زندگی، مانند: مقابله با خشم، روحیه‌ی انتقادی (اعتقادی، عبادی و اخلاقی)؛
- حساب کردن محیط و مساحت از طریق محاسبه‌ی محیط و مساحت وسایل داخل کلاس (فناوری)؛
- دیکته‌ی سفره‌ای و وایت‌برد؛
- بازی پانتومیم از کلمات مربوط به درس مطالعات (اجتماعی و سیاسی)؛
- دست‌ورزی و کاردستی با وسایل دورریز (اقتصادی و حرفه‌ای)؛
- بازی هدفمند (آموزش ریاضی و جدول ضرب)؛
- اجرای نمایش عروسکی یا قصه‌گویی و شاهنامه‌خوانی؛
- مسابقه‌ی پیدا کردن معنی واژه‌ها از فرهنگ لغت؛
- گویندگی خبر و گزارشگری؛
- بازی‌های رومیزی مانند شطرنج، فکر برتر و مکعب روبیک.

پی‌نوشت

۱. زیبا کلام، فاطمه. نقد و بررسی اندیشه‌های تربیتی هنری ژیرو، صاحب کتاب «تفکر انتقادی»

کارکرد وسایل و تجهیزات کلاس تربیت بدنی دوره‌ی اول ابتدایی



توپ بادبستی

برنامه‌ی درسی تربیت بدنی به‌طور کلی مشتمل بر سه بخش اصلی است: ۱. آنچه دانش‌آموزان باید بدانند؛ ۲. آنچه دانش‌آموزان باید قادر باشند انجام دهند؛ ۳. آنچه دانش‌آموزان باید بر مبنای آن رفتار کنند. بر این اساس، دانش‌آموزان دوره‌ی اول ابتدایی در بخش دانشی باید سه موضوع اساسی «وضعیت بدنی، بهداشت و تغذیه، و ایمنی در ورزش» را بدانند. بخش مهارت‌ها نیز خود به دو بخش آمادگی جسمانی و مهارت‌های بنیادین حرکتی تقسیم می‌شود. مهارت‌های بنیادین حرکتی نیز به منزله‌ی الفبای حرکت، شامل مهارت‌های انتقالی (راه رفتن، دویدن، لی لی کردن، به پهلو دویدن، با پرش رفتن، با جهش رفتن، فرود و توقف، و جاخالی دادن)، مهارت‌های غیرانتقالی (بستن و باز کردن، چرخیدن و پیچیدن) و حرکات کنترلی یا دست‌ورزی (پرتاب کردن، دریافت کردن، ضربه‌زدن) است. بخش نگرشی نیز شامل مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی، مشارکت، رعایت نظم و عادت‌های بهداشتی است. در این مقاله به دنبال آن هستیم که ضمن شناخت مهم‌ترین وسایل، به‌طور خلاصه به کارکرد هر یک بپردازیم.

وسایل لازم برای کلاس تربیت بدنی دوره‌ی اول ابتدایی
تشک: تشک‌ها در ابعاد، جنس‌ها و رنگ‌های متنوع وجود دارند. برای این دوره، ایمنی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در مدرسه‌ها از تشک هم برای ایمن‌سازی محیط‌ها (مانند ستون‌ها و دیوارها) و هم برای تمرین، بازی و آموزش مهارت‌های حرکتی و آمادگی جسمانی (به‌ویژه حرکات زمینی مانند دراز و نشست) استفاده می‌شود.
توپ: توپ‌ها نیز با توجه به جنس، وزن و هدف کارایی‌های متفاوت دارند. در دوره‌ی اول ابتدایی، برای آموزش مهارت‌های دست‌ورزی (ضربه‌زدن، پرتاب کردن و دریافت کردن) و طراحی انواع بازی‌های تلفیقی برای توسعه‌ی آمادگی جسمانی و سایر مهارت‌های حرکتی (انتقالی و غیرانتقالی) از توپ‌های نرم و سبک استفاده می‌شود. توپ بازیگر، توپ چسبناک، توپ‌های پلاستیکی، توپ ماهوتی و توپ طبی مهم‌ترین توپ‌های مورد نیازند.

سبد: سبدها در اندازه‌های متنوع، ابزار نگهداری وسایل و طراحی انواع بازی‌ها و تمرین‌ها هستند. سبدهای کوچک برای طراحی بازی‌هایی مانند نشانه‌گیری به کار می‌روند.

مخروط: مخروط‌های بزرگ ترافیکی و مخروط‌های کوتاه به‌منظور طراحی انواع بازی‌ها و تمرین‌ها، آموزش مهارت‌های حرکتی (پریدن و...)، سازمان‌دهی دانش‌آموزان و توسعه‌ی فاکتورهای آمادگی جسمانی (مانند چابکی) استفاده می‌شوند. معمولاً مخروط‌های بزرگ به تعداد کمتر و مخروط‌های کوچک و کوتاه به تعداد بیشتر و رنگ‌های متنوع‌تر می‌توانند فرایند تدریس شما را تسهیل کنند. مخروط‌های بزرگ از جنس نرم و پلی اتیلن و در ارتفاع‌های ۳۰ تا ۶۰ سانتی‌متری و مخروط‌های کوتاه به شکل نیم کره و هلالی و در قطر ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌مترند.



چتر رنگارنگ



مخروط کوتاه



توپ بازیگر



کیسه‌ی پریدن



کیسه‌ی لوبیا



مخروط بزرگ

دانش‌آموزان است، اما با کمی خلاقیت می‌توان برای آموزش انواع حرکت‌های انتقالی مانند پریدن، فرود و توقف و طراحی انواع بازی از آن بهره برد. این وسیله ممکن است به صورت یک چوب یک‌تکه یا دارای پایه‌های متغیر (از نظر ارتفاع) باشد.

راکت: راکت از جنس پلاستیک است و مهم‌ترین کارکرد آن توسعه‌ی مهارت ضربه‌زدن است.

نشانگر: از جنس‌های پلاستیکی و در شکل‌های متنوع برای طراحی انواع بازی و تمرین به کار می‌رود. شکل‌ها معمولاً به صورت دایره، مربع، ستاره و فلش جهت‌دارند. برخی از آن‌ها عدد، حروف الفبا یا علامت‌های ریاضی دارند تا در طراحی بازی‌های تلفیقی به کار روند. **کیسه‌ی پریدن:** این کیسه‌ها از جنس پارچه‌های نخی محکم‌اند و دسته‌دارند. توسعه‌ی مهارت‌های پریدن و ارتقای عامل‌های قدرت، استقامت عضلانی و استقامت قلبی-تنفسی از مهم‌ترین کارکردهای این وسیله‌اند.

کاور ورزشی: پارچه‌ای بغل باز از جنس پارچه‌ی فلامنت و در

رنگ‌های متنوع است که برای سازمان‌دهی و گروه‌بندی دانش‌آموزان در کلاس تربیت‌بدنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. **چتر رنگارنگ:** پاراشوت یا چتر رنگارنگ به صورت دایره‌ای چتری و از جنس پارچه‌ی نایلونی یا شمعی ضد آب و مقاوم است. این چترهای بزرگ دستگیره‌های متعددی دارند که به کمک آن‌ها می‌توان بازی‌های گروهی بسیار متنوعی را طراحی کرد. آموزش مهارت‌های باز و بسته کردن یکی دیگر از کارکردهای این وسیله است.



توپ فومی اسفنجی

کیسه‌ی لوبیا: از این کیسه، به جای وزنه، برای توسعه‌ی آمادگی جسمانی (قدرت و استقامت عضلانی) استفاده می‌شود. وزن کیسه برای دوره‌ی اول ابتدایی بین ۱ تا ۲ کیلوگرم پیشنهاد می‌شود.

حلقه‌ی هولاهوپ: حلقه‌ای از جنس پلی‌اتیلن، قابل انعطاف و در رنگ‌های متنوع و شاد است که می‌توان از آن در پریدن، فرود و توقف، لی‌لی، پرتاب کردن، و طراحی تمرین‌های آمادگی جسمانی استفاده کرد.

طناب ورزشی: طناب‌ها در اقسام گوناگون تک‌نفری ساده، دونفری، گروهی، مهره‌دار، نمایشی بلند و سرعتی پلاستیکی وجود دارند. اما مهم‌ترین و پرکاربردترین آن‌ها طناب‌های ساده‌ی تک‌نفری است که برای آموزش مهارت‌های بنیادین مانند پریدن، طناب‌زدن و توسعه‌ی عامل‌های آمادگی جسمانی مانند استقامت قلبی-تنفسی، قدرت عضلانی، استقامت عضلانی، و چابکی استفاده می‌شود. طناب اندازه‌ی ۶ به عنوان کوچک‌ترین سایز برای دانش‌آموزان دوره‌ی اول ابتدایی پیشنهاد می‌شود.

طناب کنفی: طنابی بلند از جنس

کنف، نخ یا پارچه است که می‌توان طول ۱۵ متری آن را برای دوره‌ی اول ابتدایی تهیه کرد.

نردبان چابکی: این وسیله

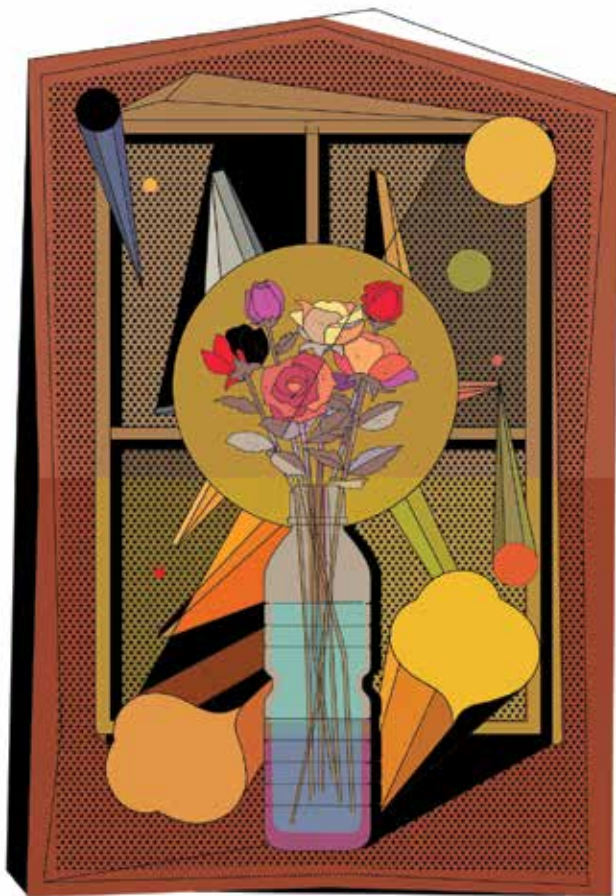
از جنس پلی‌پروپیلن است.

نوع ۱۰ پله‌ای با طول ۳ متری

آن برای دانش‌آموزان مناسب است.

در طراحی انواع تمرین‌های آمادگی جسمانی، بازی‌های حرکتی، آموزش انواع مهارت‌های حرکتی مانند پریدن، لی‌لی رفتن، با پرش رفتن، فرود و توقف از آن استفاده می‌شود.

چوب موازنه: اگرچه مهم‌ترین کارکرد این وسیله توسعه‌ی عامل تعادل در



پنجره و شکارچی

یک روز که مشغول تدریس درس علوم بودم، با باز شدن پنجره گلدانی که دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم داخل آن گل کاشته و در لبه‌ی پنجره‌ی کلاس گذاشته بودند، افتاد و شکست. در وهله‌ی اول هم من و هم دانش‌آموزان ناراحت شدیم. این اتفاق باعث نشد کسی را مقصر جلوه دهیم، بلکه با کمی تدبیر، حادثه را به فرصتی ویژه بدل کردم. جرقه‌ای در ذهنم زده شد. با استفاده از این موقعیت، می‌توانستم دو نکته را به دانش‌آموزان یاد بدهم؛ اول اینکه با استفاده از مواد دورریختنی (بطری آب یک‌بارمصرف) یک گلدان زیبا برای این گل درست کنیم که در ضمن دست‌ورزی هم کرده باشیم. در وهله‌ی دوم، با توجه به اینکه تا درس گیاهان یک فصل دیگر مانده بود، از روی آن گل، قسمت‌های گیاه، از جمله بخش‌هایی را که در خاک بود و دیده نمی‌شد، به دانش‌آموزان نشان دادم. این موقعیت در یادگیری بهینه‌ی دانش‌آموزانم بسیار تأثیرگذار بود.

تمام تلاش آموزگار و والدین این است که علاوه بر آموزش درس‌ها، رفتار، عادت‌ها و مهارت‌های اجتماعی و زیستی را هم پرورش دهند. به اذعان اغلب همکاران، این فعالیت‌ها با شاخص‌های کمی قابل اندازه‌گیری نیست و باید در لحظه آن‌ها را شکار کرد. هر دانش‌آموز باید براساس توانایی‌هایش سنجیده شود و این نقطه‌ی قوت ارزشیابی توصیفی است.

یادداشت

غلامحسین ظفیری
ناحیه‌ی ۲ اهواز

ارتقای منزلت معلم؛ وظیفه‌ای همگانی

جامعه که سرمایه‌های انسانی یک کشورند و به دنبال آن توسعه‌ی انسانی و پیشرفت کشور در گرو سلامت و بالندگی معلمان جامعه است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین فعالیت‌ها در زمینه‌ی ارتقای منزلت معلم، تغییر نگاه مسئولان و آحاد جامعه است. در این راستا پیشنهادهای زیر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:

توجه به نظرات معلمان در اداره‌ی امور مدرسه؛ آشنایی والدین با شرایط محیط آموزشی و موقعیت معلم؛ ترویج فرهنگ تکریم شخصیت معلمان در رسانه‌های گروهی، به‌خصوص صدا و سیما؛ جلوگیری از تجلیل‌های صرفاً زبانی و تلاش برای دریافت طبقه‌بندی درخواست‌های معلمان و انتقال آن‌ها به مسئولان و پیگیری درخواست‌ها؛ تشریح شأن و جایگاه معلم برای دانش‌آموزان در فعالیت‌های تربیتی مدرسه و توسط والدین.

پاسداشت منزلت معلم، احترامی اجتماعی است که افراد جامعه به لحاظ ذهنی برای معلمان در جامعه قائل هستند. ارتقای منزلت اجتماعی معلمان پدیده‌ای اجتماعی است. بنابراین نهادهای مرتبط با آموزش و پرورش، رسانه‌ها، اولیای دانش‌آموزان و آحاد افراد جامعه باید به این موضوع توجه کنند که توجه به مشکلات معلم و تلاش برای رفع آن‌ها، کیفیت آموزش‌های معلمان را ارتقا خواهد داد.

باید توجه داشت، کاهش اعتبار و منزلت فردی و اجتماعی معلم، کاهش اقتدار و جایگاه معلم را به‌عنوان الگو و کاهش کارآمدی نظام آموزشی را در پی دارد که این خود تهدیدی برای تربیت نسل آینده است.

سلامت، رشد و بالندگی دانش‌آموزان یا همان نسل آینده‌ی

نمایش مرام و منش



دکتر حیدر تورانی، استاد دانشگاه، مشاور علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و سردبیر مجله‌ی رشد آموزش مدیریت، ضمن بزرگداشت روز معلم، با یادکرد اهمیت و شکوه مقام و شخصیت معلم، یادداشتی در این زمینه نوشته است که توجه خوانندگان گرامی مجله را به آن جلب می‌کنیم.

دانستن فرایند

ابتدا اینکه مدیر دبستان، آموزشگاه را نظام‌مند و سیستماتیک ببیند. مدیر، بیش از مدیریت باید راهبری بداند. بدین‌وسیله او می‌تواند مناسبات میان اجزای مدرسه را ببیند و توسعه دهد. آموزگار نیز مدیر و راهبر کلاس است. همان‌طور که مدیر، مدرسه را یک فرایند می‌بیند، آموزگار مورد نظر ما هم کلاس را باید فرایندمدار ببیند و اجزای ورودی و خروجی آن را در نظر بگیرد. اگر دانش‌آموزی خوب درس نمی‌خواند، آموزگار باید این فرایند را در نظر بگیرد. درس نخواندن دانش‌آموز علت دارد و باید آموزگار آن را بررسی کند. این را به یاد داشته باشیم، در اکثر فرایندهای مدرسه، جای پای آموزگاران وجود دارد. آموزگار به‌عنوان مربی یا والد یا مشاور در دبستان حاضر است و اثر دارد. اینجاست که نیاز می‌یابیم به اینکه بگوئیم آموزگاران بیش از آنکه به آموزش بپردازند، به منش، مرام و رسالت دیگر خود تکیه کنند. دانش‌آموز، به‌ویژه در دوره‌ی ابتدایی، در چهره‌ی آموزگار، تصویر پدر یا مادرش را می‌بیند و اگر آموزگار این نگاه والد-فرزندی را در چهره‌ی دانش‌آموز نبیند، موفق نخواهد بود. معلمی عشق، مرام و منش است. به همین دلیل تمام حرکات و رفتار آموزگار اثرگذار است و در جامعه انعکاس می‌یابد.

آموزگار راهبر است

هر آموزگاری باید بداند راهبر آموزشی کلاس خود است، پیش از آنکه مدیر کلاس باشد. به عبارت دیگر، مدیر راهبر کلان مدرسه و آموزگار راهبری در کنار مدیر است. اکثر کسانی که امروز به سنین بالا رسیده‌اند، خیلی اتفاقات دبستان را فراموش کرده‌اند، اما آموزگاران خود را فراموش نمی‌کنند؛ به‌ویژه در پایه‌های اول، دوم و سوم.

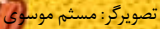
آموزگار هم برای ارتقای سطح علمی، شخصیتی و اجتماعی خود باید تلاش کند. باید از درون بجوشد و حرکت کند. در همین

زمینه ضرورت دارد مدیر، والدین و دانش‌آموزان و در واقع مدرسه، انگیزه‌های لازم را - تا حد امکان - برای آموزگاران فراهم سازند. آموزگار وقتی از دیگران حرمت ببیند، حتی از دورترین راه‌ها خود را به مدرسه می‌رساند. نقش آموزگار و معلم در جامعه حساس و پررنگ است. مدیر هم باید بداند، معلم در بیشتر فرایندهای مدرسه نقش دارد و باید مرکز توجه باشد تا خدشه‌ای به شخصیت معلم وارد نشود. آموزگار هر کاری در کلاس انجام می‌دهد، باید از فلسفه‌ی آن مطلع باشد و آن را به دانش‌آموزان بگوید. برای مثال، اگر ریاضی دارند، بگویند دانش‌آموزان اگر حساب یاد نگیرند، چه اتفاقی می‌افتد. بیان اهداف درس‌ها مهم است. آموزگار باید اعمال و تصمیماتش صبورانه و منطقی باشد و با بچه‌ها همراه شود. او باید تا معاینه نکرده است، دست به معالجه نبرد. و البته آموزگاران ما با اصول راهبری کلاس، نظارت، تصمیم‌گیری، کنترل و قدرت نفوذ آشنا هستند و می‌دانند دانش‌آموزان، بیش از آنکه به گفتار ما توجه کنند، به رفتار ما معطوف هستند.

معلمان ما درس‌پژوهی را جدی بگیرند. درس‌پژوهی می‌گوید هر آموزگار اجازه بدهد روش‌ها و کلاس‌داری او در معرض دید همکارانش باشد و بتوانند او را نقد کنند. این شیوه مایه‌ی پیشرفت وی خواهد شد. به یاد داشته باشیم سبک کلاس‌داری با سبک و روش تدریس تفاوت دارد. آموزگار در کلاس‌داری موفق باید از خودش شروع کند و کار، نوع شخصیت، پوشش، نگاه، صحبت کردن و اعتمادبه‌نفس آموزگار است که باعث می‌شود او در کلاس جا بیفتد.

متأسفانه شهريور از آنچه در
تقويم به نظر مي‌رسد به ما
نزديك‌تر است.

چه حس خوبییه وقتی
میرسیم به درس‌های
آخر کتاب





روز ملی خلیج فارس گرمی باد

عکس: مجید ناگهی